

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَّآلِ مُحَمَّدٍ وَّعَجِّلْ فَرَجَهُمْ

عربی، زبان قرآن (۱)

رشته ادبیات و علوم انسانی

پایه دهم

دوره دوم متوسطه

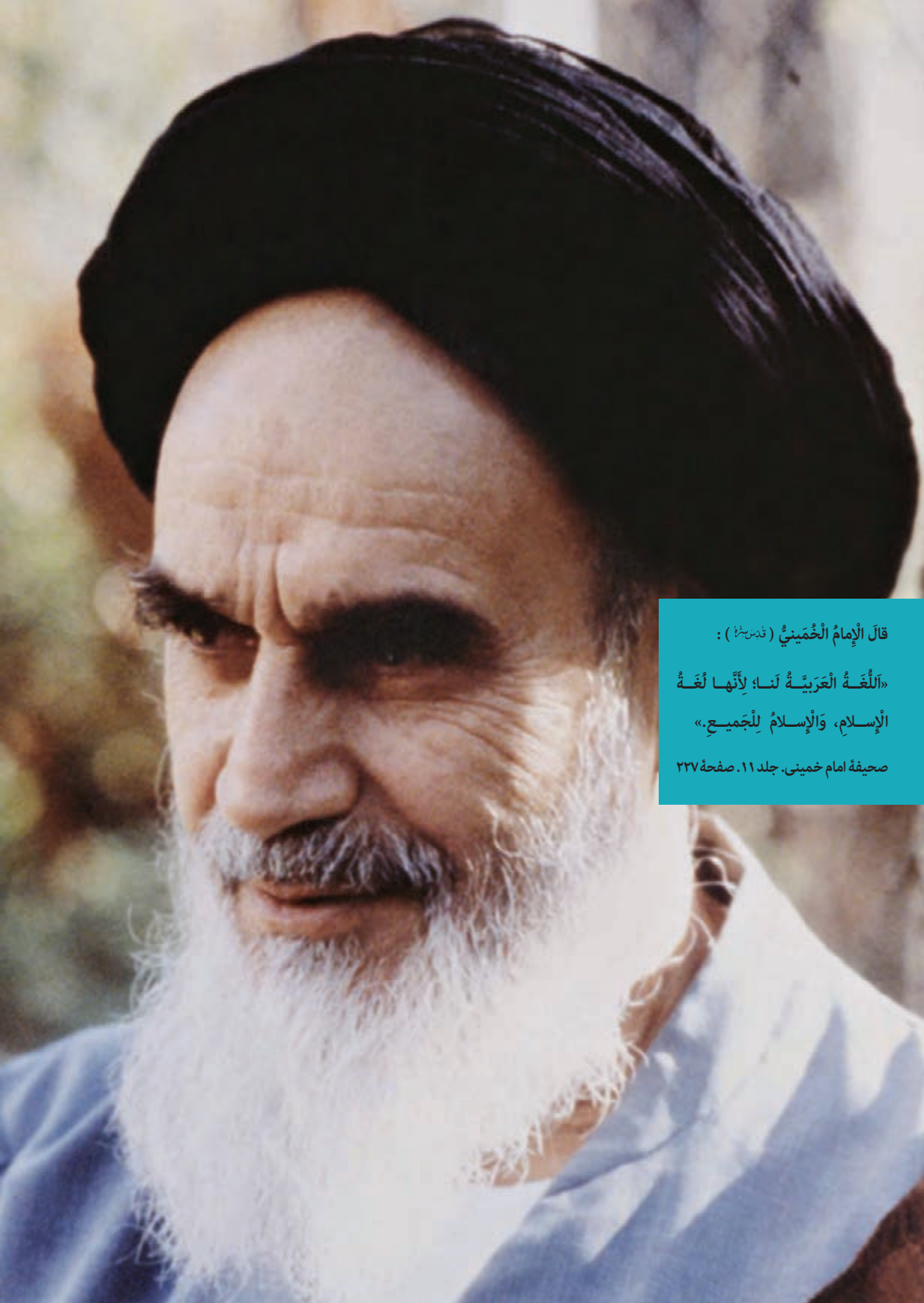




وزارت آموزش و پرورش
سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی

- نام کتاب: عربی، زبان قرآن (۱) - پایه دهم دوره دوم متوسطه - ۱۱۰۲۰۷
- پدیدآورنده: سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی
- مدیریت برنامه‌ریزی درسی و تألیف: دفتر تألیف کتاب‌های درسی عمومی و متوسطه نظری
- شناسه افزوده برنامه‌ریزی و تألیف: حبیب تقوایی، علی جان‌بزرگی، حسن حیدری، سید محمد دلبری، سید مهدی سیف و فاطمه یوسف‌نژاد (اعضای شورای برنامه‌ریزی)
- مدیریت آماده‌سازی هنری: عادل اشکیوس، محی‌الدین بهرام محمدیان، علی چراغی، اباذر عیاجی و حمید محمدی (اعضای گروه تألیف) - سید اکبر میرجعفری (ویراستار)
- شناسه افزوده آماده‌سازی: اداره کل نظارت بر نشر و توزیع مواد آموزشی
- نشانی سازمان: احمدرضا امینی (مدیر امور فنی و چاپ) - محمد مهدی ذبیحی‌فرد (مدیر هنری) - آزاده امینیان (طراح جلد و صفحه‌آرا) - حسین چراغی، سیفالله بیک‌محمدلیونند، فاطمه پزشکی و مریم دهقان‌زاده (امور آماده‌سازی)
- ناشر: تهران: خیابان ایرانشهر شمالی - ساختمان شماره ۴ آموزش و پرورش (شهید موسوی)
تلفن: ۸۸۸۳۱۱۶۱-۹، دورنگار: ۸۸۳۰۹۲۶۶، کد پستی: ۱۵۸۴۷۴۷۳۵۹
وبگاه: www.irtextbook.ir و www.chap.sch.ir
- چاپخانه: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران - تهران: کیلومتر ۱۷ جاده مخصوص کرج - خیابان ۶۱ (داروپخش) تلفن: ۴۴۹۸۵۱۶۱-۵، دورنگار: ۴۴۹۸۵۱۶۰، صندوق پستی: ۳۷۵۱۵-۱۳۹
- سال انتشار و نوبت چاپ: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی ایران «سهامی خاص»
چاپ نهم ۱۴۰۳

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۰۵-۲۴۸۳-۱
ISBN 978-964-05-2483-1



قال الإمام الخميني (قدس سره) :

«اللغة العربية لنا؛ لأنها لغة

الإسلام، وَالإسلامُ لِلجميع.»

صحيفة امام خميني، جلد ١١، صفحة ٢٢٧

کلیه حقوق مادی و معنوی این کتاب متعلق به سازمان پژوهش و برنامه‌ریزی آموزشی وزارت آموزش و پرورش است و هرگونه استفاده از کتاب و اجزای آن به صورت چاپی و الکترونیکی و ارائه در پایگاه‌های مجازی، نمایش، اقتباس، تلخیص، تبدیل، ترجمه، عکس‌برداری، نقاشی، تهیه فیلم و تکثیر به هر شکل و نوع، بدون کسب مجوز از این سازمان ممنوع است و متخلفان تحت پیگرد قانونی قرار می‌گیرند.

این کتاب تا پایان سال تحصیلی ۱۴۰۶-۱۴۰۵ تغییر نخواهد کرد.

أَلْفِهْرِس

■ | الف | | بيشگفتار

■ | ١ | | أَلدَّرْسُ الْأَوَّلُ

..... | ذَاكَ هُوَ اللَّهُ + الْأَفْعَالُ وَ الصَّمَائِرُ وَ أَسْمَاءُ الْإِشَارَةِ + التَّعَارُفِ

■ | ١٧ | | أَلدَّرْسُ الثَّانِي

..... | إِنَّاكُمْ مَسْؤُولُونَ + الْأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ + فِي مَطَارِ النَّجْفِ

■ | ٣١ | | أَلدَّرْسُ الثَّلَاثُ

..... | مَطَرُ السَّمَكِ + الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَالْمَزِيدُ (١) + فِي قِسْمِ الْجَوَازَاتِ

■ | ٥١ | | أَلدَّرْسُ الرَّابِعُ

..... | التَّعَايُشُ السُّلْمِيُّ + الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ (٢) + فِي صَالَةِ التَّفْتِيْشِ

■ | ٦٧ | | أَلدَّرْسُ الْخَامِسُ

..... | «هَذَا خَلَقَ اللَّهُ» + الْجُمْلَةُ الْفِعْلِيَّةُ وَالْإِسْمِيَّةُ + مَعَ سَائِقِ سَبَاةِ الْأَجْرَةِ

■ | ٨١ | | أَلدَّرْسُ السَّادِسُ

..... | الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ + إِعْرَابُ أَجْزَاءِ الْجُمْلَةِ الْإِسْمِيَّةِ وَالْفِعْلِيَّةِ + فِي الصِّدَلِيَّةِ

■ | ٩٣ | | أَلدَّرْسُ السَّابِعُ

..... | صِنَاعَةُ النَّقْطِ + الْفِعْلُ الْمَجْهُوْلُ + مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِقْبَالِ الْفُنْدُقِ

■ | ١٠٥ | | أَلدَّرْسُ الثَّمَانُ

..... | يَا مَنْ فِي الْبَحَارِ عَجَائِبُهُ + الْأَجَارُ وَالْمَجْرُورُ وَ نَوْنُ الْوَقَايَةِ + مَعَ مُشْرِفِ الْخَدَمَاتِ

پیشگفتار

سخنی با دبیران، گروه‌های آموزشی، مدیران مدارس و اولیای دانش‌آموزان دبیر عربی برای تدریس این کتاب شایسته است:

۱. کتاب‌های عربی پایه‌های هفتم تا نهم را تدریس یا به دقت مطالعه و بررسی کرده باشد.
۲. دوره آموزشی توجیهی ضمن خدمت این کتاب را گذرانده باشد.
۳. کتاب معلم (راهنمای تدریس و ارزشیابی) را با دقت کافی بررسی کرده باشد.

خدای را سپاسگزاریم که به ما توفیق داد تا با نگارش کتاب درسی آموزش زبان عربی ویژه رشته ادبیات و علوم انسانی به جوانان کشور عزیزمان خدمتی فرهنگی ارائه دهیم.

رویکرد برنامه درسی عربی بر اساس برنامه درسی ملی این است:

«پرورش مهارت‌های زبانی به منظور تقویت فهم قرآن و متون دینی و کمک به زبان و ادبیات فارسی»

شیوه تألیف کتاب‌های عربی هفتم تا دهم متن‌محوری است. متن‌محوری به معنای نفی قواعد نیست؛ در این کتاب قواعد در خدمت فهم زبان است؛ لذا بخش مهمی از کتاب درسی و نیز بارم‌بندی را قواعد تشکیل می‌دهد.

شایستگی مورد نظر برای دانش‌آموز پایه دهم رشته ادبیات و علوم انسانی این است که بتواند در پایان سال تحصیلی، متون و عبارات ساده عربی را درست بخواند و معنای آنها را بفهمد و ترجمه کند. در این کتاب علاوه بر حدود ۳۵۰ کلمه جدید کتاب عربی پایه دهم،

بسیاری از ۸۰۰ واژه عربی هفتم، هشتم و نهم نیز تکرار شده‌اند؛ پس در حقیقت هدف این کتاب در بخش واژگان، آموزش حدود ۱۰۰۰ واژه پربسامد زبان عربی است. این کتاب با توجه به اسناد بالادستی «قانون اساسی»، «برنامه درسی ملی» و «راهنمای برنامه درسی» نوشته شده است. برنامه درسی ملی، مهم‌ترین سند برای تألیف کتاب‌های درسی است. راهنمای برنامه درسی عربی نیز نقشه راه برای تألیف تمام کتاب‌های درسی عربی است.

کلمات به‌کاررفته در کتاب‌های عربی، پرکاربردترین واژگان زبان عربی است که در قرآن، احادیث، روایات و زبان و ادبیات فارسی بسیار به کار رفته‌اند.

تصاویر، عبارات و متون کتاب به ابعاد تربیتی و فرهنگی نیز توجه دارند. از آنجا که یکی از چهار مهارت زبانی «سخن گفتن» است و به استناد برنامه درسی ملی و از آنجا که درس عربی در رشته ادبیات و علوم انسانی یک درس اختصاصی است؛ مکالمات کوتاهی در کتاب گنجانده شده است. مکالمه بستری مناسب برای آموزش هر زبانی است و کلاس درس را جذاب، شاداب، پرتحرک و فعال می‌سازد.

مهم‌ترین تأکیدات درباره شیوه تدریس و ارزشیابی کتاب:

۱. طراحی هر گونه آزمونی (کنکور، داخلی مدرسه، هماهنگ استانی یا کشوری، مسابقات علمی) تابع اهداف کتاب درسی و در چارچوب آن است. این تذکر به ویژه برای طرح سؤال کنکور است. این تأکید در حکم یک بخشنامه اداری و لازم الاجراست.

۲. این کتاب شامل هشت درس است. هر درس در سه جلسه آموزشی تدریس می‌شود.

۳. دانش‌آموز پایه دهم در دوره اول متوسطه با این ساختارها آشنا شده است:

فعل‌های ماضی، مضارع، امر، نهی، نفی، مستقبل، معادل ماضی استمراری، ترکیب اضافی و وصفی برای ترجمه ترکیب مخلوط مانند «أَخَوْتُ الصَّغِيرُ» هدف از آموزش ترکیب وصفی و اضافی در عربی پایه نهم این بوده که دانش‌آموز بتواند ترکیب‌هایی مانند «أَخِي الْعَزِيزُ» را داخل جمله (نه بیرون از جمله) ترجمه کند.

وزن و ریشه کلمات، اسم اشاره، کلمات پرسشی و ساعت خوانی؛

در ساعت خوانی فقط ساعت کامل، ربع و نیم آموزش داده شده؛ مثلاً «چهار و بیست و پنج دقیقه» آموزش داده نشده است.

۴. هرچند درس اول دوره آموخته‌های پیشین است؛ اما در سایر درس‌ها نیز این دوره انجام شده است.

۵. در درس دوم، عددها آموزش داده می‌شوند. اهمیت آموزش اعداد بر کسی پوشیده نیست. در متوسطه اول عددهای اصلی و ترتیبی تا ۱۲ آموزش داده شده‌اند. در این کتاب عددهای اصلی از یک تا صد و عددهای ترتیبی از یکم تا بیستم آموزش داده خواهد شد. مباحث مطابقت عدد و معدود و ویژگی‌های معدود جزء اهداف آموزشی کتاب نیست و از طرح آنها خودداری شود. بدیهی است که در کتاب درسی این مطابقت‌ها در متون و عبارات وجود دارد و دانش‌آموز با دقت در آنها می‌تواند این ظرافت‌ها را کشف کند؛ اما آموزش و ارزشیابی آنها مد نظر نیست.

۶. دانش‌آموزان در دوره اول متوسطه با هر دو فعل مجرّد و مزید در کتاب درسی آشنا شده‌اند؛ هرچند در تمرینات فقط با صرف فعل‌های ثلاثی مجرّد صحیح و سالم مواجه شده‌اند؛ اما فعل‌های مزید و حتّی فعل‌های مهموز، مضاعف و معتل نیز در کتاب به کار رفته است؛ مانند اَمَنْ، اِبْتَسَمَ، اَتَى، اَجَابَ، اَحَبَّ، اِحْتَرَقَ، اِشْتَرَى، اَصَابَ، اَعْطَى، تَخَرَّجَ، حَاوَلَ، حَدَّرَ، زَادَ و ... دانش‌آموز قبلاً با شناسه‌های فعل‌های ثلاثی مجرّد آشنا شده است. در حقیقت هدف آموزشی این دو درس این است که با استفاده از آموخته‌های سه سال اول با فعل‌هایی آشنا شود که فعل ماضی سوم شخص مفرد آنها «ثلاثی مزید» بیش از سه حرف است. تشخیص ثلاثی مزید از ثلاثی مجرّد، ذکر معانی ابواب، ساخت یا صرف فعل و ترجمه از فارسی به عربی آن از اهداف آموزشی نیست. هدف این است که دانش‌آموز بتواند فعل و مصدر ثلاثی مزید را درست ترجمه کند و ماضی، مضارع، امر و نهی و مصدر آنها را از هم درست تشخیص دهد. تشخیص تعداد حروف زائد از اهداف کتاب نیست.

۷. در درس پنجم، جمله اسمیه و فعلیه تدریس می‌شود. هدف، شناخت اجزای جمله یعنی فعل، فاعل، مفعول به، مبتدا و خبر است؛ اما قرار دادن اعراب کلمات هدف نیست. ۸. در درس ششم، اعراب جمله اسمیه و فعلیه و سه حالت اعراب اسم (رفع، نصب و جر) آموزش داده شده است. هدف، شناخت اجزای جملات است و توانایی نهادن اعراب (اعراب‌گذاری) هدف آموزشی نیست.

۹. در درس هفتم، فعل مجهول تدریس می‌شود. هدف این است که دانش‌آموز جمله‌های دارای فعل مجهول را درست معنا کند. تبدیل جمله دارای فعل معلوم به مجهول و برعکس هدف نیست.

تشخیص نوع نایب فاعل فقط در حالت اسم ظاهر آموزش داده شده است و تشخیص

نایب فاعل از نوع ضمیر بارز و ضمیر مستتر هدف نیست. به همین منظور تمرینات کتاب نیز بر اساس نایب فاعل از نوع اسم ظاهر طراحی شده است.

۱۰. در درس هشتم، معانی حروف جر آموزش داده می‌شود. دانش‌آموز باید بتواند حروف جر و جار و مجرور را در جمله تشخیص دهد؛ نهادن اعراب جر در اسم مجرور هدف نیست. در این درس نون وقایه نیز تدریس شده است؛ اما ساخت مدّ نظر نیست.

۱۱. در طراحی سؤال درک مطلب به ویژه در کنکور باید از متون کتاب استفاده شود. در صورتی که متنی غیر از کتاب درسی طرح می‌شود، باید هیچ واژه‌ای خارج از واژگان کتاب نداشته باشد یا اینکه ترجمه فارسی آنها ذیل متن داده شود. همچنین نباید ساختاری متفاوت با قواعد کتاب درسی در آنها باشد.

۱۲. التحلیل الصرفی و الإعراب (تجزیه و ترکیب) از اهداف این کتاب نیست؛ اما دانش‌آموز به عنوان نمونه باید تشخیص دهد که «کاتب» و «مکتوب» اسم فاعل و مفعول‌اند؛ یا «استرجع» فعل امر است و معنای «کاتب»، «مکتوب» و «استرجع» را بداند. ۱۳. صورت سؤال به زبان عربی است؛ اما شایسته نیست واژگانی در آن باشد که دانش‌آموز نخوانده باشد.

۱۴. مضارع و مصدر برخی فعل‌های ثلاثی مجرد که مصدرشان در کتاب درسی یا در زبان فارسی به کار رفته است، در واژه‌نامه کتاب آمده است؛ اما طرح سؤال امتحانی یا کنکور از آنها هدف نیست.

۱۵. نیازی به ارائه جزوه مکمل قواعد به دانش‌آموز نیست. هرچه لازم بوده در کتاب آمده است یا در سال‌های بعد خواهد آمد.

۱۶. مکالمه، نمایش، سرود، ترجمه تصویری، پژوهش و داستان‌نویسی کار عملی در درس عربی محسوب می‌شود. انجام بخش پژوهش خارج از کلاس است و ارائه گزارش مربوط به آن بستگی به وقت کلاس دارد.

۱۷. جمله‌سازی، تشکیل، تعریب، تبدیل از صیغه‌ای به صیغه دیگر و نهادن اعراب از اهداف کتاب درسی نیست.

۱۸. در سایه درست خواندن، درست فهمیدن و ترجمه درست، مهارت سخن گفتن نیز حاصل خواهد شد. توجه داشته باشیم که شمار اندکی از دانش‌آموزان قادرند هنگام سخن گفتن ظرافت‌های دستوری را به خاطر بیاورند و رعایت کنند و این کاملاً طبیعی است؛ زیرا

به یاد آوردن قواعد، هنگام سخن گفتن برای هر زبان آموزی دشوار است. در سخن گفتن سرعت عمل لازم است و با آزمون کتبی قابل مقایسه نیست. اگر به این نکته بسیار مهم توجه نشود، بدترین ضربه در آموزش مهارت سخن گفتن به دانش آموز وارد می شود. نظر به دشواری مکالمه باید در امتحانات، مسابقات و کنکور صرفاً از همان عبارات موجود در کتاب سؤال طرح گردد.

۱۹. آموزش فعل و ضمیر در سه کتاب عربی متوسطه اول بومی سازی شده و بر اساس دستور زبان فارسی و به صورت (من، تو، او، ما، شما، ایشان) است. سبک پیشین به این صورت بود: (هو، هما، هم، هی، هما، هن، انت، انما، انتم، انت، انما، انن، انا، نحن) شیوه نوین در تدریس آزمایشی کاملاً موفق بود و دانش آموزان بسیار بهتر درس را آموختند. از آنجا که درس عربی در رشته علوم انسانی اختصاصی است، دانش آموزان باید با اصطلاحات خاص زبان عربی آشنا باشند. به همین منظور در درس اول نام صیغه ها به زبان عربی ذکر شده است.

۲۰. معنای کلمات در امتحان باید در جمله خواسته شود.

۲۱. روخوانی های دانش آموز و فعالیت های او در بخش مکالمه در طول سال نمره شفاهی دانش آموز را تشکیل می دهد.

۲۲. در کتاب جای کافی برای نوشتن ترجمه و حل تمرین در نظر گرفته شده تا نیازی به دفتر تمرین نباشد؛ اما متن دروس جای کافی ندارد، می توان برای متون کتاب یک ورق در کتاب نهاد، یا یک دفتر کوچک برای بخش ترجمه اختصاص داد.

۲۳. از همکاران ارجمند درخواست داریم تا با رویکرد دفتر تألیف همگام شوند؛ زیرا دانش آموزان با این شیوه از دوره اول متوسطه به دوره دوم آمده اند و کتاب های عربی زبان قرآن پایه های یازدهم و دوازدهم نیز ادامه و مکمل روش این کتاب خواهند بود.

اگر تمایل دارید از نظرات شما آگاه شویم، می توانید از طریق رمزیننه سریع پاسخ نظرسنجی کتاب درسی پیغام بگذارید.

برای همه همکاران آرزوی موفقیت داریم.



نظرسنجی کتاب درسی



سخنی با دانش آموز

عربی را می‌آموزیم؛ زیرا زبان قرآن و علوم و معارف اسلامی است. زبان رسمی بسیاری از کشورهای مسلمان عربی است. زبان و ادبیات فارسی با آن درآمیخته و برای فهم بهتر زبان فارسی آشنایی با زبان عربی لازم است. عربی یکی از شش زبان رسمی سازمان ملل متحد است و زبانی کامل، پرمعنا و قوی است و ادبیات آن غنی است و ...

این کتاب ادامه سه کتاب پیشین است. هرآنچه در دوره اول متوسطه آموخته‌اید، در این کتاب لابه‌لای متون، عبارات و تمرین‌ها تکرار شده است؛ ترجمه متون و عبارات کتاب بر عهده شماست و دبیر نقش راهنما دارد. شما به راحتی می‌توانید متون را ترجمه کنید؛ استفاده از کتاب کار توصیه نمی‌شود. تجربه کتاب‌های کار نشان داد که تخلّف آشکار از اهداف آموزشی در آن وجود دارد. در کتاب‌هایی که به نام تیزهوشان یا آمادگی برای کنکور و مسابقات طراحی می‌شود، مواردی می‌آید که از اهداف آموزشی زبان آموزی نیست؛ هدف این کتاب فهم متن است. اگر شما بتوانید متون عربی را درست بخوانید و خوب بفهمید و ترجمه کنید، خود به خود می‌توانید از فارسی به عربی نیز ترجمه کنید؛ اما ترجمه به عربی هدف کتاب نیست. در بخش مکالمه مطالبی کاربردی آموزش داده شده است، شما می‌توانید آنها را حفظ کنید و با تغییراتی در آن در کلاس با دوستانتان دو به دو تمرین کنید. از آیات و احادیث کتاب‌های درسی عربی می‌توانید در انشا و مقاله‌نویسی استفاده کنید. در صفحه ورودی هر درس، با استفاده از رمزینه‌خوان می‌توانید به «کتاب گویا» و «فیلم آموزشی» هر درس دسترسی پیدا کنید.







الدَّرْسُ الْأَوَّلُ



﴿الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ

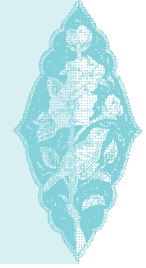
وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ﴾ الْآنَعَام: ١

ستایش از آن خدایی است که آسمانها و زمین را آفرید و

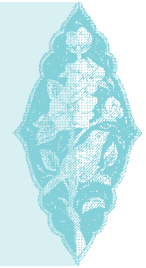
تاریکیها و روشنایی را قرار داد.

ذَاكَ هُوَ اللَّهُ

أَنْظُرُ لِتِلْكَ الشَّجَرَةِ ذَاتِ الْعُصُونِ النَّضِرَةِ
 كَيْفَ نَمَتْ مِنْ حَبَّةٍ وَ كَيْفَ صَارَتْ شَجَرَةً
 فَابْحَثْ وَقُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يُخْرِجُ مِنْهَا الثَّمَرَ

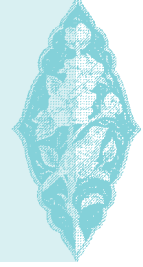


وَأَنْظُرُ إِلَى الشَّمْسِ الَّتِي جَدُّوتُهَا مُسْتَعِرَةٌ
 فِيهَا ضِيَاءٌ وَبِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ
 مَنْ ذَا الَّذِي أَوْجَدَهَا فِي الْجَوِّ مِثْلَ الشَّرَرَةِ

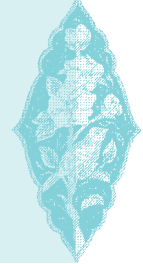


١- الشَّاعِرُ: مَعْرُوفُ الرِّصَالِيِّ، شَاعِرٌ عِرَاقِيٌّ مِنْ أَبِي كُرْدَيْي النَّسَبِ وَ أُمَّ تَرْكَمَانِيَّةٍ، لَهُ آثَارٌ كَثِيرَةٌ فِي النَّثْرِ وَ الشَّعْرِ.

ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رَه
ذُو حِكْمَةٍ بِالْغَيْةِ وَ قُدْرَةٍ مُّقْتَدِرِهِ



أَنْظُرْ إِلَى اللَّيْلِ فَمَنْ أَوْجَدَ فِيهِ قَمَرَهُ
وَزَانَهُ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرِّ الْمُنْتَشِرِهِ



وَأَنْظُرْ إِلَى الْغَيْمِ فَمَنْ أَنْزَلَ مِنْهُ مَطَرَهُ
فَصَيَّرَ الْأَرْضَ بِهِ بَعْدَ اغْبِرَارِ خَضِرِهِ
وَأَنْظُرْ إِلَى الْمَرْءِ وَقُلْ مَنْ شَقَّ فِيهِ بَصَرَهُ
مَنْ ذَا الَّذِي جَهَّرَهُ بِقُوَّةٍ مُفْتَكِرِهِ
ذَٰكَ هُوَ اللَّهُ الَّذِي أَنْعَمَهُ مِنْهُمْ رَه

زینت داد	زَانٌ	تیره رنگی، غبارآلودگی	اِغْرَارٌ
اخگر (پاره آتش)	شَرَرَةٌ	ستارگان «مفرد: نَجْمَة»	أَنْجُمٌ
شکافت	شَقٌّ	نازل کرد	أَنْزَلَ
گردانید	صَبَّرَ	نعمت‌ها «مفرد: نِعْمَةٌ»	أَنْعَمَ
روشنایی	ضِيَاءٌ	پدید آورد	أَوْجَدَ
شاخه‌ها «مفرد: عُصْنٌ»	عُصُونٌ	کامل	بَالِغٌ
ابر	غَيْمٌ	پاره آتش	جَدْوَةٌ
بگو	قُلْ	مجهز کرد	جَهَّزَ
فروزان	مُسْتَعْرَةٌ	سرسبز	خَضِرَةٌ
انديشمند	مُفْتَكِرَةٌ	مرواریدها «مفرد: دُرٌّ»	دُرَّرٌ
ریزان	مُنْهَمِرَةٌ	این ← هَذَا	ذَا
تر و تازه	نَضِرَةٌ	دارای	ذَاتٌ
رشد کرد «مؤنثِ نَمَا»	نَمَتْ	آن	ذَاكَ
درمی آورد	يُخْرِجُ	دارای	ذُو

اعلموا^۱

صیغُ الأفعالِ

با نام‌گذاری صیغه‌های (ساخت‌های) فعل‌ها در دستور زبان عربی آشنا شوید.

نهی	امر	مضارع	ماضی	نام صیغه ^۲ (ساخت) به فارسی و عربی	
		أَفْعَلُ	فَعَلْتُ	متکلم وحده	اول شخص مفرد
لا تَفْعَلْ	اِفْعَلْ	تَفْعَلُ	فَعَلْتَ	مفرد مذکر مخاطب	دوم شخص مفرد
لا تَفْعَلِي	اِفْعَلِي	تَفْعَلِينَ	فَعَلْتِ	مفرد مؤنث مخاطب	
		يَفْعَلُ	فَعَلَ	مفرد مذکر غایب	سوم شخص مفرد
		تَفْعَلُ	فَعَلَتْ	مفرد مؤنث غایب	
		تَفْعَلُونَ	فَعَلْنَا	متکلم مع الغير	اول شخص جمع
لا تَفْعَلُوا	اِفْعَلُوا	تَفْعَلُونَ	فَعَلْتُمْ	جمع مذکر مخاطب	دوم شخص جمع
لا تَفْعَلَنَّ	اِفْعَلَنَّ	تَفْعَلْنَ	فَعَلْتُنَّ	جمع مؤنث مخاطب	
لا تَفْعَلَا	اِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	مثنای مذکر مخاطب	
لا تَفْعَلَا	اِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	مثنای مؤنث مخاطب	
		يَفْعَلُونَ	فَعَلُوا	جمع مذکر غایب	سوم شخص جمع
		يَفْعَلْنَ	فَعَلْنَ	جمع مؤنث غایب	
		يَفْعَلَانِ	فَعَلَا	مثنای مذکر غایب	
		تَفْعَلَانِ	فَعَلْنَا	مثنای مؤنث غایب	

۱- این بخش یادآوری مهم‌ترین قواعد سال‌های گذشته و برای «مطالعه در خانه» است.
 ۲- از ذکر نام صیغه‌ها به صورت للغائب، للمخاطب و... در ارزشیابی و کنکور خودداری شود.

تَرْتِيبُ الْأَفْعَالِ وَالضَّمَائِرِ فِي اللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ

فِعْلُ النَّهْيِ	فِعْلُ الْأَمْرِ	الْفِعْلُ الْمُضَارِعُ	الْفِعْلُ الْمَاضِي	الضَّمِيرُ الْمُتَّصِلُ	الضَّمِيرُ الْمُنْفَصِلُ	الصِّيغَةُ	
		يَفْعَلُ	فَعَلَ	هُ	هُوَ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	١
		يَفْعَلَانِ	فَعَلَا	هُمَا	هُمَا	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	٢
		يَفْعَلُونَ	فَعَلُوا	هُمْ	هُمْ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْغَائِبُ	٣
		تَفْعَلُ	فَعَلْتَ	هَا	هِيَ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	٤
		تَفْعَلَانِ	فَعَلْتَا	هُمَا	هُمَا	الْمُثَنَّى الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	٥
		يَفْعَلْنَ	فَعَلْنَ	هُنَّ	هُنَّ	الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْغَائِبُ	٦
لا تَفْعَلُ	اِفْعَلْ	تَفْعَلُ	فَعَلْتَ	كَ	أَنْتَ	الْمُفْرَدُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	٧
لا تَفْعَلَا	اِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	كُما	أَنْتُمَا	الْمُثَنَّى الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	٨
لا تَفْعَلُوا	اِفْعَلُوا	تَفْعَلُونَ	فَعَلْتُمْ	كُم	أَنْتُمْ	الْجَمْعُ الْمَذَكَّرُ الْمُخَاطَبُ	٩
لا تَفْعَلِي	اِفْعَلِي	تَفْعَلِينَ	فَعَلْتِ	كِ	أَنْتِ	الْمُفْرَدُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	١٠
لا تَفْعَلَا	اِفْعَلَا	تَفْعَلَانِ	فَعَلْتُمَا	كُما	أَنْتُمَا	الْمُثَنَّى الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	١١
لا تَفْعَلْنَ	اِفْعَلْنَ	تَفْعَلْنَ	فَعَلْتُنَّ	كُنَّ	أَنْتُنَّ	الْجَمْعُ الْمَوْثُوثُ الْمُخَاطَبُ	١٢
		أَفْعَلُ	فَعَلْتُ	ي	أَنَا	الْمُتَكَلِّمُ وَحْدَهُ	١٣
		نَفْعَلُ	فَعَلْنَا	نَا	نَحْنُ	الْمُتَكَلِّمُ مَعَ الْغَيْرِ	١٤

الضمائر

مثال	ضمیر متصل	ضمیر منفصل
من و خانواده‌ام	أَنَا وَ أُسْرَتِي ي	من أَنَا
تو و دوست	أَنْتَ وَ صَدِيقُكَ لَكَ	تو أَنْتَ
	أَنْتِ وَ صَدِيقَتُكَ لِكِ	تو أَنْتِ
او و هم‌کلاسی‌اش	هُوَ وَ زَمِيلُهُ هُ	او هُوَ
	هِيَ وَ زَمِيلَتُهَا هِيَ	او هِيَ
ما و مدرسه‌مان	نَحْنُ وَ مَدْرَسَتُنَا نَا	ما نَحْنُ
شما و دوستانتان	أَنْتُمْ وَ أَصْدِقَاؤُكُمْ كُمْ	شما أَنْتُمْ
	أَنْتُنَّ وَ صَدِيقَاتُكُمْ كُنَّ	شما أَنْتُنَّ
	أَنْتُمْ وَ صَدِيقَاكُمْ كُمَا	شما أَنْتُمْ
	أَنْتُمْ وَ صَدِيقَاتِكُمْ كُمَا	شما أَنْتُمْ
ایشان و هم‌کلاسی‌هایشان	هُمَّ وَ زَمَلَاؤُهُمْ هُمْ	ایشان هُمَّ
	هُنَّ وَ زَمِيلَاتُهُنَّ هُنَّ	ایشان هُنَّ
	هُمَا وَ زَمِيلَاهُمَا هُمَا	ایشان هُمَا
	هُمَا وَ زَمِيلَتَاهُمَا هُمَا	ایشان هُمَا

مَعْنَى الْأَفْعَالِ

نهی		امر		مضارع		ماضی	
				أَفْعَلُ	انجام می‌دهم	فَعَلْتُ	انجام دادم
لا تَفْعَلْ	انجام نده	إِفْعَلْ	انجام بده	تَفْعَلْ	انجام می‌دهی	فَعَلْتِ	انجام دادی
لا تَفْعَلِي		إِفْعَلِي		تَفْعَلِينَ		فَعَلْتِ	
				يَفْعَلُ	انجام می‌دهد	فَعَلَ	انجام داد
				تَفْعَلُ		فَعَلْتَ	
				نَفْعَلُ	انجام می‌دهیم	فَعَلْنَا	انجام دادیم
				تَفْعَلُونَ		فَعَلْتُمْ	
لا تَفْعَلُوا	انجام ندهید	إِفْعَلُوا	انجام بدهید	تَفْعَلُونَ	انجام می‌دهید	فَعَلْتُمْ	انجام دادید
لا تَفْعَلْنَ		إِفْعَلْنَ		تَفْعَلْنَ		فَعَلْتُنَّ	
لا تَفْعَلَا		إِفْعَلَا		تَفْعَلَانِ		فَعَلْتُمَا	
لا تَفْعَلَا		إِفْعَلَا		تَفْعَلَانِ		فَعَلْتُمَا	
				يَفْعَلُونَ	انجام می‌دهند	فَعَلُوا	انجام دادند
				يَفْعَلْنَ		فَعَلْنَ	
				يَفْعَلَانِ		فَعَلَا	
				تَفْعَلَانِ		فَعَلَتَا	



اسم اشاره^۱

هَذَا الْفَلَّاحُ		این کشاورز (مذکر)
هَذِهِ الْفَلَّاحَةُ		این کشاورز (مؤنث)
هُؤُلَاءِ الْفَلَّاحُونَ هُؤُلَاءِ الْفَلَّاحِينَ		این کشاورزان (جمع مذکر)
هُؤُلَاءِ الْفَلَّاحَاتُ		این کشاورزان (جمع مؤنث)
هُذَانِ الْفَلَّاحَانِ هُدَيْنِ الْفَلَّاحِينَ		این کشاورزان (مثنای مذکر)
هَاتَانِ الْفَلَّاحَتَانِ هَاتَيْنِ الْفَلَّاحَتَيْنِ		این کشاورزان (مثنای مؤنث)

۱- اسم اشاره دور برای «مفرد مذکر: ذَلِكَ» و برای «مفرد مؤنث: تِلْكَ» به معنای «آن» است.
اسم اشاره دور برای «جمع مذکر» و «جمع مؤنث» به صورت مشترک «أُولَئِكَ» است.

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جَوازُ (التَّعَارُفُ^١)

أَحَدُ الْمُوظَّفِينَ فِي قَاعَةِ الْمَطَارِ ^٢	زائرُ مَرَقَدِ أميرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
وَ عَلَیْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَیْكُمْ.
صَبَاحَ النُّورِ وَ السُّرورِ.	صَبَاحَ الْخَیرِ یا أَخِی.
أَنَا بِخَیْرٍ، وَ کَیْفَ أَنْتَ؟	کَیْفَ حَالُکَ؟
عَفواً، مِنْ أَینَ أَنْتَ؟	بِخَیْرٍ وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ.
مَا اسْمُکَ الْکَرِیمُ؟	أَنَا مِنَ الْجُمْهُورِیَّةِ الْإِسْلَامِیَّةِ الْإِیرانِیَّةِ.
إِسْمِی عَبْدُ الرَّحْمانِ.	إِسْمِی حُسَینٌ، وَ مَا اسْمُکَ الْکَرِیمُ؟
لا؛ مَعَ الْأَسَفِ. لَکْتُبِی أَحَبُّ أَنْ أُسَافِرَ ^٤ .	هَلْ سَافَرْتَ إِلی إیرانِ حَتَّى الْآنَ؟
إِنْ شاءَ اللَّهُ؛ إِلی اللَّقاءِ؛ مَعَ السَّلَامَةِ.	إِنْ شاءَ اللَّهُ تُسَافِرُ إِلی إیرانِ!
فِی أمانِ اللَّهِ وَ حَفِظِهِ، یا حَبِیبِی.	فِی أمانِ اللَّهِ.



١- تَعَارُفُ: اَشْنايِی با يکديگر ٢- قَاعَةُ: سالن ٣- مَطَارُ: فرودگاه ٤- أَنْ أُسَافِرَ: که سفر کنم

التَّمْرِينُ الْأَوَّلُ: كَمَّلْ تَرْجَمَةَ الْآيَاتِ وَالْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

١- ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ﴾ الصَّفِّ : ٢

ای کسانی که ایمان آورده‌اید،

٢- ﴿وَاعْمَلُوا صَالِحاً إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ﴾ الْمُؤْمِنُونَ : ٥١

و کارِ نیکو

٣- ﴿رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ﴾ الْأَعْرَافِ : ٤٧

پروردگارا،

٤- «لَا تَنْظُرُوا إِلَى كَثْرَةِ صَلَاتِهِمْ وَصَوْمِهِمْ وَكَثْرَةِ الْحَجِّ... وَلَكِنْ انظُرُوا إِلَى

صِدْقِ الْحَدِيثِ وَادَاءِ الْأَمَانَةِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به بسیاری و روزه‌شان و بسیاری حج گزاردن

بلکه به و امانتداری آنها

٥- «إِرْحَمَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يَرْحَمَكَ مَنْ فِي السَّمَاءِ.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

به کسی که در زمین است

٦- أُطِيبُوا الْعِلْمَ وَلَوْ بِالصَّيْنِ؛ فَإِنَّ طَلَبَ الْعِلْمِ فَرِيضَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

دانش را طلب کنید گرچه؛ زیرا طلبِ دانش

التَّمْرِينُ الثَّانِي: اِقْرَأِ الْأَحَادِيثَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ تَرْجَمَتَهَا الصَّحِيحَةَ.

۱- «اعْمَلْ لِدُنْيَاكَ كَأَنَّكَ تَعِيشُ أَبَدًا وَاعْمَلْ لِآخِرَتِكَ كَأَنَّكَ تَمُوتُ غَدًا.» رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
برای (دنیایت □ دنیا □) چنان کار کن گویی همیشه (زندگی می کنی □ لذت می بری □)
و برای آخرت چنان کار کن گویی (فردا می میری □ نزدیک است بمیری □).

۲- «أَنْظُرُ إِلَى مَا قَالَ وَلَا تَنْظُرُ إِلَى مَنْ قَالَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
به آنچه گفته است (بنگر □ می نگرم □) و به آن که گفته است (ننگر □ نمی نگرم □).

۳- «إِذَا مَلَكَ الْأَرَاذِلُ هَلَكَ الْأَفَاضِلُ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
هرگاه فرومایگان «فرومایه ترها» (به فرمانروایی برسند □ گرامی شوند □)؛
شایستگان «برترها» هلاک می شوند.

۴- «مَنْ زَرَعَ الْعُدْوَانَ حَصَدَ الْخُسْرَانَ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
هرکس (دشمنی □ دوستی □) کاشت؛ (زیان □ سود □) درو کرد.

۵- «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ؛ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَكَثِيرُهُ قَاتِلٌ.» أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
سخن مانند داروست. اندکش (سود می رساند □ شفا می دهد □) و
بسیارش گشنده است.

۶- إِذَا قَدَرْتَ عَلَى عَدُوِّكَ؛ فَاجْعَلِ الْعَفْوَ عَنْهُ شُكْرًا لِلْقُدْرَةِ عَلَيْهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
هرگاه بر (دشمنت قادر شدی □ دشمن را شکست دادی □)، بخشیدن او را
شکرانه قدرت یافتن بر او (قرار می دهی □ قرار بده □).

۷- قَوْلُ «لَا أَعْلَمُ» نِصْفُ الْعِلْمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
گفتن (می دانم □ نمی دانم □)، نیمی از دانش است.

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: صَعِّ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- الشَّرْرَةُ مِنْ الْأَحْجَارِ الْجَمِيلَةِ الْغَالِيَةِ ذَاتِ اللَّوْنِ الْأَبْيَضِ.
- ٢- الشَّمْسُ جَذَوْتُهَا مُسْتَعْرَةً، فِيهَا ضِيَاءٌ وَ بِهَا حَرَارَةٌ مُنْتَشِرَةٌ.
- ٣- الْقَمَرُ كَوَكَبٌ يَدُورُ حَوْلَ الْأَرْضِ؛ ضِيَاؤُهُ مِنَ الشَّمْسِ.
- ٤- الْأَنْعُمُ بُخَارٌ مُتْرَاكِمٌ فِي السَّمَاءِ يَنْزِلُ مِنْهُ الْمَطَرُ.
- ٥- الْغَيْمُ مِنَ الْمَلَابِسِ النَّسَائِيَّةِ ذَاتِ الْأَلْوَانِ الْمُخْتَلِفَةِ.
- ٦- الْفُسْتَانُ قِطْعَةٌ مُنْفَصِلَةٌ عَنِ النَّارِ الْمُسْتَعْرَةِ.
- ٧- الدُّرُّ

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: صَعِّ هَذِهِ الْجُمَلِ وَ التَّرَاكِبِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

هُوَلَاءِ فَائِرَاتٍ / هُذَانِ الدَّلِيلَانِ / تَلَكِ بَطَّارِيئُهُ / أَوْلِيكَ الصَّالِحُونَ / هُوَلَاءِ الْأَعْدَاءِ /
هَاتَانِ الرُّجَاجَتَانِ

مثنى مؤنث	مثنى مذكر	مفرد مؤنث
جمع مكسر	جمع مؤنث سالم	جمع مذكر سالم



التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: ضَعِ الْمُتَرَادِفَاتِ وَالْمُتَضَادَّاتِ فِي مَكَانِهَا الْمُنَاسِبِ.

ضياء / نام / ناجح / مسرور / قريب / جميل / نهاية / يمين / غالية / شراء / مسموح / مجد

..... ≠ يَسَار ≠ رَاسِب ≠ رَخِيصَة
..... ≠ بَعِيد ≠ بَدَايَة ≠ بَيْع
..... = نَور ≠ قَبِيح = رَقَدَ
..... ≠ مَمْنوع = مُجْتَهِد ≠ حَزِين

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: ارْسُمِ عَقَارِبَ السَّاعَاتِ.



السَّادِسَةُ إِلَّا رُبْعًا



الثَّامِنَةُ وَالنِّصْفُ



الخَامِسَةُ وَالرُّبْعُ

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ فِي الْإِنْتِرِنْتِ أَوْ الْمَكْتَبَةِ عَنْ نَصِّ قَصِيرٍ أَوْ جُمْلٍ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ عَظْمَةِ مَخْلُوقَاتِ اللَّهِ، ثُمَّ تَرَجِّمُهُ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.

جبال كبركوه في مدينة بدره بمحافظة إيلام



﴿وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا﴾

آلِ عِمْرَانَ: ١٩١

١- مُسْتَعِينًا بِ: با استفاده از

شاطِئُ كوشكنار في مُحافظَةِ هُرمُزجان



عَيْنُ راميان في مُحافظَةِ غُلستان



وادي دَلْفارَد في محافظةِ كِرمَان





الدَّرْسُ الثَّانِي



قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ :

إِنِّي مَسْئُولٌ وَإِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ.

بى گمان من و شما پاسخگو هستيم.

«إِنَّكُمْ مَسْئُولُونَ»

كَانَتْ سُمَيَّةٌ يَانتَظِرُ وَالِدَتِهَا بَعْدَ انْتِهَاءِ الدَّوَامِ المَدْرَسِيِّ، وَ كَانَتْ حُجْرَاتِ المَدْرَسَةِ مُغْلَقَةً، وَ كَانَتْ مُدِيرَةُ المَدْرَسَةِ وَ بَعْضُ المَدْرَسَاتِ يَنْتَظِرْنَ أَنْ تَفْرَعَ المَدْرَسَةُ مِنَ الطَّالِبَاتِ.



عِنْدَئِذٍ سَمِعَتْ سُمَيَّةٌ صَوْتَ مُكَيِّفِ الهَوَاءِ مِنْ إِحْدَى الحُجْرَاتِ، فَظَنَّتْ أَنَّ طَالِبَاتِ صَفِّ آخَرَ فِي حِصَّةِ تَقْوِيَةٍ، أَوْ يُمَارِسْنَ نَشَاطًا حُرًّا؛ وَ عِنْدَمَا نَظَرَتْ بِدِقَّةٍ، وَجَدَتْ الحُجْرَةَ فارِغَةً وَ بَابَهَا مُغْلَقًا، فَذَهَبَتْ إِلَى مُدِيرَةِ المَدْرَسَةِ، وَ أَخْبَرَتْهَا بِمَا شَاهَدَتْ، فَشَكَرَتْهَا المُدِيرَةُ، وَ طَلَبَتْ مِنْ سُمَيَّةِ إِطْفَاءَ المَصَابِيحِ وَ المُكَيِّفِ.

عِنْدَئِذٍ شَاهَدَتْ المُدِيرَةُ طَالِبَةً بِاسْمِ فَاطِمَةَ؛ كَانَتْ فَاطِمَةُ تَذْهَبُ لِإِغْلَاقِ حَنْفِيَّةِ المَاءِ الَّتِي كَانَتْ مَفْتُوحَةً قَلِيلًا.

وَ فِي صَبَاحِ اليَوْمِ التَّالِي، شَكَرَتْ مُدِيرَةُ المَدْرَسَةِ فِي الإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ سُمَيَّةَ وَ فَاطِمَةَ لِاهْتِمَامِهِمَا بِالمَرَافِقِ العَامَّةِ.

و في حِصَّةِ العُلُومِ الإِجْتِمَاعِيَّةِ، قَامَتْ رُقِيَّةُ وَ سَأَلَتِ المُدْرَسَةَ:
«مَا المَقْصُودُ بِالمَرافِقِ العَامَّةِ؟»



أَجَابَتِ المُدْرَسَةُ:

«هِيَ الأَمَاكِينُ الَّتِي تَمْتَلِكُهَا الدَّوْلَةُ، وَ يَنْتَفِعُ بِهَا النَّاسُ جَمِيعاً. إِذَا فَهِمْتِ مَعْنَاهَا،
فَأَذْكَرِي لَنَا أَمْثِلَةً لِلْمَرافِقِ العَامَّةِ.»

أَجَابَتْ رُقِيَّةُ:

«الْمَدَارِسُ وَ الهَوَاتِفُ العَامَّةُ وَ المُسْتَشْفَيَاتُ وَ المُسْتَوَصَفَاتُ وَ المَتَاحِفُ وَ المَكْتَبَاتُ وَ
دَوَارُ المِيَاهِ وَ الحَدَائِقُ العَامَّةُ وَ الأشْجَارُ عَلى الرِّصيفِ وَ أَعْمِدَةُ الكَهْرَبَاءِ ...»



أَجَابَتِ الْمُدْرَسَةُ:

«أَحْسَنَتْ، وَ الْحِفَاطُ عَلَى هَذِهِ الْمَرَاقِي وَاجِبٌ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ.»

سَأَلَتِ الطَّالِبَاتُ بِتَعَجُّبٍ:

«لِمَ وَ كَيْفَ؟! ذَلِكَ وَاجِبٌ الدَّوَلَةِ.»

قَالَتِ الْمُدْرَسَةُ:

«بَلْ هِيَ مَسْؤُولِيَّةٌ مُشْتَرَكَةٌ، فَسُمِّيَتْ الَّتِي أَطْفَأَتِ الْمُكَيَّفَ وَ الْمَصَابِيحَ، وَ فَاطِمَةَ الَّتِي

أَغْلَقَتْ حَنْفِيَّةَ الْمَاءِ، وَ الطَّالِبَةُ الَّتِي تَدخُلُ مَكْتَبَةَ الْمُدْرَسَةِ فَتُحَافِظُ عَلَى الْهُدُوءِ فِيهَا

وَ عَلَى نِظَافَةِ الْكُتُبِ وَ تَرْتِيبِهَا، وَ تِلْكَ الَّتِي تَنْصَحُ مَنْ يَرْمِي النُّفَايَاتِ فِي غَيْرِ مَكَانِهَا

بِكَلَامٍ طَيِّبٍ؛ هَؤُلَاءِ يَعْمَلْنَ بِوَاجِبَاتِهِنَّ كَمُوَاطِنَاتٍ يَشْعُرْنَ بِالْمَسْؤُولِيَّةِ.»

قَامَتْ سُمِّيَّةُ وَ قَالَتْ:

«أَلَيْسَ مِنَ الْمُنَاسِبِ كِتَابَتَهُ هَذَا الْحَدِيثِ عَلَى اللُّوْحَةِ الْجِدَارِيَّةِ؟»

إِنَّكُمْ مَسْؤُولُونَ حَتَّى عَنِ الْبِقَاعِ وَ الْبَهَائِمِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



قَبِلَتِ الْمُدْرَسَةُ وَ قَالَتْ:

«هَذَا الْإِفْتِرَاحُ حَسَنٌ، وَ سَنَتَعَاوُنُ جَمِيعاً عَلَى الْعَمَلِ بِهَذَا الْحَدِيثِ.»



أَحْسَنْتِ	آفرین بر تو	تَيَّار	جریان	قَامَ	برخواست
أَخْبَرَ	خبر داد	حَافِظًا	نگهداری کرد	مَارَسَ	انجام داد، تمرین کرد
إِصْطَفَا صَبَاحِي	صف صبحگاه	حُجْرَات	اتاق‌ها «مفرد: حُجْرَة»	مَرَّاقٍ عَامَّةً	تأسیسات عمومی
أَطْفَأَ	خاموش کرد	حُرَّ	آزاد، آزاده	مُعْلَقٌ	بسته شده
أَعْمَدَة	ستون‌ها «مفرد»: «عمود»	حِصَّة	زنگ درسی، قسمت	مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ	کولر
أَغْلَقَ	بست	حِفاظ عَلَيَّ	نگهداری از	مُؤَاطِن	شهروند، هم‌میهن
إِقْتِرَاح	پیشنهاد	حَتْفِيَّةُ الْمَاءِ	شیر آب	نَشَاط	فعالیت
إِمْتَلَكَ	مالک شد	دَوَامَ مَدْرَسِي	ساعت کار مدرسه	نَصَحَ	پند داد
إِنْتَفَعَ	سود بُرد	دَوْرَةُ الْمِيَاهِ	سرویس بهداشتی	نُفَايَة	زباله
بِهَائِم	چارپایان (به جز درندگان) «مفرد: بهيمَة»	رَمَى	پرت کرد	هُدُوء	آرامش
بِقَاع	قطعه‌های زمین «مفرد: بُقْعَة»	عِنْدَيْدِ	در این هنگام	هَاتِف	تلفن
تَعَاوَنَ	همیاری کرد	فَرَعٌ	خالی شد «أَنَّ تَفْرُعَ: كه خالی شود»		

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



۱- كَانَتْ سُمِّيَهُ بِانْتِظَارِ وَالِدَتِهَا لِلذَّهَابِ إِلَى الْمَنْزِلِ.

۲- ذَهَبَتْ الْمُدِيرَةُ نَفْسَهَا لِإِطْفَاءِ الْمَصَابِيحِ وَالْمُكَيِّفِ.

۳- أَخْبَرَتْ سُمِّيَهُ مُدِيرَةَ الْمَدْرَسَةِ بِمَا شَاهَدَتْ فِي الْحُجْرَةِ.

۴- الْمَرَّاقُ الْعَامَّةُ هِيَ الْأَمَاكِنُ الَّتِي يَمْتَلِكُهَا بَعْضُ النَّاسِ.

۵- شَكَرَتْ الْمُدِيرَةُ فِي الْإِصْطِفَايِ الصَّبَاحِيِّ جَمِيعَ الطَّالِبَاتِ.

إِعْلَمُوا

الأَعْدَادُ مِنْ وَاحِدٍ إِلَى مِئَةٍ

الأَعْدَادُ الْأَصْلِيَّةُ (وَاحِدٌ إِلَى عِشْرِينَ)	الأَعْدَادُ التَّرْتِيبِيَّةُ (الأَوَّلُ إِلَى العِشْرِينَ)		العُقُودُ
واحد ١	أحدَ عَشَرَ ١١	الأَوَّلُ ١م	الأَحَدِيُّ عَشَرَ ١١م
اثنان ٢	اِثْنَعَشَرَ ١٢	الثَّانِي ٢م	الثَّانِي عَشَرَ ١٢م
ثلاثة ٣	ثَلَاثَةَ عَشَرَ ١٣	الثَّالِثُ ٣م	الثَّالِثَ عَشَرَ ١٣م
أربعة ٤	أَرْبَعَةَ عَشَرَ ١٤	الرَّابِعُ ٤م	الرَّابِعَ عَشَرَ ١٤م
خمسَة ٥	خَمْسَةَ عَشَرَ ١٥	الخَامِسُ ٥م	الخَامِسَ عَشَرَ ١٥م
ستة ٦	سِتَّةَ عَشَرَ ١٦	السَّادِسُ ٦م	السَّادِسَ عَشَرَ ١٦م
سبعة ٧	سَبْعَةَ عَشَرَ ١٧	السَّابِعُ ٧م	السَّابِعَ عَشَرَ ١٧م
ثمانية ٨	ثَمَانِيَةَ عَشَرَ ١٨	الثَّامِنُ ٨م	الثَّامِنَ عَشَرَ ١٨م
تسعة ٩	تِسْعَةَ عَشَرَ ١٩	التَّاسِعُ ٩م	التَّاسِعَ عَشَرَ ١٩م
عشرة ١٠	عِشْرُونَ ٢٠	العَاشِرُ ١٠م	العَاشِرُونَ ٢٠م

۱- به کلمات «رِجَالٍ» و «كُوكِبًا» در «خَمْسَةُ رِجَالٍ» و «أَحَدَ عَشَرَ كُوكِبًا» معدود گفته می‌شود.

۲- گاهی عددهای ثلاثه تا عَشْرَة بدون «ة» می‌آیند؛ مثال: ثَلَاث و ثَلَاثَة؛ أَرْبَع و أَرْبَعَة.

۳- «مِئَة» به معنای «صد» به صورت «مِائَة» نیز نوشته می‌شود.

۴- عددهای «عِشْرُونَ، ثَلَاثُونَ، أَرْبَعُونَ، خَمْسُونَ، سِتُّونَ، سَبْعُونَ، ثَمَانُونَ، تِسْعُونَ» عُقُود نام دارند.

۵- عُقُود با «ون» و «ین» می‌آید؛ مثال: أَرْبَعُونَ و أَرْبَعِينَ. (فرق این دو را در درس ششم خواهید خواند.)

۶- «وَاحِدٌ، وَاحِدَة» و «إِثْنَانٍ، إِثْنَانِ، إِثْنَتَيْنِ» بعد از معدود می‌آیند؛ مثال: سَائِحٌ وَاحِدٌ، جُمْلَةٌ وَاحِدَةٌ، غُصْنَانِ اثْنَانِ، إِمْرَأَتَيْنِ اثْنَتَيْنِ.

۷- معدود سه تا ده مضاف‌الیه و به صورت جمع است. مثال: ثَلَاثَةٌ كُتُبٌ.

۸- به عددهایی مانند وَاحِدٌ و عِشْرُونَ، إِثْنَانٍ و عِشْرُونَ «معطوف» گفته می‌شود.

۹- در زبان عربی یکان پیش از دهگان می‌آید؛ مثال:

أَرْبَعَةٌ وَ خَمْسُونَ (۵۴)، تِسْعَةٌ وَ سَبْعُونَ (۷۹)

۱۰- معدود عددهای «یازده» تا «نود و نه» مفرد هستند؛ مثال:

أَحَدَ عَشَرَ كُوكِبًا، تِسْعَةٌ وَ تِسْعُونَ يَوْمًا.

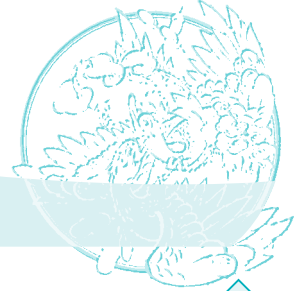
۱۱- وزن «الْفَاعِل» در عددهای ترتیبی «الْثَّانِي» تا «الْعَاشِر» به تشخیص آنها از

عددهای اصلی کمک می‌کند.^۱

۱- طرح سؤال از مبحث عدد، خارج از یازده نکته فوق در هر آزمونی به ویژه در کنکور خلاف اهداف آموزشی است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِّمْ إِلَى الْفَارْسِيَّةِ.

.....	١- ﴿ثَلَاثِينَ لَيْلَةً﴾ الْأَعْرَافُ: ١٤٢
.....	٢- ﴿سَبْعِينَ رَجُلًا﴾ الْأَعْرَافُ: ١٥٥
.....	٣- خَمْسَةَ عَشَرَ تِمثَالًا
.....	٤- وَاحِدَةٌ وَ عِشْرُونَ جَامِعَةً
.....	٥- سِتُّ عَشْرَةَ مَدِينَةً
.....	٦- تِسْعٌ وَ تِسْعُونَ بَقْرَةً
.....	٧- سَبْعٌ وَ ثَلَاثُونَ حَدِيقَةً
.....	٨- وَاحِدَةٌ وَ سَبْعُونَ قَرْيَةً
.....	٩- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ عَامًا
.....	١٠- تِسْعَةٌ وَ عِشْرُونَ كُرْسِيًّا



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار

(في مطار النجف الأشرف)

سائح من الكويت	سائح ^۱ من إيران
وَعَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ.	السَّلَامُ عَلَيْكُمْ.
مَسَاءَ النُّورِ يَا عَزِيزِي.	مَسَاءَ الْخَيْرِ يَا حَبِيبِي.
لا؛ أَنَا مِنَ الْكُوَيْتِ. أَأَنْتَ مِنَ بَاكِسْتَانِ؟	هَلْ حَضَرْتُكَ مِنَ الْعِرَاقِ؟
جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الْأُولَى؛ وَكَمْ مَرَّةً جِئْتَ أَنْتَ؟	لا؛ أَنَا إِيرَانِيٌّ. كَمْ مَرَّةً جِئْتَ لِلزِّيَارَةِ؟
كَمْ عُمْرُكَ؟	أَنَا جِئْتُ لِلْمَرَّةِ الثَّانِيَةِ.
مِنْ أَيِّ مَدِينَةٍ أَنْتَ؟	عُمُرِي سِتَّةَ عَشَرَ عَامًا.
مَا أَجْمَلُ ^۲ غَابَاتِ مازندران وَطَبِيعَتِهَا!	أَنَا مِنْ مَدِينَةِ جَوِيبَارِ فِي مَحَافِظَةِ مازندران.
نَعَمْ؛ ذَهَبْتُ لِزِيَارَةِ الْإِمَامِ الرُّضَا، ثَامِنِ أَيْمَنَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ.	هَلْ ذَهَبْتَ إِلَى إِيرَانَ مِنْ قَبْلِ؟!
إِنَّ إِيرَانَ بِلَادٌ جَمِيلَةٌ جِدًّا، وَ الشَّعْبُ ^۳ الْإِيرَانِيَّ شَعْبٌ مِضْيَافٌ. ^۴	كَيْفَ وَجَدْتَ إِيرَانَ؟



۱- سائح: گردشگر ۲- ما أَجْمَلُ: چه زیباست! ۳- شَعْبُ: ملت ۴- مِضْيَافُ: مهمان‌دوست

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: اُكْتُبِ الْعَمَلِيَّاتِ الْحِسَابِيَّةَ التَّالِيَةَ بِالْأَعْدَادِ كَالْمِثَالِ.

(+ زَائِدٌ) ^١ (- نَاقِصٌ) ^٢ (÷ تَقْسِيمٌ عَلَى) (× فِي، صَرَبٌ فِي)

١- عَشْرَةٌ فِي ٣ ثَلَاثَةٌ يُسَاوِي ٤ ثَلَاثِينَ. $10 \times 3 = 30$

٢- تِسْعُونَ نَاقِصٌ عَشْرَةٌ يُسَاوِي ثَمَانِينَ.

٣- مِئَةٌ تَقْسِيمٌ عَلَى خَمْسَةٍ يُسَاوِي عِشْرِينَ.

٤- سِتَّةٌ فِي أَحَدَ عَشَرَ يُسَاوِي سِتَّةً وَ سِتِّينَ.

٥- خَمْسَةٌ وَ سَبْعُونَ زَائِدٌ خَمْسَةٍ وَ عِشْرِينَ يُسَاوِي مِئَةً.

٦- اِثْنَانِ وَ ثَمَانُونَ تَقْسِيمٌ عَلَى اِثْنَيْنِ يُسَاوِي وَاحِدًا وَ أَرْبَعِينَ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: اُكْتُبِ فِي الْفَرَاغِ عَدَدًا تَرْتِيبِيًّا مُنَاسِبًا.

١- الْيَوْمُ الـ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْأَحَدِ.

٢- الْيَوْمُ الـ مِنْ أَيَّامِ الْأُسْبُوعِ يَوْمُ الْخَمِيسِ.

٣- الْفَصْلُ الـ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الشُّتَاءِ.

٤- الْفَصْلُ الـ فِي السَّنَةِ الْإِيرَانِيَّةِ فَصْلُ الْخَرِيفِ.

٥- يَأْخُذُ الْفَائِزُ الْأَوَّلُ جَائِزَةً ذَهَبِيَّةً وَ الْفَائِزُ الـ جَائِزَةً فِضِّيَّةً.

١- زَائِدٌ: بِهِ عِلَاوَةٌ ٢- نَاقِصٌ: مِنْهَايَ ٣- بَرَايَ اِخْتِصَارِ كَلِمَتِهِ «صَرَبٌ» دَر «صَرَبٌ فِي» حَذَفَ مِنْ شُود.

٤- يُسَاوِي: مَسَاوَى اسْتِ بَا

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: ضَعُ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبِ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ».

- ١- النَّشَاطُ ○ إعطاء حَلٍّ وَ بَيَانُ طَرِيقَةٍ لَلْقِيَامِ بِعَمَلٍ.
- ٢- الدَّوَامُ ○ آلَةٌ لِنَقْلِ الْأَصْوَاتِ مِنْ مَكَانٍ إِلَى آخَرَ.
- ٣- الْحِصَّةُ ○ سَاعَاتُ الْعَمَلِ لِلْمُوظَّفِينَ وَ الْعُمَّالِ.
- ٤- الْهَاتِفُ ○ هُوَ الَّذِي يَعِيشُ مَعَنَا فِي وَطَنٍ وَاحِدٍ.
- ٥- الْإِفْتِرَاحُ ○ عَمَلٌ بِتَحَرُّكِ وَ سُرْعَةٍ.
- ٦- الْمُوَاطِنُ ○

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: ضَعُ فِي الْفُرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ».

عَشْرُ / الْهُدُوءِ / خَمْسِينَ / أَعْمَدَةٌ / أَخْبَرُونَا / مِضْيَافٍ / حُجْرَةٌ / يَمْتَلِكُ / فَرَعَتْ

١- ﴿وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا^١ نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ^٢ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا عَامًا﴾ الْعَنْكَبُوتُ: ١٤

٩٥٠ سال

٢- ﴿مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ أَمْثَالُهَا﴾ الْأَنْعَامُ: ١٦٠

٣- سَافَرْنَا إِلَى قَرْيَةٍ، لِأَنَّنا بِحَاجَةٍ إِلَى

٤- الْجَبِيرَانُ بِمَا حَدَّثَ فِي الشَّارِعِ.

٥- أَنْزَلَ الْعَامِلُ الْبِضَائِعَ فَ السِّيَّارَةُ.

٦- هَلْ أَبُوكَ أَرْضًا فِي الْقَرْيَةِ؟

٧- لَيْسَتْ فِي الْفُنْدُقِ فَارِعَةٌ.

١- أَرْسَلْنَا: فرستاديم ٢- لَبِثَ: اقامت كرد، ماند ٣- جَاءَ بِ: آورد

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةَ. هَلْ تَعْلَمُ أَنَّ ...

١- ... الْكَلْبَ يَقْدِرُ عَلَى سَمَاعِ صَوْتِ السَّاعَةِ مِنْ مَسَافَةِ أَرْبَعِينَ قَدَمًا؟

٢- ... النَّمْلَةَ تَقْدِرُ عَلَى حَمْلِ شَيْءٍ يَفُوقُ وَزْنَهَا خَمْسِينَ مَرَّةً؟

٣- ... ثَمَانِينَ فِي الْمِئَةِ مِنْ مَوْجُودَاتِ الْعَالَمِ حَشْرَاتٌ؟

٤- ... الْغُرَابَ يَعْيشُ ثَلَاثِينَ سَنَةً أَوْ أَكْثَرَ؟

٥- ... طَوْلَ قَامَةِ الزَّرَاقَةِ سِتَّةَ أَمْتَارٍ؟



٤- أمتار: جمع متر

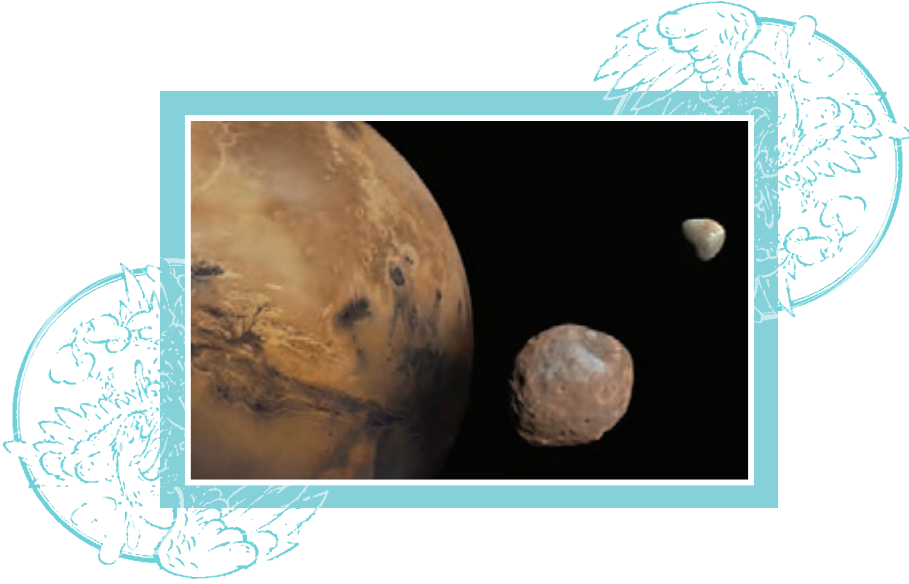
٣- يفوق: برتري مي يابد

٢- نملة: مورچه

١- سماع: شنیدن

الْتَمْرِينُ السَّادِسُ: عَيْنِ الْعَدَدِ أَوْ الْمُعْدُودِ الصَّحِيحِ لِلْفَرَاغِ.

- ١- فِي الْإِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ وَقَفْنَا فِي صُوفٍ. عَشْرَةَ ● العَاشِرِ ●
- ٢- يَلْعَبُ أَحَدَعَشَرَ فِي فَرِيقِ كُرَةِ الْقَدَمِ. لَاعِبِينَ ● لَاعِبًا ●
- ٣- أَرْبَعَةٌ وَاقِفُونَ أَمَامَ بَابِ الْمُنْظَمَةِ. جُنُودٍ ● جُنْدِيٍّ ●
- ٤- تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي حُجْرَاتٍ مَقْطُوعٌ. الرَّابِعِ ● أَرْبَعِ ●
- ٥- اثْنَانِ حَوْلَ كَوْكَبِ الْمَرِيخِ. قَمَرَانِ ● أَقْمَارٍ ●



- ٦- وَاحِدَةٌ فِي الصَّفِّ مُخَلَّقَةٌ. نَافِذَةٌ ● نَوَافِذُ ●
- ٧- فِي الْعُرْفَةِ عَشْرَةٌ مُعَلِّمًا ● مُعَلِّمِينَ ●
- ٨- الشَّهْرُ ، إِسْفَنْد. اِثْنَاعَشَرَ ● الثَّانِي عَشَرَ ●

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اُكْتُبْ آيَةً أَوْ حَدِيثًا أَوْ نَصًّا بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ حَوْلَ مَسْئُولِيَّةِ جَمِيعِ الْمُواطِنِينَ
بِالنِّسْبَةِ لِشُرُوتِ^١ الْوَطَنِ وَ الْمَرَافِقِ الْعَامَّةِ وَ الْآثَارِ التَّارِيخِيَّةِ وَ اَكْتُبْ تَرْجَمَتَهَا
الْفَارِسِيَّةَ وَ الْإِنْجِلِيزِيَّةَ مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ.



الْجَانِبِ الشَّرْقِيِّ مِنْ بُسْتَانِ إِثْلِغُولِي فِي مَدِينَةِ تَبْرِيزِ.

تَحَفَّظُوا مِنَ الْأَرْضِ؛ فَإِنَّهَا أُمَّكُمْ.

رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

Safeguard the earth, for it is your mother.

از زمین نگهداری کنید؛ زیرا مادرتان است.

١- شُرُوت: داراییها «مفرد: ثَرْوَةٌ»



الدَّرْسُ الثَّالِثُ



﴿اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيَّاحَ فَتُثِيرُ سَحَاباً فَيَبْسُطُهُ فِي

السَّمَاءِ...﴾ الرَّؤْم: ٤٨

خدا همان کسی است که بادهای را می‌فرستد و [بادهای] ابری را
برمی‌انگیزند و [خدا] آن [ابر] را در آسمان می‌گستراند.

الدَّرْسُ الثَّالِثُ

مَطَرُ السَّمَكَ

هَلْ تُصَدِّقُ أَنْ تَرَى فِي يَوْمٍ مِنَ الْأَيَّامِ أَسْمَاكَ تَتَسَاقَطُ مِنَ السَّمَاءِ؟!
إِنَّ نَزُولَ الْمَطَرِ وَ الثَّلْجِ مِنَ السَّمَاءِ شَيْءٌ طَبِيعِيٌّ؛
وَلَكِنْ أَيْمِكُنْ أَنْ تَرَى مَطَرَ السَّمَكَ؟!
هَلْ تَظُنُّ أَنْ يَكُونَ ذَلِكَ الْمَطَرُ حَقِيقَةً وَ لَيْسَ فِلْمًا خَيَالِيًّا؟!
حَسَنًا فَاَنْظُرْ إِلَى هَذِهِ الصُّورِ حَتَّى تُصَدِّقَ.



أَنْظُرُ بِدِقَّةٍ؛ أَنْتَ تُشَاهِدُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ؛
كَأَنَّ السَّمَاءَ تُمَطِّرُ أَسْمَاكًا.

يُسَمَّى النَّاسُ هَذِهِ الظَّاهِرَةَ الطَّبِيعِيَّةَ «مَطَرُ السَّمَكِ».

حَيَّرَتْ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ النَّاسَ سَنَوَاتٍ طَوِيلَةً فَمَا وَجَدُوا لَهَا جَوَابًا.

يَحْدُثُ «مَطَرُ السَّمَكِ» سَنَوِيًّا فِي جُمْهُورِيَّةِ الْهِنْدُورَاسِ فِي أَمْرِيكَا الْوُسْطَى.



تَحْدُثُ هَذِهِ الظَّاهِرَةُ مَرَّتَيْنِ فِي السَّنَةِ أحياناً؛ فَيُشَاهِدُ النَّاسُ غِيَمَةً سَوْدَاءَ
عَظِيمَةً، وَ رَعْدًا وَ بَرَقًا، وَ رِيحًا قَوِيَّةً وَ مَطَرًا شَدِيدًا لِمُدَّةٍ سَاعَتَيْنِ أَوْ أَكْثَرَ، ثُمَّ
تُصْبِحُ الْأَرْضُ مَفْرُوشَةً بِالْأَسْمَاكِ، فَيَأْخُذُهَا النَّاسُ لِطَبْخِهَا وَ تَنَاوُلِهَا.



حاوَل العُلَمَاءُ مَعْرِفَةَ سِرِّ تِلْكَ الظَّاهِرَةِ العَجِيبَةِ؛ فَأَرْسَلُوا فَرِيقًا لِيَزِيْرَةَ المَكانِ وَ التَّعْرِيفِ عَلَى الأَسْمَاكِ الَّتِي تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ بَعْدَ هَذِهِ الأَمْطَارِ الشَّدِيدَةِ، فَوَجَدُوا أَنَّ أَكْثَرَ الأَسْمَاكِ المُنْتَشِرَةِ عَلَى الأَرْضِ مِنْ نَوْعٍ وَاحِدٍ، وَلَكِنَّ العَرِيبَ فِي الأَمْرِ، أَنَّ الأَسْمَاكِ لَيْسَتْ مُتَعَلِّقَةً بِالمِياهِ المُجاوِرَةِ، بَلْ بِمِياهِ المُحِيطِ الأَطْلَسِيِّ الَّذِي يَبْعُدُ مَسافَةً مِئَتَيْ كيلومترٍ عَن مَحَلِّ سُقُوطِ الأَسْمَاكِ.

ما هُوَ سَبَبُ تَشْكِيلِ هَذِهِ الظَّاهِرَةِ؟! يَحْدُثُ إِعْصارٌ شَدِيدٌ؛ فَيَسْحَبُ الأَسْمَاكِ إِلَى السَّمَاءِ بِقُوَّةٍ، وَيَأْخُذُها إِلَى مَكانٍ بَعِيدٍ وَ عِنْدَما يَفْقِدُ سُرْعَتَهُ، تَتَساقَطُ عَلَى الأَرْضِ. يَحْتَفِلُ النَّاسُ فِي الهِنْدوراسِ بِهَذَا اليَوْمِ سَنَوِيًّا وَ يُسَمِّونَهُ «مِهْرَجانَ مَطَرِ السَّمَكِ».

حیران کرد	حَيَّرَ	برانگیخت	أَثَارَ
کشید	سَحَبَ	جشن گرفت	إِحْتَفَلَ
نامید	سَمَّى	شد	أَصْبَحَ
سیاه (مؤنثِ أَسْوَد)	سَوَّاءَ	گردباد «جمع: أعاصير»	إِعْصَار
سالانه	سَنَوِيَّ	آمریکای مرکزی	أَمْرِيكَا اَلْوَسْطِيَّ
باور کرد	صَدَّقَ	باران بارید	أَمَطَرَ
«حَتَّى تُصَدِّقَ: تا باور کنی»		گستراند	بَسَطَ
پدیده «جمع: ظواهر»	ظَاهِرَة	دور شد	بَعُدَ
فیلم «جمع: أفلام»	فِلم	می بینی «أَنْ تَرَى: که بینی»	تَرَى
اقیانوس اطلس	اَلْمُحِيطُ اَلْأَطْلَسِيَّ	پی درپی افتاد	تَساقَطَ
پوشیده	مَفْرُوش	شناختن	اَلتَّعَرُّفُ عَلَيَّ
جشنواره	مِهْرَجَان	برف، یخ «جمع: ثلوج»	ثَلْج
پایین آمدن، بارش	نُزُول	بسیار خوب	حَسَنًا

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَالْخَطَأِ حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.

- ۱- يَحْتَفِلُ أَهَالِي اَلْهُنْدُوراس بِهَذَا اَلْيَوْمِ شَهْرِيًّا وَيُسَمُّونَهُ «مِهْرَجَانِ اَلْبَحْرِ».
- ۲- عِنْدَمَا يَفْقِدُ اَلْإِعْصَارُ سُرْعَتَهُ، تَتَساقَطُ اَلْأَسْمَاكُ عَلَيَّ اَلْأَرْضِ.
- ۳- يَتَسَّ اَلْعُلَمَاءُ مِنْ مَعْرِفَةِ سِرِّ تِلْكَ اَلظَّاهِرَةِ اَلْعَجِيبَةِ.
- ۴- إِنَّ نُزُولَ اَلْمَطَرِ وَ اَلثَّلْجِ مِنْ السَّمَاءِ أَمْرٌ طَبِيعِيٌّ.
- ۵- تَحَدَّثُ هَذِهِ اَلظَّاهِرَةُ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي السَّنَةِ.

الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَجْرَدُ وَ الْمَزِيدُ (۱)

فعلها در زبان عربی بر اساس شکل «سوم شخص مفرد در فارسی» (مفرد مذکر غایب) به دو گروه تقسیم می‌شوند.

گروه اول: ثلاثی مجرد؛ یعنی فعل‌هایی که ساختِ ماضی «مفرد مذکر غایب» آنها فقط از سه حرف اصلی تشکیل می‌شود. بیشتر فعل‌های عربی متوسطه اول این‌گونه بودند؛ مانند: حَرَجَ، عَرَفَ، قَطَعَ و شَكَرَ.

گروه دوم: ثلاثی مزید؛ فعل‌هایی که ساختِ ماضی «مفرد مذکر غایب» آنها علاوه بر سه حرف اصلی، حروف زائد دارد؛ مانند: اسْتَحْرَجَ، اعْتَرَفَ، انْقَطَعَ و تَشَكَرَ. این فعل‌ها علاوه بر اینکه تعداد حروفشان بیشتر است، معنایشان نیز فرق دارد. این فعل‌ها هشت دسته‌اند که به هر دسته «باب» گفته می‌شود. در جدول زیر به ترتیب، چهار باب ثلاثی مزید «اسْتِفْعَال، اِفْتِعَال، اِنْفِعَال و تَفَعُّل» آمده است.

الْمَصْدَرُ	الْأَمْرُ	الْمُضَارِعُ	الْمَاضِي
اسْتِفْعَال	اسْتَفْعِلْ	يَسْتَفْعِلُ	اسْتَفْعَلَ
اِفْتِعَال	اِفْتَعِلْ	يَفْتَعِلُ	اِفْتَعَلَ
اِنْفِعَال	اِنْفَعِلْ	يَنْفَعِلُ	اِنْفَعَلَ
تَفَعُّل	تَفَعَّلْ	يَتَفَعَّلُ	تَفَعَّلَ

۱- دانش‌آموز باید وزن‌های فعل‌ها و مصدرهای این جدول را حفظ باشد و توانایی تشخیص آنها را داشته باشد.

أَلْبَاب	الْمَاضِي	الْمُضَارِع	الْأَمْر	الْمَصْدَر
إِسْتِفْعَال	إِسْتَرْجَعَ: پس گرفت	يَسْتَرْجِعُ: پس می‌گیرد	إِسْتَرْجِعْ: پس بگیر	إِسْتِرْجَاع: پس گرفتن
إِفْتِعَال	إِسْتَعَلَ: کار کرد	يَسْتَعِلُّ: کار می‌کند	إِسْتَعِلْ: کار کن	إِسْتِغَال: کار کردن
إِنْفِعَال	إِنْفَتَحَ: باز شد	يَنْفَتِحُ: باز می‌شود	إِنْفَتِحْ: باز شو	إِنْفِتَاح: باز شدن
تَفْعُل	تَخَرَّجَ: دانش‌آموخته شد	يَتَخَرَّجُ: دانش‌آموخته می‌شود	تَخَرَّجْ: دانش‌آموخته شو	تَخْرُج: دانش‌آموخته شدن

إِخْتِبَرِ نَفْسَكَ:

تَرْجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَرِيدَةَ، ثُمَّ عَيِّنْ نَوْعَ الْبَابِ.

باب

يَسْتَغْفِرُ:

إِسْتَغْفَرَ:

مضارع

ماضی

إِسْتِغْفَار: آمرزش خواستن

إِسْتَغْفَرُ:

مصدر

امر

يَعْتَذِرُ:

إِعْتَذَرَ:

مضارع

ماضی

إِعْتِذَار: پوزش خواستن

إِعْتَذَرَ:

مصدر

امر

يَنْقَطِعُ:

انْقَطَعَ:

مضارع

ماضی

انْقِطَاع: بُریده شدن

انْقَطَعَ:

مصدر

امر

يَتَكَلَّمُ:

تَكَلَّمَ:

مضارع

ماضی

تَكَلُّم: سخن گفتن

تَكَلَّمَ:

مصدر

امر

الْفِعْلُ اللَّازِمُ وَ الْفِعْلُ الْمُتَعَدِّي

پیش از آشنایی با فعل لازم و متعدی با مفهوم فعل، فاعل و مفعول آشنا شوید.

فعل، کلمه‌ای است که بر انجام کاری یا داشتن حالتی در گذشته، حال یا آینده دلالت دارد.

فاعل، انجام دهنده کار یا دارنده حالت است.

مفعول، اسمی است که در زبان عربی معمولاً پس از فاعل می‌آید و کار بر آن انجام می‌شود.

فعلی که معنای آن با فاعل کامل می‌شود و به مفعول نیاز ندارد، فعل لازم^۱ نام دارد.

مثال: رَجَعَ جَوَادٌ: جواد برگشت. تَجَلَّسَ سَاجِدَةٌ: ساجده می‌نشیند.

به فعلی که معنای آن با فاعل کامل نمی‌شود و به مفعول نیاز دارد، فعل متعدی^۲ گفته می‌شود.

مثال: أَرْسَلَ جَوَادٌ رِسَالَةً: جواد نامه‌ای را فرستاد. يَقَطَعُ النَّجَّارُ الْخَشَبَ: نجار چوب را می‌برد.

اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرَجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ وَ عَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَّ.

۱- ﴿إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ...﴾ يوسُف: ٤

۲- ذَهَبَتْ طَالِبَةٌ لِإِطْفَاءِ الْمَكِّيَّاتِ.

۳- زَانَ اللَّهُ السَّمَاءَ بِأَنْجُمٍ كَالدُّرَرِ.

۴- تَنَمُّو الشَّجَرَةَ مِنْ حَبَّةٍ صَغِيرَةٍ.

۵- اشْتَرَى وَالِدٌ حَامِدًا حَاسِبًا لَهُ.

۱- فعل‌های باب «انفعال» لازم هستند؛ مثال:

إِنْقَطَعَ: قطع شد / انْفَتَحَ: باز شد / انْهَدَمَ: ویران شد / انْفَجَرَ: منفجر شد / انْبَسَطَ: گسترده شد.

۲- بسیاری از فعل‌های دو باب «إفعال» و «تفعیل» متعدی هستند؛ مثال:

أَخْرَجَ: درآورد / أَنْزَلَ: پایین آورد / أَجْلَسَ: نشانید / عَلَّمَ: یاد داد / صَيَّرَ: گردانید / فَرَّخَ: شاد کرد

☀ برای مطالعه در خانه ☀

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است شناسه‌هایی هستند که در سه سال گذشته با آنها آشنا شده‌اید.

یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

«تُ» در «فَعَلْتُ» (انجام دادم) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُ اِكْتَسَبْتُ اِنْسَحَبْتُ تَعَلَّمْتُ

«تَ» در «فَعَلْتِ» (انجام دادی) مانند:

اِسْتَخْرَجْتِ اِكْتَسَبْتِ اِنْسَحَبْتِ تَعَلَّمْتِ

«-» در «فَعَلَ» (انجام داد) مانند:

اِسْتَخْرَجَ اِكْتَسَبَ اِنْسَحَبَ تَعَلَّمَ

«نَا» در «فَعَلْنَا» (انجام دادیم) مانند:

اِسْتَخْرَجْنَا اِكْتَسَبْنَا اِنْسَحَبْنَا تَعَلَّمْنَا

«تُمْ» در «فَعَلْتُمْ» (انجام دادید) مانند:

اِسْتَخْرَجْتُمْ اِكْتَسَبْتُمْ اِنْسَحَبْتُمْ تَعَلَّمْتُمْ

«وَا» در «فَعَلُوا» (انجام دادند) مانند:

اِسْتَخْرَجُوا اِكْتَسَبُوا اِنْسَحَبُوا تَعَلَّمُوا



اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

اِشْتَغَلُوا:	کار کرد	اِشْتَغَلَ:
تَعَلَّمْتُمْ:	یاد گرفت	تَعَلَّمَ:
انْقَطَعَتْ:	بریده شد	انْقَطَعَ:
اسْتَغْفَرْنَا:	آمرزش خواست	اسْتَغْفَرَ:



یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم) مانند: اَسْتَخْرِجُ اَكْتَسِبُ اَنْسَحِبُ اَتَعَلَّمُ
 «ت» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی) مانند: تَسْتَخْرِجُ تَكْتَسِبُ تَنْسَحِبُ تَتَعَلَّمُ
 «ی» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد) مانند: يَسْتَخْرِجُ يَكْتَسِبُ يَنْسَحِبُ يَتَعَلَّمُ
 «ن» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم) مانند: نَسْتَخْرِجُ نَكْتَسِبُ نَنْسَحِبُ نَتَعَلَّمُ
 «ت» + «ریشه» + «وَن» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید) مانند:

تَسْتَخْرِجُونَ تَكْتَسِبُونَ تَنْسَحِبُونَ تَتَعَلَّمُونَ

«ی» + «ریشه» + «وَن» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند) مانند:

يَسْتَخْرِجُونَ يَكْتَسِبُونَ يَنْسَحِبُونَ يَتَعَلَّمُونَ

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

.....	يَبْتَسِمُونَ:	لبخند می زند	يَبْتَسِمُ:
.....	نَتَكَلَّمُ:	سخن می گوید	يَتَكَلَّمُ:
.....	تَنْسَحِبُونَ:	عقب نشینی می کند	يَنْسَحِبُ:
.....	أَتَعَلَّمُ:	یاد می گیرد	يَتَعَلَّمُ:

فِعْلُ الْأَمْرِ

در پایه نهم با فعل امر در سه وزن «افْعَلْ»، «افْعِلْ» و «افْعُلْ» آشنا شدید؛ مثال:

تَنْزِلُ: پایین می آید	أَنْزَلَ: پایین بیا	تَسْمَعُ: می شنوی	اسْمَعُ: بشنو
تَعْرِفُ: می شناسی	اعْرِفُ: بشناس	تَلْعَبُ: بازی می کنی	الْعَبُ: بازی کن
تَكْتُبُ: می نویسی	اُكْتُبُ: بنویس	تَذْهَبُ: می روی	ادْهَبُ: برو
تَخْرُجُ: خارج می شوی	اُخْرَجُ: خارج شو	تَعْمَلُ: کار می کنی	اعْمَلُ: کار کن
تَنْظُرُ: نگاه می کنی	انْظُرُ: نگاه کن	تَجْلِسُ: می نشینی	اجْلِسُ: بنشین



اکنون با شکل‌های جدیدی از فعل امر آشنا شوید.

تَسْتَغْفِرُ: آمرزش می‌خواهی اِسْتَغْفِرُ: آمرزش بخواه

تَبْتَعدُ: دور می‌شوی اِبْتَعدُ: دور شو

تَنْسَحِبُ: عقب‌نشینی می‌کنی اِنْسَحِبُ: عقب‌نشینی کن

تَعَلِّمُ: یاد می‌گیری تَعَلِّمُ: یاد بگیر

آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، نشانه‌هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.

اِبْتَعدُوا عَنِ الْكَسَلِ؛ اِسْتَخدمُوا قُوَّتَكُمْ؛ تَعَلَّمُوا دُرُوسَكُمْ؛ لا تَنْسَحِبُوا عَن اَدَاءِ وَاجِبِكُمْ.





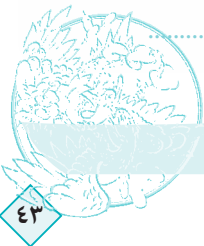
یادآوری فعل امر که در پایه نهم خواندید:

- «نـ» در «اِفْعَلْ اِسْتَفْعَلْ اِفْتَعَلْ اِنْفَعَلْ تَفَعَّلْ» مانند:
- اِذْهَبْ اِسْتَخْرِجْ اِكْتَسِبْ اِنْسَجِبْ تَعَلَّمْ
- «ی» در «اِفْعَلِي اِسْتَفْعَلِي اِفْتَعَلِي اِنْفَعَلِي تَفَعَّلِي» مانند:
- اِذْهَبِي اِسْتَخْرِجِي اِكْتَسِبِي اِنْسَجِبِي تَعَلَّمِي
- «و» در «اِفْعَلُوا اِسْتَفْعَلُوا اِفْتَعَلُوا اِنْفَعَلُوا تَفَعَّلُوا» مانند:
- اِذْهَبُوا اِسْتَخْرِجُوا اِكْتَسَبُوا اِنْسَجِبُوا تَعَلَّمُوا
- «نَ» در «اِفْعَلْنَ اِسْتَفْعَلْنَ اِفْتَعَلْنَ اِنْفَعَلْنَ تَفَعَّلْنَ» مانند:
- اِذْهَبْنَ اِسْتَخْرِجْنَ اِكْتَسِبْنَ اِنْسَجِبْنَ تَعَلَّمْنَ
- «ا» در «اِفْعَلَا اِسْتَفْعَلَا اِفْتَعَلَا اِنْفَعَلَا تَفَعَّلَا» مانند:
- اِذْهَبَا اِسْتَخْرِجَا اِكْتَسِبَا اِنْسَجِبَا تَعَلَّمَا



اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

- تَنْتَظِرُونَ: منتظر می شوید اِنْتَظِرُوا:
- تَتَعَجَّبِينَ: تعجب می کنی تَعَجَّبِي:
- تَسْتَخْرِجَنَّ: خارج می کنید اِسْتَخْرِجَنَّ:



در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

حوار

(في قِسمِ الْجَوَازَاتِ^١)

الْمُسَافِرُ الْإِيرَانِيُّ

شُرْطِيُّ إِدَارَةِ الْجَوَازَاتِ

نَحْنُ مِنْ إِيرَانٍ وَ مِنْ مَدِينَةِ زَابُلٍ.

أَهْلًا وَ سَهْلًا بِكُمْ. مِنْ أَيِّ بَلَدٍ أَنْتُمْ؟

أَشْكُرُكَ يَا سَيِّدِي.

مَرَحَبًا بِكُمْ^٢. شَرَفْتُمُونَا^٣.

أَحِبُّ هَذِهِ اللُّغَةَ؛ الْعَرَبِيَّةُ جَمِيلَةٌ.

مَاشَاءَ اللَّهِ! تَتَكَلَّمُ بِالْعَرَبِيَّةِ جَيِّدًا!

سِتَّةُ: وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ^٥.

كَمْ عَدَدُ الْمُرَافِقِينَ؟^٤

نَعَمْ؛ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْنا بِطَاقَتِهِ بِيَدِهِ.

أَهْلًا بِالضُّيُوفِ. هَلْ عِنْدَكُمْ بِطَاقَاتُ^٦ الدُّخُولِ؟

عَلَى عَيْنِي.

الرِّجَالُ عَلَى الْيَمِينِ وَ النِّسَاءُ عَلَى الْيَسَارِ
لِلتَّفْتِيْشِ^٧.

نَحْنُ جَاهِزُونَ^٨.

رَجَاءً؛ إِجْعَلُوا جَوَازَاتِكُمْ فِي أَيْدِيكُمْ.

١- جواز: گذرنامه ٢- مَرَحَبًا بِكُمْ: خوش آمدید ٣- شَرَفْتُمْ: مشرف فرمودید ٤- مُرَافِق: همراه ٥- وَالِدَايَ وَ أُخْتَايَ وَ أَخَوَايَ: پدر و مادر، دو خواهرم و دو برادرم ٦- بِطَاقَةُ: کارت، بلیت ٧- التَّفْتِيْشِ: بازرسی ٨- جَاهِزُونَ: آماده



التمرين

التمرين الأول:

عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرَ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.



- ١- «الْمَهْرَجَانُ» احْتِفَالٌ بِمُنَاسَبَةٍ جَمِيلَةٍ، كَمَهْرَجَانِ الْأَزْهَارِ وَمَهْرَجَانِ الْأَفْلامِ.
- ٢- «الثلجُ» نوعٌ من أنواعِ نُزولِ المَاءِ مِنَ السَّمَاءِ يَنْزِلُ عَلَى الْجِبَالِ فَقَطْ.
- ٣- يَحْتَفِلُ الْإِيرَانِيُّونَ بِالنُّورِزِ؛ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ أَيَّامِ السَّنَةِ الْهَجْرِيَّةِ الشَّمْسِيَّةِ.
- ٤- تَعِيشُ الْأَسْمَاكُ فِي النَّهْرِ وَالبَحْرِ، وَ لَهَا أَنْوَاعٌ مُخْتَلِفَةٌ.
- ٥- الإِعْصَارُ رِيحٌ شَدِيدَةٌ لَا تَنْتَقِلُ^١ مِنْ مَكَانٍ إِلَى مَكَانٍ آخَرَ.

١- لَا تَنْتَقِلُ؛ جَابَهُ جَاءَ نَمَى شَوْدٌ

التَّمْرِينُ الثَّانِي: ضَعْ فِي الدَّائِرَةِ الْعَدَدَ الْمُنَاسِبَ. «كَلِمَةٌ وَاحِدَةٌ زَائِدَةٌ.»

- ١- مُكَيِّفُ الْهَوَاءِ ○ يَدْرُسُ فِيهِ الطُّلَابُ.
٢- الْمِشْمِشُ ○ بَحْرٌ كَبِيرٌ وَاسِعٌ بَيْنَ الْقَارَاتِ.
٣- الْمَغْلَقُ ○ مَا لَيْسَ مَفْتُوحًا؛ بَلْ مَسْدُودًا.
٤- الْخَضِرَةُ ○ جِهَازٌ لِلْخَلَاصِ مِنْ حَرَارَةِ الصَّيْفِ.
٥- الْمَحِيْطُ ○ فَكِهَةٌ يَأْكُلُهَا النَّاسُ مُجَفَّفَةً وَ غَيْرَ مُجَفَّفَةٍ.
٦- الصَّفُّ



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَالْمُتَضَادَّةَ.

أَنْزَلَ / أَصْبَحَ / حَفَلَةَ / رَفَعَ / صُعود / صارَ / حُجْرَةَ / مِهْرَجَانَ / نُزُولَ / عُرْفَةَ

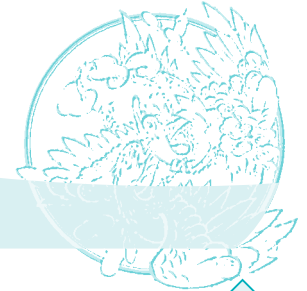
..... =

..... =

..... =

..... ≠

..... ≠



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، وَعَيِّنِ الْفِعْلَ الْمُتَعَدِّيَّ.

١- النَّاسُ نِيَامٌ؛ فَإِذَا مَاتُوا انْتَبَهُوا^٢. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- شَاهَدَ النَّاسُ سُقُوطَ الْأَسْمَاكِ مِنَ السَّمَاءِ.

٣- يَزْرَعُ الْجَاهِلُ الْعُدْوَانَ فَيَحْصُدُ الْخُسْرَانَ.

٤- ذَهَبَتْ سُمَيَّةُ إِلَى مُدِيرَةِ الْمَدْرَسَةِ.

٥- يَرْجِعُ الطُّلَّابُ مِنَ السَّفَرَةِ الْعِلْمِيَّةِ.



سنگ قبر بانو دکتر آنه ماری شیمیل؛ اسلام پڑوہ، خاورشناس و مولوی شناس آلمانی
آراسته به حدیث پیامبر اکرم ﷺ

٢- انْتَبَهُوا: بیدار شدند (بیدار شوند)

١- نیام: خفتگان «مفرد: نائم»

التَّمَرِينُ الخَامِسُ: تَرْجِمِ الآيَاتِ التَّالِيَةَ.

﴿رَجَعُوا إِلَيْهِمْ﴾	﴿يَعْرِفُونَهُمْ﴾	﴿سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا﴾
.....
﴿أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾	﴿وَلَا تَيْأَسُوا﴾	﴿يَقُولُونَ سَمِعْنَا﴾
.....
﴿أَكْثَرُهُمْ لَا يَشْكُرُونَ﴾	﴿اسْتَخْرَجَهَا﴾	﴿ارْجِعِي إِلَى رَبِّكِ﴾
.....
﴿ظَلَمْتُ نَفْسِي﴾	﴿فَجَعَلَهُمْ آيَةً﴾	﴿لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ﴾
.....
﴿أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ﴾	﴿اغْسِلُوا وُجُوهَكُمْ﴾	﴿اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا﴾
.....
﴿قَالَ فَاحْرُجْ مِنْهَا﴾	﴿وَاطْرُقِ الْبَحْرَ﴾	﴿يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ﴾
.....

﴿ اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ ﴾

إِبْحَثْ عَن قِصَّةِ قَصِيرَةِ بِاللُّغَةِ الْعَرَبِيَّةِ فِي الْإِنْتَرِنْتِ، أَوْ مَجَلَّةٍ أَوْ كِتَابٍ، وَ تَرَجِّمْهَا إِلَى الْفَارْسِيَّةِ، مُسْتَعِينًا بِمُعْجَمٍ عَرَبِيٍّ - فَارِسِيٍّ.







الدَّرْسُ الرَّابِعُ



﴿ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُون ﴾ الأَنْبِيَاءُ : ٩٢
بی گمان این امت شماست؛ امتی یگانه و من پروردگارتان هستم، پس
مرا پرستید.

التَّعَايُشُ السَّلْمِيُّ

لَقَدْ كَانَتْ رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ، قَائِمَةً عَلَى آسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ أَيِّ إِسَاءَةٍ؛ فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ﴾^١ فَصَّلَتْ: ٣٤

إِنَّ الْقُرْآنَ يَأْمُرُ الْمُسْلِمِينَ؛ أَنْ لَا يَسُبُّوا^٢ مَعْبُودَاتِ الْمُشْرِكِينَ وَ الْكُفَّارِ، فَهَوَ يَقُولُ:

﴿وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ...﴾^٣ الْأَنْعَامُ: ١٠٨

الْإِسْلَامُ يَحْتَرِمُ الْأَدْيَانَ الْإِلَهِيَّةَ؛ ﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَ لَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا﴾^٤ آلِ عِمْرَانَ: ٦٤

يُؤَكِّدُ الْقُرْآنُ عَلَى حُرِّيَّةِ الْعَقِيدَةِ؛ ﴿لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ...﴾^٥ الْبَقَرَةُ: ٢٥٦

لَا يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ عَلَى الْعُدْوَانِ؛ لِأَنَّهُ لَا يَنْتَفِعُ بِهِ أَحَدٌ، وَ عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا، مَعَ احْتِفَازٍ كُلِّ مِنْهُمْ بِعَقَائِدِهِ؛ لِأَنَّهُ ﴿كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ﴾^٦ الرُّومُ: ٣٢

الْبِلَادُ الْإِسْلَامِيَّةُ مَجْمُوعَةٌ مِنَ الشُّعُوبِ الْكَثِيرَةِ، تَخْتَلِفُ فِي لُغَاتِهَا وَ أَلْوَانِهَا.



١- و نیکی و بدی برابر نیستند؛ [بدی را] به گونه‌ای که بهتر است دفع کن که آنگاه کسی که میان تو و او دشمنی هست، گویی دوستی صمیمی می‌شود.

٢- أَنْ لَا يَسُبُّوا = که دشنام ندهند

٣- كَيْسَانِي رَا كَهْ بَهْ جَايْ خُدَا فَرَا مِيْ خَوَانَدِنْد، دَشْنَامْ نَدَهِيْدْ كَهْ بَهْ خُدَاوَنْدْ دَشْنَامْ دَهَنْدْ ...

٤- أَلَّا نَعْبُدَ = أَنْ + لَا نَعْبُدُ

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ﴾ الْحُجُرَات: ١٣
يَأْمُرُنَا الْقُرْآنُ بِالْوَحْدَةِ؛

﴿واعتصموا بحبلِ اللهِ جميعاً ولا تفرقوا...﴾ آل عمران: ١٠٣

يَتَجَلَّى اتِّحَادُ الْأُمَّةِ الْإِسْلَامِيَّةِ فِي صُورٍ كَثِيرَةٍ، مِنْهَا اجْتِمَاعُ الْمُسْلِمِينَ فِي مَكَانٍ وَاحِدٍ فِي الْحَجِّ. الْمُسْلِمُونَ خُمُسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ، يَعِيشُونَ فِي مِسَاحَةٍ وَاسِعَةٍ مِنَ الْأَرْضِ؛ مِنْ الصِّينِ إِلَى الْمُحِيطِ الْأَطْلَسِيِّ.



قَالَ الْإِمَامُ الْخُمَيْنِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ: ... إِذَا قَالَ أَحَدٌ كَلِمَةً يُفَرِّقُ الْمُسْلِمِينَ، فَاعْلَمُوا أَنَّهُ جَاهِلٌ أَوْ عَالِمٌ يُحَاوِلُ إِجَادَةَ التَّفْرِيقَةِ بَيْنَ صُفُوفِ الْمُسْلِمِينَ.
وَ قَالَ قَائِدُنَا آيَةُ اللَّهِ الْخَامِنِيِّ: مَنْ رَأَى مِنْكُمْ أَحَدًا يَدْعُو إِلَى التَّفْرِيقَةِ، فَهُوَ عَمِيلُ الْعَدُوِّ.

احترام گذاشت	حُمُس	یک پنجم	إِحْتَرَمَ
نگاه داشتن	دَعَا	فرا خواند، دعا کرد «يَدْعُونَ: فرا می‌خوانند»	إِحْتِفَاطٌ
بدی کردن	ذَكَرَ	مرد، نر	إِسَاءَةٌ
برابر شد	فَرِحَ	شاد	إِسْتَوَى
شریک قرار داد	فَرَّقَ	پراکنده ساخت	أَشْرَكَ
چنگ زد (با دست گرفت)	قَائِدٌ	رهبر «جمع: قَادَةٌ»	إِعْتَصَمَ
تأکید کرد	قَائِمٌ	استوار، ایستاده	أَكَّدَ
زن، ماده	سَبَّ	دشنام داد	أُنْثَى
هرگونه بدی، هرگونه بی‌ادبی	سُكَّانٌ	ساکنان	أَيُّ إِسَاءَةٍ
جلوه گر شد	سَلِمِي	مُسالمت‌آمیز «سَلِمٌ: صلح»	تَجَلَّى
همزیستی داشت «أَنْ يَتَعَايَشُوا تَعَايُشًا سَلْمِيًّا» که همزیستی مسالمت‌آمیز کنند.»	سَوَاءٌ	یکسان	تَعَايَشَ
پراکنده شد «لا تَفَرَّقُوا: پراکنده نشوید»	عَلَى مَرِّ الْعُصُورِ	در گذر زمان	تَفَرَّقَ
جایز شد «لَا يَجُوزُ: جایز نیست»	عَمِيلٌ	مزدور «جمع: عُمَّالٌ»	جَازٌ
طناب «جمع: حِبَالٌ»	فَضْلٌ	برتری، فزونی	حَبَلٌ
آزادی	لَدَى	نزد «لَدَيْهِمْ: دارند»	حُرِّيَّةٌ
گرم و صمیمی	مَعَ بَعْضٍ	با همدیگر	حَمِيمٌ
اختلاف	مِنْ دُونِ اللَّهِ	به‌جای خدا، به‌غیر خدا	خِلَافٌ



۱- يَجُوزُ الْإِصْرَارُ عَلَى نِقَاطِ الْخِلَافِ وَ الْعُدْوَانِ، لِلدَّفَاعِ عَنِ الْحَقِيقَةِ.

۲- رِسَالَةُ الْإِسْلَامِ قَائِمَةٌ عَلَى أَسَاسِ الْمَنْطِقِ وَ اجْتِنَابِ الْإِسَاءَةِ.

۳- عَلَى كُلِّ النَّاسِ أَنْ يَتَعَايَشُوا مَعَ بَعْضِهِمْ تَعَايُشًا سَلْمِيًّا.

۴- لِبَعْضِ الشُّعُوبِ فَضْلٌ عَلَى الْآخَرِينَ بِسَبَبِ اللَّوْنِ.

۵- رُبْعُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنَ الْمُسْلِمِينَ.

اعلموا

الْفِعْلُ الثَّلَاثِيُّ الْمَزِيدُ (۲)

در درس گذشته با چهار باب از فعل‌های «ثلاثی مزید» آشنا شدیم.
با چهار باب ثلاثی مزید دیگر (تفاعل، تفعیل، مفاعلة و افعال) آشنا شوید.

الْمَصْدَر	الْأَمْر	الْمُضَارِع	الْمَاضِي
تَفَاعُلٌ	تَفَاعَلْ	يَتَفَاعَلُ	تَفَاعَلَّ
تَفْعِيلٌ	فَعَّلْ	يُفَعِّلُ	فَعَّلَ
مُفَاعَلَةٌ	فَاعِلٌ	يُفَاعِلُ	فَاعَلَ
إِفْعَالٌ	أَفْعَلْ	يُفْعِلُ	أَفْعَلَ

أَلْبَاب	أَلْمَاضِي	أَلْمُضَارِع	أَلْأَمْر	أَلْمَصْدَر
تَفَاعُل	تَشَابَهَ: همانند شد	يَتَشَابَهُ: همانند می شود	تَشَابَهَ: همانند شو	تَشَابَهَ: همانند شدن
تَفْعِيل	فَرَّحَ: شاد کرد	يُفَرِّحُ: شاد می کند	فَرَّحَ: شاد کن	تَفْرِيحَ: شاد کردن
مُفَاعَلَة	جَالَسَ: همنشینی کرد	يُجَالِسُ: همنشینی می کند	جَالَسَ: همنشینی کن	مُجَالَسَة: همنشینی کردن
إِفْعَال	أَخْرَجَ: بیرون آورد	يُخْرِجُ: بیرون می آورد	أَخْرَجَ: بیرون بیاور	إِخْرَاجَ: بیرون آوردن

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:

تَرَجِمِ الْأَفْعَالَ الثَّلَاثِيَّةَ الْمَزِيدَةَ، وَ اكْتُبْ بَابَهَا.

باب

تَعَامَلَ: _____

تَعَامَلَ: داد و ستد کردن

مضارع ماضی

مصدر امر

عَلَّمَ: _____

عَلَّمَ: تعلیم: یاد دادن

مضارع ماضی

مصدر امر

كَاتَبَ: _____

كَاتَبَ: مَكَاتِبَة: نامه نگاری کردن

مضارع ماضی

مصدر امر

أَجْلَسَ: _____

أَجْلَسَ: إِجْلَاسَ: نشاندن

مضارع ماضی

مصدر امر

برای مطالعه در خانه

در درس سوم خواندید که آنچه در یادگیری فعل‌ها مهم است، شناسه است.

مثال‌هایی برای یادآوری فعل ماضی که در پایه هفتم خواندید:

تَعَارَفْتُ	عَلَّمْتُ	شَاهَدْتُ	أَرْسَلْتُ	«تُ» در «فَعَلْتُ»	(انجام دادم)؛ مانند:
تَعَارَفْتَ	عَلَّمْتَ	شَاهَدْتَ	أَرْسَلْتَ	«تَ» در «فَعَلْتَ»	(انجام دادی)؛ مانند:
تَعَارَفْنَا	عَلَّمْنَا	شَاهَدْنَا	أَرْسَلْنَا	«نا» در «فَعَلْنَا»	(انجام دادیم)؛ مانند:
تَعَارَفْتُمْ	عَلَّمْتُمْ	شَاهَدْتُمْ	أَرْسَلْتُمْ	«تُمْ» در «فَعَلْتُمْ»	(انجام دادید)؛ مانند:
تَعَارَفُوا	عَلَّمُوا	شَاهَدُوا	أَرْسَلُوا	«وا» در «فَعَلُوا»	(انجام دادند)؛ مانند:

اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

تَصَادَمَ: تصادف کرد	تَصَادَمُوا:
حَرَكَ: حرکت داد	حَرَّكْتُمَا:
سَافَرَ: سفر کرد	سَافَرْنَا:
أَحْسَنَ: نیکی کرد	أَحْسَنْتُمْ:



مثال‌هایی برای یادآوری فعل مضارع که در پایه هشتم خواندید:

«أ» در «أَفْعَلُ» (انجام می‌دهم)؛ مانند: أَتَعَارَفُ أَعْلَمُ أَشَاهِدُ أُرْسِلُ

«ت» در «تَفْعَلُ» (انجام می‌دهی)؛ مانند: تَتَعَارَفُ تُعَلِّمُ تُشَاهِدُ تُرْسِلُ

«ی» در «يَفْعَلُ» (انجام می‌دهد)؛ مانند: يَتَعَارَفُ يُعَلِّمُ يُشَاهِدُ يُرْسِلُ

«ن» در «نَفْعَلُ» (انجام می‌دهیم)؛ مانند: نَتَعَارَفُ نُعَلِّمُ نُشَاهِدُ نُرْسِلُ

«ت» + «ریشه» + «وَنَ» در «تَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهید)؛ مانند:

تَتَعَارَفُونَ تُعَلِّمُونَ تُشَاهِدُونَ تُرْسِلُونَ

«ی» + «ریشه» + «وَنَ» در «يَفْعَلُونَ» (انجام می‌دهند)؛ مانند:

يَتَعَارَفُونَ يُعَلِّمُونَ يُشَاهِدُونَ يُرْسِلُونَ



اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

..... يُعَوِّضُ: جبران می‌کند يُعَوِّضُونَ:

..... يُعَامِلُ: رفتار می‌کند تُعَامِلُونَ:

..... يُخْرِجُ: خارج می‌کند يُخْرِجُونَ:

..... تَبَادَلُ: داد و ستد کرد تَتَبَادَلُونَ:

آنچه در یادگیری فعل‌های امر مهم است، شناسه‌هایی هستند که در پایه نهم با آنها آشنا شده‌اید.



یادآوری شناسه‌های فعل امر:

«**ـُ**» در «اِفْعَلْ، تَفَاعَلْ، فَعَّلْ، فاعِلْ، أَفْعَلْ» مانند:

إِذْهَبْ تَشَابَهْ فَرِحْ جالِسْ أَخْرِجْ

«**ـِ**» در «اِفْعَلِي، تَفَاعَلِي، فَعَّلِي، فاعِلِي، أَفْعَلِي» مانند:

إِذْهَبِي تَشَابَهِي فَرِحِي جالِسِي أَخْرِجِي

«**و**» در «اِفْعَلُوا، تَفَاعَلُوا، فَعَّلُوا، فاعِلُوا، أَفْعَلُوا» مانند:

إِذْهَبُوا تَشَابَهُوا فَرِحُوا جالِسُوا أَخْرِجُوا

«**ن**» در «اِفْعَلْنَ، تَفَاعَلْنَ، فَعَّلْنَ، فاعِلْنَ، أَفْعَلْنَ» مانند:

إِذْهَبْنَ تَشَابَهْنَ فَرِحْنَ جالِسْنَ أَخْرِجْنَ

«**ا**» در «اِفْعَلَا، تَفَاعَلَا، فَعَّلَا، فاعِلَا، أَفْعَلَا» مانند:

إِذْهَبَا تَشَابَهَا فَرِحَا جالِسَا أَخْرِجَا



اکنون با توجه به شناسه ترجمه کنید.

..... :سَلِّمُوا تُسَلِّمُونَ: سلام می کنید

..... :تَعَارَفْنَ تتعارفْنَ: آشنا می شوید

..... :شَارِكَا تُشَارِكَانِ: شرکت می کنید

..... :أَحْسِنِي تُحْسِنِينَ: نیکی می کنی

در گروه‌های دو نفره شبیه‌گفت‌وگویی زیر را اجرا کنید.

حوار
(في صالة^١ التفتيش بالجمار^٢)

الزائرة	شُرطي الجمارك
على عيني، يا أخي، ولكن ما هي المشكلة؟	إجلبي هذه الحقيبة إلى هنا.
لا بأس.	تفتيش بسيط.
لأسرتي.	عفواً؛ لمن هذه الحقيبة؟
تفضل، حقيبتني مفتوحة للتفتيش.	افتحها من فضلك ^٣ .
فرشاة الأسنان و المعجون و المنشفة و الملابس ...	ماذا في الحقيبة؟
ليس كتاباً؛ بل دفتر الذكريات ^٤ .	ما هذا الكتاب؟
حُبوبٌ مهدئةٌ، عندي صداعٌ.	ما هذه الحبوب؟
ولكن أنا بحاجة إليها جداً.	هذه، غير مسموحة.
شكراً.	لا بأس.
في أمان الله.	إجمعيها و اذهبي.



١- صالة: سالن ٢- جمارك: گمرک ٣- من فضلك: لطفاً ٤- ذكريات: خاطرات

التَّمْرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنَ الكَلِمَاتِ الجَدِيدَةِ لِلدَّرْسِ، تُناسِبُ التَّوضِيحاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- رَئيسُ البِلاَدِ، الَّذي يَأْمُرُ المَسْؤُولينَ وَ يَنصَحُهُم لِإدَاءِ واجِبَاتِهِم.
- ٢- إدارَةٌ مَسْؤُولَةٌ عَنِ الصَّادراتِ إِلى الخَارِجِ وَ الوارِداتِ إِليها.
- ٣- عَرَفَ البَعْضُ البَعْضَ الأَخَرَ.
- ٤- الَّذي يَعمَلُ لِمَصْلَحَةِ العَدُوِّ.
- ٥- جُزءٌ واحِدٌ مِنَ خَمْسَةٍ.

التَّمْرينُ الثَّانِي: صَغْ فِي الفَرَاغِ كَلِمَةً مُناسِبَةً مِنَ الكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتانِ زائِدَتانِ»

سِوَاءِ / الشَّعْبُ / يَجوزُ / قائِمَةٌ / فَضْلٌ / لَدَيَّ / مِنْ دُونِ

- ١- جِوَالٌ تَفْرَعُ بِطَارِيئَتُهُ خِلالَ نِصْفِ يَومٍ.
- ٢- زُمَلائِي فِي الدَّرْسِ عَلى حَدِّ
- ٣- لِصَدِيقِي فِي حُسْنِ الخُلُقِ.
- ٤- لا يَقْبَلُ الإيرانِيَّ أَيَّ صَغَطٍ.
- ٥- لا تَعْبُدوا اللهُ أَحَدًا.

الْتَّمَرِينَ الثَّالِثُ: تَرْجِمْ إِلَى الْفَارِسِيَّةِ. (هَلْ تَعْلَمُ أَنْ...)

١- ... الزَّرَافَةَ لَا تَنَامُ فِي الْيَوْمِ الْوَاحِدِ إِلَّا أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثِينَ دَقِيقَةً وَ عَلَى ثَلَاثِ مَرَّاحِلَ؟

٢- ... مَقْبَرَةَ «وَادِي السَّلَامِ» فِي النَّجَفِ الْأَشْرَفِ مِنْ أَكْبَرِ الْمَقَابِرِ فِي الْعَالَمِ؟

٣- ... الصِّينَ أَوَّلَ دَوْلَةٍ فِي الْعَالَمِ اسْتُخْدِمَتْ نُفُودًا وَرَقِيَّةً؟

٤- ... الْفَرَسَ قَادِرٌ عَلَى النَّوْمِ وَاقْفًا عَلَى أَقْدَامِهِ؟

٥- ... أَكْثَرَ فَيْتَامِينِ C لِلْبُرْتُقَالِ فِي قِشْرِهِ؟



التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ النَّبَوِيَّةَ وَ اكْتُبْ نَوْعَ الْأَفْعَالِ الَّتِي تَحْتَهَا خَطٌّ.

١- قَلْبٌ لَيْسَ فِيهِ شَيْءٌ مِنَ الْحِكْمَةِ، كَبِيتِ خَرِبٍ^١، فَتَعَلَّمُوا وَعَلِّمُوا وَتَفَقَّهُوا^٢،
وَلَا تَمُوتُوا جُهَالًا^٣؛ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَعْذِرُ^٤ عَلَى الْجَهْلِ.

٢- تَعَلَّمُوا الْعِلْمَ، وَتَعَلَّمُوا لَهُ السَّكِينَةَ وَالْوَقَارَ، وَتَوَاصَّعُوا لِمَنْ تَتَعَلَّمُونَ مِنْهُ وَ
لِمَنْ تُعَلِّمُونَهُ.

٣- مَثَلُ الْمُؤْمِنِ كَمَثَلِ الْعِطَارِ؛ إِنْ جَالَسْتَهُ^٥ نَفَعَكَ، وَإِنْ مَاشَيْتَهُ^٦ نَفَعَكَ، وَإِنْ
شَارَكَتَهُ نَفَعَكَ.

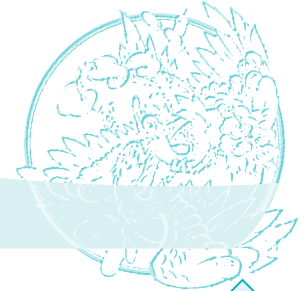
٤- أَلْمُؤْمِنُ مَنْ آمَنَهُ^٧ النَّاسُ عَلَى دِمَائِهِمْ^٨ وَأَمْوَالِهِمْ.

٥- لَا تَجْتَمِعُ خَصَلَتَانِ فِي مُؤْمِنٍ: الْبُخْلُ وَالْكَذِبُ.

١- خَرِبٌ: ويران
٢- تَفَقَّهُوا: دانش بیاموزید
٣- لَا تَمُوتُوا: نمیرید
٤- جُهَالٌ: نادانان «مفرد: جاهل»
٥- لَا يَعْذِرُ: عذر نمی پذیرد
٦- إِنْ جَالَسْتَهُ: اگر با او همنشین کنی
٧- إِنْ مَاشَيْتَهُ: اگر با او همراهی کنی
٨- آمَنَهُ النَّاسُ: مردم او را امین بدانند.
٩- دِمَاءٌ: خون‌ها (جان‌ها) «مفرد: دم»

الْتَمْرِينُ الْخَامِسَ: تَرْجِمُ أَفْعَالَ هَذَا الْجَدْوَلِ وَ مَصَادِرَهَا.

الْمَاضِي	الْمُضَارِعُ	الْمَصَدَرُ	الْأَمْرُ
أَنْتَجَ:	يُنْتَجُ:	إِنْتِاجٌ:	أَنْتِجْ:
شَجَّعَ:	يُشَجِّعُ:	تَشْجِيعٌ:	شَجِّعْ:
سَاعَدَ:	يُسَاعِدُ:	مُسَاعَدَةٌ:	سَاعِدْ:
تَسَاقَطَ:	يَتَسَاقَطُ:	تَسَاقُطٌ:	تَسَاقُطْ:
اسْتَحْدَمَ:	يَسْتَحْدِمُ:	اسْتِحْدَامٌ:	اسْتَحْدِمْ:
انْتَفَعَ:	يَنْتَفِعُ:	انْتِفَاعٌ:	انْتَفِعْ:
تَعَلَّمَ:	يَتَعَلَّمُ:	تَعَلُّمٌ:	تَعَلَّمْ:
انْكَسَرَ:	يَنْكَسِرُ:	انْكَسَارٌ:	انْكَسِرْ:



التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرَجِمِ الْآيَاتِ وَ اكْتُبِ نَوَعَ الْأَفْعَالِ فِيهَا وَ صَيِّغَهَا.

١- ﴿وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَكُمْ﴾ البقرة: ٢٢

٢- ﴿اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ آمَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ﴾ البقرة: ٢٥٧

٣- ﴿فَاصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ﴾ غافر: ٥٥

٤- ﴿وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ﴾ الإسراء: ١٠٥

٥- ﴿وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ﴾ آل عمران: ١٦٤

٦- ﴿قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ﴾ البقرة: ٣٠



الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَن آيَاتٍ فِي كُلِّ مِنْهَا فِعْلٌ مِّنْ هَذِهِ الْأَفْعَالِ. (فِي كُلِّ آيَةٍ فِعْلٌ وَاحِدٌ).
 أَرْسَلْنَا . اِنْتَظِرُوا . اسْتَغْفِرُوا . اِنْبَعَثْ . تَفَرَّقْ . تَعَاوَنُوا . عَلَّمْنَا . يُجَاهِدُونَ





الدَّرْسُ الْخَامِسُ



﴿قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ﴾ الْعَنْكَبُوت: ٢٠

بگو در زمین بگردید و بنگرید چگونه [خدا] آفرینش را آغاز کرد.

﴿هَذَا خَلْقُ اللَّهِ﴾ لقمان: ١١

﴿الْعَوَاصُونَ الَّذِينَ ذَهَبُوا إِلَى أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ لَيْلًا، شَاهَدُوا مِثَاتِ الْمَصَابِيحِ الْمُلَوَّنَةِ الَّتِي يَنْبَعِثُ صَوُّهَا مِنَ الْأَسْمَاكِ الْمُضِيئَةِ، وَ تَحَوَّلَ ظِلَامُ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ يَسْتَطِيعُ فِيهِ الْعَوَاصُونَ التِّقَاطَ صَوْرٍ فِي أَضْوَاءِ هَذِهِ الْأَسْمَاكِ. اِكْتَشَفَ الْعُلَمَاءُ أَنَّ هَذِهِ الْأَضْوَاءَ تَنْبَعِثُ مِنْ نَوْعٍ مِنَ الْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ الَّتِي تَعِيشُ تَحْتَ عُيُونِ تِلْكَ الْأَسْمَاكِ.



هَلْ يُمَكِّنُ أَنْ يَسْتَفِيدَ الْبَشَرُ يَوْمًا مِنْ تِلْكَ الْمُعْجِزَةِ

الْبَحْرِيَّةِ، وَ يَسْتَعِينُ بِالْبَكْتِيرِيَا الْمُضِيئَةِ لِإِنَارَةِ الْمُدُنِ؟

رُبَّمَا يَسْتَطِيعُ ذَلِكَ؛ لِأَنَّهُ «مَنْ طَلَبَ شَيْئًا وَ جَدَّ وَ جَدَّ»

﴿إِنَّ لِسَانَ الْقِطِّ سِلَاحٌ طَبِيٌّ دَائِمٌ؛

لِأَنَّهُ مَمْلُوءٌ بِغُدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهَّرًا،

فَيَلْعَقُ الْقِطُّ جُرْحَهُ عِدَّةَ مَرَّاتٍ حَتَّى يَلْتَبِّمَ.



﴿ إِن بَعْضَ الطَّيُورِ وَ الْحَيَوَانَاتِ تَعْرِفُ بِغَرِيزَتِهَا الْأَعْشَابَ
الطَّبِّيَّةَ، وَ تَعَلَّمُ كَيْفَ تَسْتَعْمِلُ الْعُشْبَ الْمُنَاسِبَ
لِلوَقَايَةِ مِنَ الْأَمْرَاضِ الْمُخْتَلِفَةِ،



وَ قَدْ دَلَّتْ هَذِهِ الْحَيَوَانَاتُ
الْإِنْسَانَ عَلَى الْخَوَاصِّ
الطَّبِّيَّةِ لِكَثِيرٍ مِنَ
النَّبَاتَاتِ الْبَرِّيَّةِ وَ غَيْرِهَا.



﴿ إِنَّ أَغْلَبَ الْحَيَوَانَاتِ إِضَافَةً إِلَى امْتِلَاقِهَا لِلْعُغَّةِ
خَاصَّةً بِهَا، تَمْلِكُ لُغَةً عَامَّةً تَسْتَطِيعُ مِنْ خِلَالِهَا
أَنْ تَتَفَاهَمَ مَعَ بَعْضِهَا؛
فَلِلْغُرَابِ صَوْتُ يُحَدِّرُ بِهِ بَقِيَّةَ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى
تَبْتَعِدَ سَرِيعاً عَنِ مَنطِقَةِ الْخَطَرِ، فَهُوَ بِمَنْزِلَةِ جَاسُوسٍ
مِنْ جَوَاسِيسِ الْغَابَةِ.





لِلْبَطَّةِ غُدَّةٌ بِالْقُرْبِ مِنْ دَنْبِهَا؛ تَحْتَوِي زَيْتًا
خَاصًّا تَنْشُرُهُ عَلَى جِسْمِهَا، فَلَا يَتَأَثَّرُ بِالْمَاءِ.

تَسْتَطِيعُ الْجِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا
فِي اتِّجَاهَاتٍ مُخْتَلِفَةٍ دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ رَأْسَهَا، وَ
هِيَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تَرَى فِي اتِّجَاهَيْنِ فِي وَقْتٍ وَاحِدٍ.



لَا تَتَحَرَّكُ عَيْنُ الْبُومَةِ؛ فَإِنَّهَا ثَابِتَةٌ، وَلَكِنَّهَا تُعَوِّضُ هَذَا النِّقْصَ بِتَحْرِيكِ رَأْسِهَا
فِي كُلِّ جِهَةٍ؛ وَ تَسْتَطِيعُ أَنْ تُدِيرَ رَأْسَهَا مِئْتَيْنِ وَ سَبْعِينَ دَرَجَةً دُونَ أَنْ تُحَرِّكَ
جِسْمَهَا.



دور شد «حَتَّى تَبْتَعِدَ: تا دور شود»	بوم، بومَة	جغد	سائل	مايع
جهت	تَأْتَرُ	تحت تأثیر قرار گرفت	ضوء	نور «جمع: أضواء»
چرخاند، اداره کرد «أَنْ تُدِيرَ: که بچرخاند»	تَحْتَوِي	در بر دارد	ظلام	تاریکی
که بیند	تَحَرَّكَ	حرکت کرد	عَوَّضَ	جبران کرد
بهره بُرد «أَنْ يَسْتَفِيدَ: که بهره برد»	تَنْشُرُ	پخش می کند	قِطْ	گره
افزون بر	جُرْح	زخم	لَعِقَ	لیسید
گیاهان دارویی «مفرد: عَشْبَ طِبِّي»	حَرَكَ	حرکت داد	مُضِيء	نورانی
ترشح کرد	حَوَّلَ	تبدیل کرد	مُطَهِّر	پاک کننده
بهبود یافت «حَتَّى يَلْتَمِمَ: تا بهبود یابد»	حِرْبَاء	آفتاب پرست	وَقَايَة	پیشگیری
عکس گرفتن	دَلَّ	راهنمایی کرد	مَلَكَ	مالک شد، فرمانروایی کرد
نورانی کردن	دَوَّنَ	بی آنکه «دَوَّنَ أَنْ تُحَرَّكَ: بی آنکه حرکت بدهد»	يَسْتَطِيعُ	می تواند = يَقْدِرُ
خشکی، زمینی «نَبَاتَاتٌ بَرِّيَّةٌ: گیاهان صحرایی»	ذَنْبٌ	دُم «جمع: أذنان»	يَسْتَعِينُ بِـ	از ... یاری می جوید
اردک	زَيْتٌ	روغن «جمع: زُيُوت»	يَنْبَغِثُ	فرستاده می شود
باکتری	سَارَ	حرکت کرد، به راه افتاد		

عَيْنِ الْجُمْلَةِ الصَّحِيحَةِ وَ غَيْرِ الصَّحِيحَةِ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَ الْوَاقِعِ.



۱- لِلزَّرَاقَةِ صَوْتُ يُحَدِّثُ الْحَيَوَانَاتِ حَتَّى تَبْتَعِدَ عَنِ الْخَطَرِ.

۲- تُحَوَّلُ الْأَسْمَاكُ الْمُضِيئَةُ ظِلَامَ الْبَحْرِ إِلَى نَهَارٍ مُضِيءٍ.

۳- تَسْتَطِيعُ الْحِرْبَاءُ أَنْ تُدِيرَ عَيْنَيْهَا فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ فَقَطْ.

۴- لِلسَّانِ الْقِطُّ مَمْلُوءٌ بِغَدَدٍ تُفْرِزُ سَائِلًا مُطَهِّرًا.

۵- لَا تَعِيشُ حَيَوَانَاتٌ مَائِيَّةٌ فِي أَعْمَاقِ الْمُحِيطِ.

۶- يَتَحَرَّكُ رَأْسُ الْبُومَةِ فِي اتِّجَاهٍ وَاحِدٍ.

اعلموا

«الْجُمْلَةُ الْفَعْلِيَّةُ» وَ «الْجُمْلَةُ الْاِسْمِيَّةُ»

به جمله «يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.» «جمله فعلیه» گفته می‌شود؛ زیرا با فعل شروع شده‌است.
الگوی جمله فعلیه این است:

يَغْفِرُ اللَّهُ الذُّنُوبَ.

فعل فاعل مفعول

دو جمله «اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ.» و «اللَّهُ غَافِرُ الذُّنُوبِ.» با اسم شروع شده‌اند. به چنین جمله‌هایی «جمله اسمیه» گفته می‌شود.
الگوی جمله اسمیه این است:

اللَّهُ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ. اللَّهُ غَافِرُ الذُّنُوبِ.

مبتدا خبر مفعول مبتدا خبر مضافٌ إليه

به جمله «اللَّهُ عَالِمٌ.» نیز جمله اسمیه گفته می‌شود؛ زیرا با اسم شروع شده‌است.

«مبتدا» و «خبر»، تقریباً همان «نهاد» و «گزاره» در دستور زبان فارسی‌اند.
«مبتدا»، اسمی است که معمولاً در ابتدای جمله می‌آید و درباره آن خبری گفته می‌شود.
«خبر»، بخش دوم جمله اسمیه است و درباره مبتدا گزارشی می‌دهد.
شناخت اجزای جمله در ترجمه به ما کمک می‌کند.





اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:



عَيْنِ الْجُمْلَةِ الْفِعْلِيَّةِ وَ الْجُمْلَةِ الْاِسْمِيَّةِ، ثُمَّ اذْكُرِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ.

۱- ﴿يَضْرِبُ اللهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ﴾ آتُور: ۳۵ خدا برای مردم مثلها می زند.

۲- اِضَاعَةُ الْفُرْصَةِ غَضَةً. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام تباہ کردن فرصت اندوه است.

گاهی مبتدا و خبر (نهاد و گزاره) و نیز فاعل و مفعول، صفت یا مضافُ الیه می گیرند و خودشان موصوف و مضاف می شوند؛ مثال:

صُدُورٌ^۲ الْأَحْرَارِ^۳ قُبُورُ الْأَسْرَارِ^۴.
سینه‌های آزادگان گورهای رازهاست.

مبتدا مضاف الیه
خبر مضاف الیه

يَزْرَعُ الْفَلَّاحُ الْمَجْدُ أَشْجَارَ التُّفَاحِ.
کشاورز کوشا درختان سیب می کارد.

فعل فاعل صفت مفعول مضاف الیه



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ:



تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ عَيْنِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةِ.

۱- اَلْحَسَدُ يَأْكُلُ الْحَسَنَاتِ، كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

۲- مَا قَسَمَ اللهُ لِلْعِبَادِ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنَ الْعَقْلِ. رَسُولُ اللهِ ﷺ

۳- ثَمَرَةُ الْعِلْمِ إِخْلَاصُ الْعَمَلِ. أمير المؤمنين عليّ عليه السلام

۱- منظور از «عَيْنِ الْمَحَلَّ الْاِعْرَابِيَّ» فقط تعیین نقش کلمه در جمله است؛ مانند مبتدا، خبر، فاعل، مفعول، مضاف الیه، صفت و ...

۲- صُدُور: سینه‌ها ۳- أحرار: آزادگان ۴- قَسَمَ وَ قَسَمَ: تقسیم کرد

در گروه‌های دو نفره شبیه گفت‌وگوی زیر را اجرا کنید.

جَوارُ مَعَ سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ

سَائِقِ سَيَّارَةِ الْأَجْرَةِ	السَّائِحُ
أنا في خِدْمَتِكُمْ. تَفَضَّلُوا.	أَيُّهَا السَّائِقُ، نُريدُ أَنْ نَذْهَبَ إِلَى الْمَدَائِنِ.
أَطْنُ الْمَسَافَةَ سَبْعَةً وَ ثَلَاثِينَ كيلومترًا. عَجِيبٌ؛ لِمَ تَذْهَبُونَ إِلَى الْمَدَائِنِ؟	كَمْ الْمَسَافَةُ مِنْ بَغدَادَ إِلَى هُنَاكَ؟
لأنَّهُ لَا يَذْهَبُ إِلَى الْمَدَائِنِ إِلَّا قَلِيلٌ مِنَ الزُّوَارِ.	لِزِيَارَةِ مَرَقَدِ سَلْمَانَ الْفَارِسِيِّ وَ مُشَاهَدَةِ طاقِ كِسرَى؛ لِمَاذَا تَتَعَجَّبُ؟!
زِيَارَةُ مَقْبُولَةٌ لِلْجَمِيعِ! أَتَعْرِفُ مَنْ هُوَ سَلْمَانُ الْفَارِسِيِّ أَمْ لَا؟	فِي الْبِدَايَةِ تَشَرَّفْنَا بِزِيَارَةِ الْعَتَبَاتِ الْمُقَدَّسَةِ فِي الْمُدُنِ الْأَرْبَعَةِ: كَرْبَلَاءَ وَ النَّجَفِ وَ سَامَرَاءَ وَ الْكَاطِمِيَّةِ.
أَحْسَنْتَ! وَ هَلْ لَكَ مَعْلُومَاتٌ عَن طاقِ كِسرَى؟	نَعَمْ؛ أَعْرِفُهُ، إِنَّهُ مِنْ أَصْحَابِ النَّبِيِّ ﷺ وَ أَسْلُهُ مِنْ إِصْفَهَانَ.
ماشاء اللهُ! بَارَكَ اللهُ فِيكَ! ^٢ مَعْلُومَاتُكَ كَثِيرَةٌ!	بِالتَّأَكِيدِ؛ إِنَّهُ أَحَدُ قُصُورِ الْمُلُوكِ السَّاسَانِيِّينَ قَبْلَ الْإِسْلَامِ. قَدْ أَنْشَدَا شَاعِرَانِ كَبِيرَانِ قَصِيدَتَيْنِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهِمَا إِيوانَ كِسرَى: الْبُحْتُرِيُّ مِنْ أَكْبَرِ شُعْرَاءِ الْعَرَبِ، وَ خاقانِي، الشَّاعِرُ الْإِيرَانِيُّ.



١- قَدْ أَنْشَدَا: سروده است ٢- بَارَكَ اللهُ فِيكَ: آفرین بر تو

التَّمْرينُ الْأَوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوْضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

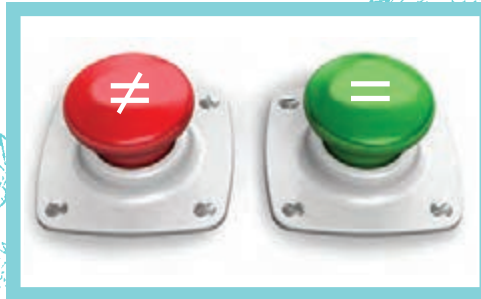
- ١- طَائِرٌ يَسْكُنُ فِي الْأَمَاكِنِ الْمَتْرُوكَةِ يَنَامُ فِي النَّهَارِ وَيَخْرُجُ فِي اللَّيْلِ.
- ٢- عُضْوٌ خَلْفَ جِسْمِ الْحَيَوَانِ يُحَرِّكُهُ غَالِبًا لِطَرْدِ الْحَشَرَاتِ.
- ٣- نَبَاتَاتٌ مُفِيدَةٌ لِلْمُعَالَجَةِ نَسْتَفِيدُ مِنْهَا كَدَوَاءٍ.
- ٤- طَائِرٌ يَعِيشُ فِي الْبَرِّ وَالْمَاءِ.
- ٥- عَدَمٌ وَجُودِ الضَّوِّءِ.
- ٦- نَشْرُ النُّورِ.





الْتَّمَرِينُ الثَّانِي: عَيْنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةِ وَ الْمُتَضَادَّةِ.

سَلِمَ حَرَبَ	اِسْتَطَاعَ قَدَرَ
اِحْسَانَ اِسْاءَةَ	اِقْتَرَبَ اِبْتَعَدَ
ظَلَامَ ضِيَاءَ	فَارِغَ مَمْلُوءَ
نُفَايَةَ زُبَالَةَ	اَغْلَقَ فَتَحَ
حُجْرَةَ غُرْفَةَ	غَيْمَ سَحَابَ
قُرْبَ بَعْدَ	قَذَفَ رَمَى
مِنْ فَضْلِكَ رَجَاءً	فَرِحَ حَزِنَ
جَاهِزَ حَاضِرَ	عُصَّةَ حُزْنَ



التَّمْرِينُ الثَّالِثُ: اُكْتُبِ اسْمَ كُلِّ صَوْرَةٍ فِي الْفَرَاغِ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَطْلُوبَ مِنْكَ.

الْبَيْطُ / الْكِلَابُ / الْغُرَابُ / الطَّاوُوسُ / الْحِرْبَاءُ / الْبَقْرَةُ



٣- ذَنْبٌ جَمِيلٌ.

الْمُضَافُ إِلَيْهِ:



٢- يُرْسَلُ أَخْبَارَ الْغَابَةِ.

الْمَفْعُولُ:



١- تُعْطَى الْحَلِيبَ.

الْفَاعِلُ:



٦- طَائِرٌ جَمِيلٌ.

الْخَبَرُ:



٥- الشُّرْطِيُّ يَحْفَظُ الْأَمْنَ بِـ.....

الْمُبْتَدَأُ:



٤- ذَاتُ عَيْونٍ مُتَحَرِّكَةٍ.

الصِّفَةُ:

التَّمْرِينُ الرَّابِعُ: عَيْنِ الْفَاعِلِ وَ الْمَفْعُولِ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

- ١- ﴿فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ^١ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ﴾ الْفَتْحُ: ٢٦
- ٢- ﴿لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا^٢ إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ﴾ الْأَعْرَافُ: ١٨٨
- ٣- ﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ﴾ الشُّورَى: ٢٥
- ٤- ﴿وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا﴾ الْكَهْفُ: ٤٩
- ٥- ﴿يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمْ الْيُسْرَ^٣﴾ الْبَقَرَةَ: ١٨٥

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيْنِ الْمُبْتَدَأِ وَالْخَبَرِ فِي الْأَحَادِيثِ التَّالِيَةِ.

- ١- التَّدَمُّ^٤ عَلَى السُّكُوتِ خَيْرٌ مِنَ التَّدَمِّ عَلَى الْكَلَامِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٢- أَكْبَرُ الْحُمُقِ^٥ الْإِغْرَاقُ فِي الْمَدْحِ وَالْمَدْحُ^٦ وَالدَّمُّ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٣- سَيِّدُ الْقَوْمِ خَادِمُهُمْ فِي السَّفَرِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٤- أَلْعِلْمُ صَيْدٌ وَالْكِتَابَةُ قَيْدٌ^٧. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
- ٥- الصَّلَاةُ مِفْتَاحُ كُلِّ خَيْرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

١- سَكِينَةٌ: آرامش ٢- ضَرَّ: زيان ٣- يُسْرٌ: آسانی ٤- تَدَمُّ: پشیمانی ٥- حُمُقٌ: نادانی ٦- دَمٌ: نکوهش ٧- قَيْدٌ: بند

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْجُمْلَةَ التَّالِيَةَ، ثُمَّ عَيِّنِ الْمَحَلَّ الْإِعْرَابِيَّ لِلْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةِ.

(مبتدأ و خبر و فاعل و مفعول و مضاف إليه)

١- ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ^١ وَ تَنْسَوْنَ أَنْفُسَكُمْ﴾ الْبَقَرَةُ: ٤٤

٢- ﴿لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا^٢ إِلَّا وُسْعَهَا﴾ الْبَقَرَةُ: ٢٨٦

٣- خَيْرُكُمْ، خَيْرُكُمْ لِأَهْلِهِ وَ أَنَا خَيْرُكُمْ لِأَهْلِي. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- حُسْنُ الْأَدَبِ يَسْتُرُ قُبْحَ النَّسَبِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- صَدْرُ الْعَاقِلِ صُنْدُوقُ بِيْرِهِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ



١- بِرٌّ: نِيكِي ٢- نَفْسًا: كَسِي

الْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

إِبْحَثْ عَنِ نَصِّ عِلْمِيٍّ قَصِيرٍ حَوْلَ عَظَمَةِ خَلْقِ اللَّهِ فِي الْبَرِّ أَوْ الْبَحْرِ أَوْ السَّمَاءِ.



غابات حرا في «محافظة بوشهر» و «محافظة هرمزجان»



الدَّرْسُ السَّادِسُ



﴿ قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ﴾

﴿ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ ﴾ الرُّوم: ٤٢

بگو در زمین بگردید و بنگرید سرانجام پیشینیان چگونه بوده است.

الْمَعَالِمُ الْخَلَابَةُ

إِنَّ إِيْرَانَ مِنَ الدُّوَلِ الْجَمِيْلَةِ فِي الْعَالَمِ وَ الْمَشْهُورَةِ بِالْكَثِيْرِ مِنَ الْمَنَاطِقِ الْخَلَابَةِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ وَ الثَّقَافِيَّةِ؛ وَ فِيهَا صِنَاعَاتٌ يَدَوِيَّةٌ تَجْذِبُ السَّائِحِيْنَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ. شَهِدَتْ إِيْرَانُ فِي السَّنَوَاتِ الْأَخِيْرَةِ نُمُوًّا مَلْحُوظًا فِي السِّيَاحَةِ، فَهِيَ تَسْتَطِيْعُ أَنْ تَحْصَلَ مِنَ السِّيَاحَةِ عَلَى ثَرَوَةٍ عَظِيْمَةٍ بَعْدَ النُّفُطِ. يَرَى بَعْضُ السَّائِحِيْنَ إِيْرَانَ بَلَدًا مُمْتَازًا لِقَضَاءِ الْعُطَلَاتِ.

قَامَتْ مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو بِتَسْجِيْلِ مَدْنٍ وَ مَنَاطِقٍ ثَقَافِيَّةٍ وَ تَارِيْخِيَّةٍ إِيْرَانِيَّةٍ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ؛ لِأَنَّهَا تَجْذِبُ كَثِيْرًا مِنَ السَّائِحِيْنَ إِلَيْهَا.

مِنَ الْأَثَارِ وَ الْمَعَالِمِ التَّارِيْخِيَّةِ فِي إِيْرَانَ: مَرْقَدُ الْإِمَامِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ مَرْقَدُ الْفِرْدَوْسِيِّ فِي مَشْهَدٍ، وَ مَرْقَدُ السَّيِّدَةِ مَعْصُومَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ بِمَدِيْنَةِ قُمْ، وَ آثَارُ بَرْسَبُولِيْسِ وَ مَقْبَرَتَا حَافِظٍ وَ سَعْدِيِّ فِي مَحَافِظَةِ فَارِسَ، وَ «طَاقُ بُسْتَانَ» وَ «كَتِيْبَةُ بِيَسْتُونَ» فِي مَحَافِظَةِ كِرْمَانشَاهِ، وَ قَلْعَةُ «فَلَكِ الْأَفْلَاقِ» فِي حُرْمِ أَبَادِ، وَ قَلْعَةُ الْوَالِيِ وَ غَابَاتُ الْبَلُّوْطِ فِي إِيْلَامِ،



وَ«حَمَامِ كَنْجَعَلِي خَان» فِي مُحَافَظَةِ كِرْمَانِ الْمَشْهُورَةِ بِإِنْتِاجِ الْفُسْتِقِ وَ السَّجَادِ، وَ سَلَالَتُ شَوْشْتَرِ وَ مَقْبَرَةُ النَّبِيِّ دَانِيَالٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي خَوْزِسْتَانِ، وَ مَرْقَدُ ابْنِ سِينَا الْعَالِمِ الْمَشْهُورِ فِي الْعَالَمِ، وَ كَهْفُ عَلِيِّ صَدْرٍ وَ هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكُهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ فِي هَمْدَانَ، وَ الْعِمَارَاتُ الْأَثَرِيَّةُ فِي إِصْفَهَانَ وَ قَدْ سَجَّلَتْهَا مُنْظَمَةُ الْيُونِسْكَو الدُّوَلِيَّةُ فِي قَائِمَةِ التُّرَاثِ الْعَالَمِيِّ، أَمَّا الْمُحَافَظَاتُ الشَّمَالِيَّةُ الثَّلَاثُ عَلَى شَاطِئِ بَحْرِ قَزْوِينَ (Caspian) فَهِيَ رَائِعَةٌ بِمَنَازِلِهَا الْجَمِيلَةِ، وَ كَانَتْهَا قِطْعَةٌ مِنَ الْجَنَّةِ فَهِيَ مُنَاسِبَةٌ لِلِبَطَاقَاتِ الْبَرِيدِيَّةِ.

لَا بُدَّ مِنْ تَأْلِيفِ كِتَابٍ عَظِيمٍ لِإِحْصَاءِ مَنَاطِقِ الْجَذْبِ السِّيَاحِيِّ فِي إِيرَانَ، نَذَكُرُ قِسْمًا آخَرَ مِنْهَا:

يَزِدُ وَ حَلَوِيَّاتُهَا وَ مَنَاطِقُهَا الصَّحْرَاوِيَّةُ، وَ تَبْرِيزُ وَ سَوْقُهَا الْمَشْهُورَةُ بِأَنَّهَا أَكْبَرُ سَوْقٍ مُسَقَّفَةٍ فِي الْعَالَمِ. وَ بَحِيرَةُ زَرْبَارِ فِي مَرْيَوَانَ، وَ قُبَّةُ سُلْطَانِيَّةِ فِي زَنْجَانَ، وَ مُتَحَفُ التُّرَاثِ الرَّيْفِيِّ قُرْبَ رَشْتِ، وَ آلَافُ الْمَنَاطِقِ الْأُخْرَى.

فَتَتَوَعَّعُ مَعَالِمِ إِيرَانَ وَ اسْتِقْرَارُ الْوَضْعِ الْأَمْنِيِّ فِيهَا يُشَجِّعُ السَّائِحِينَ إِلَى السَّفَرِ إِلَيْهَا لِرُؤْيَةِ جَمَالِ آثَارِهَا وَ طَبِيعَتِهَا الْخَلَابَةِ.



أَثْرِيّ	تاریخی	حَلَوِيَّات	شیرینی جات	قَبْة	گنبد
إِحْتِواء	درب‌برگرفتن	خَلَاب	جَدَاب «مَعَالِمُ إِيرانَ الْخَلَابَةُ: آثار جَدَابِ ایران»	قَضَاءُ الْعُطَلَاتِ	گذراندن تعطیلات
إِحْصاء	شمارش	سَجَاد	فرش	كَهْف	غار «جمع: كهوف»
أَطْوَل	بلندترین	سِیَاحَة	جهانگردی، گردشگری	لِأَبَدٍ مِنْ	ناگزیر
إِنْتاج	تولید	شَاطِئ	ساحل «جمع: شَوَاطِئُ»	مَعَالِمِ	آثار
بُحْبِرَة	دریاچه	صَحْرَاوِيَّة	کویری	مَلْحُوظ	قابل ملاحظه
بَرِيد	پست «بِطَاقَة بَرِيدِيَّة: کارت پستال»	رَائِع	جالب	مَنَاطِقُ الْجَدَبِ السِّيَاحِيّ	مناطق دارای جاذبه جهانگردی
تُرَاث	میراث	رِيفِيّ	روستایی	نِفْط	نفت
تَسْجِيل	ثبت کردن	عُطَلَة	تعطیلی	وَقَع	واقع شد، اتفاق افتاد، افتاد (مضارع: يَقَعُ)
ثَقَافِيَّة	فرهنگی	عِمَارَة	ساختمان		
جَدَب	جذب کرد	فَسْتَق	پسته		
حَصَلَ عَلَى	به دست آورد	قَائِمَة	لیست	يَدَوِيَّة	دستی



إِبْحَثْ فِي نَصِّ الدَّرْسِ عَن جَوَابٍ قَصِيرٍ لِهَذِهِ الْأَسْئَلَةِ.

- ۱- مَا اسْمُ الْكَهْفِ الَّذِي هُوَ مِنْ أَطْوَلِ الْكُهُوفِ الْمَائِيَّةِ فِي الْعَالَمِ؟
.....
- ۲- مِمَّ^۱ تَسْتَطِيعُ إِيرانُ أَنْ تَحْصَلَ عَلَى ثَرْوَةٍ بَعْدَ النِّفْطِ؟
.....
- ۳- أَذْكَرُ عِمَارَةً مِنْ الْعِمَارَاتِ الْأَثَرِيَّةِ فِي مَدِينَةِ إِصفهان.
.....
- ۴- أَيُّ صِنَاعَةٍ إِيرانِيَّةٍ تَجْذِبُ السَّائِحِينَ مِنْ كُلِّ الْعَالَمِ؟
.....
- ۵- أَيْنَ تَفَعُّ^۲ قَلْعَةُ الْوَالِي؟
.....

۱- مِمَّ = مِنْ + ما: از چه ۲- تَفَعُّع: واقع است

اعلموا

إعرابُ أجزاءِ الجُملةِ الإسميَّةِ وَ الفعليَّةِ

«إعراب» به علامت انتهای کلمه گفته می‌شود و از ویژگی‌های بارز زبان عربی است.

کلمات از نظر اعراب دو نوع‌اند: **مُعَرَّب** و **مَبْنِي**

علامت حرف آخر بیشتر اسم‌ها با تغییر جایگاهشان در جمله، تغییر می‌کند که به آنها «مُعَرَّب» گفته می‌شود؛ بیشتر اسم‌ها معرب‌اند؛ مانند «الله» در جمله‌های زیر:

﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾

﴿وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي قُلُوبِكُمْ﴾ الأَحْزَاب: ۵۱

﴿وَاسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ﴾ الْبَقَرَة: ۱۹۹

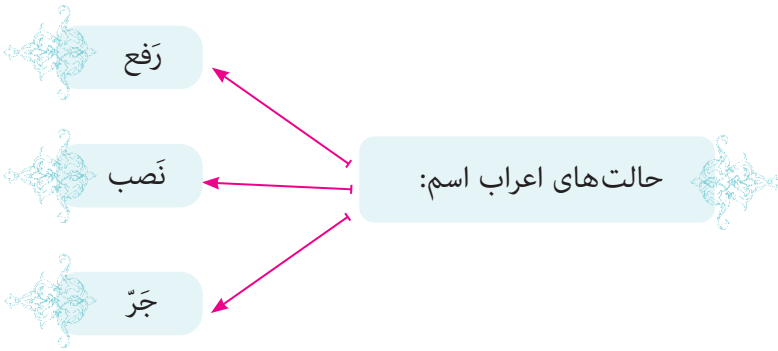
برخی هم با تغییر جایگاهشان در جمله، علامت حرفِ آخرشان ثابت می‌ماند که

«مَبْنِي» نامیده می‌شوند؛ مانند:

ضمایر (أَنْتُمْ، كُمْ، ...)

اسم‌های اشاره (هَذَا، ذَلِكَ، ...)

کلمات پرسشی (أَيْنَ، مَنْ، ...).



إعراب رفع و علامت آن « ُ ، ٌ ، ِ » وَنْ در جمع مذکر و اِنْ در مثنی است؛
مانند اَلْكَاتِبُ، كَاتِبٌ، اَلْكَاتِبُونَ، اَلْكَاتِبَانِ
إعراب نصب^۱ و علامت آن « ِ ، ٍ ، ِيْنَ » يِنَ در جمع مذکر و يِنِ در مثنی است؛
مانند اَلْكَاتِبِ، كَاتِبًا، اَلْكَاتِبِينَ، اَلْكَاتِبَيْنِ
إعراب جرّ و علامت آن « ِ ، ٍ ، ِيْنَ » يِنَ در جمع مذکر و يِنِ در مثنی است؛
مانند اَلْكَاتِبِ، كَاتِبٍ، اَلْكَاتِبِينَ، اَلْكَاتِبَيْنِ

کلمه دارای اعراب رفع را «مرفوع»؛
دارای اعراب نصب را «منصوب»؛
و دارای اعراب جرّ را «مجرور» می‌نامند.

حالات های اعراب اسم

جر	نصب	رفع	
ـِ	ـٍ	ـُ	مفرد
يِنِ	يِنِ	اِنْ	مثنی
يِنَ	يِنَ	وَنْ	جمع

۱- اعراب نصب در کلمه‌هایی مانند «کاتباً» به صورت «کاتبًا» نیز نوشته می‌شود.



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: عَيَّنْ اِعرَابَ اَلْاَسْمَاءِ اَلْمُلَوَّنَةِ اَلْمَرْفُوعَةِ وَ اَلْمَنْصُوبَةِ وَ اَلْمَجْرُورَةِ.

۱- قَرَأَ الطَّالِبُ اَلْمُجِدُّ قَصِيْدَةً رَائِعَةً.

۲- لَا تَكْتُبْ شَيْئاً عَلَيَّ اَلْاَثَارِ اَلتَّارِيخِيَّةِ.

۳- رَسَمَ اَلْاَوْلَادُ صُورَةً جَمِيْلَةً عَلَيَّ رَمَلِ السَّاحِلِ.

با نقش‌های فاعل، مفعول، مبتدا و خبر آشنا شدید. اکنون با اعراب این نقش‌ها آشنا شوید. فاعل، مبتدا و خبر، مرفوع‌اند و مفعول منصوب است (البته هنگامی که یک اسم ظاهر باشند).

﴿وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ﴾ الأَحْزَاب: ۲۲

فاعل و مرفوع به ضمّه

مفعول و منصوب به فتحه

فاعل و مرفوع به واو

ثَمَرَةُ الْعِلْمِ اِخْلَاصُ الْعَمَلِ. اَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

خبر و مرفوع به ضمّه

مبتدا و مرفوع به ضمّه



اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: اَعْرِبِ اَلْكَلِمَاتِ اَلْمُلَوَّنَةَ.

۱- مُدِيرُ الْمَدْرَسَةِ واقِفٌ اَمَامَ الْاِصْطِفَافِ الصَّبَاحِيِّ.

۲- اَللَّوْنُ اَلْبَنَفَسَجِيُّ لِعُرْفَةِ النَّوْمِ مُهْدِيٌّ اَلْاَعْصَابِ.

۳- لَا يُصَدِّقُ الْعَاقِلُ قَوْلَ الَّذِي يَكْذِبُ كَثِيْرًا.

۱- رَمَل: ماسه ۲- منظور از «اعرب» ذکر محلّ اعرابی و علامت آن است؛ مانند: دو مثال بالا

إِعْرَابُ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ

با صفت و مضاف‌الیه در پایه نهم آشنا شدید. صفت در اعراب، تابع (پیرو) موصوفِ خودش است و اعراب مضاف‌الیه جرّ است.

(مضاف‌الیه مجرور است؛ یعنی دارای علامت **ـِ**، **ـَ**، **ـِ** یا **یَنْ** است). مبتدا، خبر، فاعل و مفعول می‌توانند بعد از خودشان صفت یا مضاف‌الیه داشته باشند؛ مثال:

۱- أَلَلَّوْنَ الْأَبْيَـِضَ لَـِضْ لَوْنَ الْهُـِـدَوِیَّ.

مبتدا و مرفوع به ضمّه صفت و مرفوع به ضمّه خبر و مرفوع به ضمّه مضاف‌الیه و مجرور به کسره

۲- فَحَصَّ الطَّبَّيْبُ أَسْنَانَ الْوَلَدِ الصَّغِيرِ.

فعل فاعل و مرفوع مفعول و منصوب مضاف‌الیه و مجرور صفت و مجرور



إِخْتَبَرَ نَفْسَكَ: عَيْنِ الصِّفَةِ وَ الْمُضَافِ إِلَيْهِ، ثُمَّ اذْكَرْ إِعْرَابَهُمَا.

۱- رِضَا اللّٰهِ فِي رِضَا الْوَالِدَيْنِ. رَسُوْلُ اللّٰهِ ﷺ

۲- سَكُوْتُ اللِّسَانِ سَلَامَةُ الْإِنْسَانِ. أَمِيْرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٌّ ؑ

۳- يَكْذِبُ الْإِنْسَانُ الضَّعِيْفُ وَ يَصْدُقُ الْإِنْسَانُ الْقَوِيُّ.

۴- اَطَّلَبُ الْمُؤَدَّبُونَ مُحْتَرَمُونَ عِنْدَ الْمُعَلِّمِيْنَ.

۵- الشَّعْبُ الْعَالِمُ شَعْبٌ نَاجِحٌ.

جِوَارُ (فِي الصَّيْدَلِيَّةِ^١)

الصَّيْدَلِيُّ ^٢	أَلْحَاجُّ
<p>أَعْطِنِي^٣ الْوَرَقَةَ:</p> <p>مِحْرَارٌ، حُبُوبٌ مُسَكَّنَةٌ لِلصُّدَاعِ، حُبُوبٌ مُهَدِّئَةٌ، كَبْسُولٌ أَمْبِيَسِيلِينِ، قُطْنٌ^٦ طَبِّيٌّ، مَرَهَمٌ^٧ لِحَسَّاسِيَّةِ الْجِلْدِ^٨ ... لَا بَأْسَ، لَكِنْ لَا أُعْطِيكَ أَمْبِيَسِيلِينِ.</p>	<p>عَفْوًا، مَا عِنْدِي وَصَفَةٌ وَأُرِيدُ هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ الْمَكْتُوبَةَ عَلَيَّ الْوَرَقَةَ.</p>
<p>لَا؛ عِنْدَنَا، وَلَكِنْ بَيْعُهَا بِدُونِ وَصَفَةٍ غَيْرِ مَسْمُوحٍ.</p>	<p>لِمَاذَا، أَمْ مَا عِنْدَكُمْ؟</p>
<p>لِمَنْ تَشْتَرِي هَذِهِ الْأَدْوِيَةَ؟</p>	<p>شُكْرًا جَزِيلًا، يَا حَضْرَةَ الصَّيْدَلِيِّ.</p>
<p>الشَّفَاءَ مِنَ اللَّهِ.</p>	<p>أَشْتَرِيهَا لِرُزْمَلَائِي فِي الْقَافِلَةِ.</p>



- ١- صَيْدَلِيَّةٌ: داروخانه ٢- صَيْدَلِيٌّ: داروخانه‌دار ٣- أَعْطِنِي: به من بده ٤- أَدْوِيَةٌ: داروها «مفرد: دواء»
٥- مِحْرَارٌ: دماسنج ٦- قُطْنٌ: پنبه ٧- مَرَهَمٌ: پماد ٨- جِلْدٌ: پوست

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنَ الْكَلِمَاتِ الْجَدِيدَةِ لِلدَّرْسِ، تُنَاسِبُ التَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- آلَةٌ لِلاطَّلَاعِ عَلَى دَرَجَةِ حَرَارَةِ الْجِسْمِ وَ الْجَوِّ.
- ٢- يَوْمُ الْاِسْتِرَاحَةِ لِلْمَوْظَفِينَ وَ الْعُمَالِ وَالطُّلَابِ.
- ٣- مَنطَقَةٌ بَرِّيَّةٌ بِجِوَارِ الْبِحَارِ وَ الْمُحِيطَاتِ.
- ٤- إِدَارَةٌ لِتَسْلِيمِ الرِّسَائِلِ وَ اسْتِلَامِهَا.
- ٥- نَبَاتٌ يُعْطَى ثَمَرًا أَبْيَضَ اللَّوْنِ.
- ٦- مَكَانٌ لِبَيْعِ الْأَدْوِيَةِ.

التَّمرينُ الثَّانِي: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

- تُرَاثٌ / قُبَّةٌ / جِلْدِيٌّ / رَائِعَةٌ / السِّيَاحِيُّ / الرِّيفِ / الْحَلَوِيَّاتُ
- ١- كَانَ لِصَدِيقِي^١ مَرَضٌ فَذَهَبَ إِلَى الْمُسْتَشْفَى.
 - ٢- قَرَأْتُ قَصِيدَةً لِأَمِيرِ الشُّعْرَاءِ أَحْمَدَ شَوْقِي.
 - ٣- جَلَسْنَا تَحْتَ شَاهِ شِرَاغِ عليه السلام فِي مَدِينَةِ شِيرَازِ.
 - ٤- إِنَّ كُرْدِسْتَانَ مِنْ مَنَاطِقِ الْجَذِبِ فِي إِيرَانَ.
 - ٥- أَلْعَيْشُ فِي جَمِيلٌ جَدًّا.

١- كَانَ لـ : دَاشَت

التَّمرينُ الثالثُ: ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- رأينا من أمريكا الوسطى في المتحف. سائحان سائحين
- ٢- ساعدت المرأة التي تصادمت بالسيارة. الممرضتان الممرضتين
- ٣- حزن في قلوبهم لا في وجوههم. المؤمنون المؤمنين
- ٤- وقفنا في بداية الساحة الأولى. الشرطيان الشرطيين
- ٥- حضروا في مهرجان المدرسة. المعلمون المعلمين
- ٦- نزل من طائراتهم الحربية. الطيارون الطيارين

التَّمرينُ الرابعُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الْمُعْرَبَةَ.

- ١- سعيدٌ أنا هو كُمْ
- ٢- هذا هؤلاء الله ذلك
- ٣- هي أنت نحن صحيفة
- ٤- يريد أولئك تلك هذه
- ٥- هل فسق أين متى

أَتَمِّرِينُ الْخَامِسُ: أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلَوَّنَةَ.

١- ﴿هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَانِ إِلَّا الْإِحْسَانُ﴾ الرَّحْمَنُ: ٦٠

٢- خَيْرُ النَّاسِ مَنْ نَفَعَ النَّاسِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- جَمَالَ الْعِلْمِ نَشْرُهُ وَتَمَرَّتُهُ الْعَمَلُ بِهِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٤- أَلَدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٥- اسْتَخْرَجَ الْفَلَّاحُونَ مَاءً مِنْ بئرِ الْقَرْيَةِ.

٦- أَلْعَقْلُ السَّلِيمُ فِي الْجِسْمِ السَّلِيمِ.





الدَّرْسُ السَّابِعُ



﴿هُوَ أَنْشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ هود: ٦١

او شما را از زمین پدیدآورد و خواستار آباد کردن آن از شما شد.

صِنَاعَةُ النَّفْطِ

كَيْفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفْطِ؟

يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ وَ هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا، لِأَنَّ الْحَفْرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصُّخُورِ.

فِي إِيرَانَ ثُرَوَاتٌ كَثِيرَةٌ فِي بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ بِلَادُنَا غَنِيَّةٌ بِالنَّفْطِ وَالْغَازِ وَ هِيَ تُصَدَّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ. عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الْأَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ. يَحْفَرُ الْعُمَالُ بئْرًا وَ يَضَعُونَ أَنْبُوبًا فِيهَا، فَيَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ، وَ يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِحَنْفِيَّاتٍ.

نَقَلَ النَّفْطَ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ أَقْلَ خَطَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ نَقْلِهِ بِنَاقِلَاتِ النَّفْطِ؛ وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ عَبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ، تُسْتَخْدَمُ آلَاتٌ لِتَقْلِيلِ الضَّغْطِ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبُوبُ سَالِمَةً. لِإِيرَانَ تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبُوبِ وَ هِيَ مِنْ

أكبر الدول المُصدِّرة للنفط و أنجَحَها في مَدِّ خطوطِ الأنابيبِ و صيانتِها من أَمَاكِنِ الإنتاجِ إلى أَمَاكِنِ الإستهلاكِ.

على امتدادِ الأنابيبِ توجَدُ أعمدَةٌ اتِّصالاتٍ كَمَحَطَّاتِ إِنْذَارٍ، وَ لَوَحَاتٍ تَحذِيرِيَّةٍ بِاللُّونِ الأصْفَرِ تُحذِّرُ المُواطنينَ مِنْ حَفْرِ الأَرْضِ لِبناءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرَاعَةِ؛ وَ يَجِبُ على كُلِّ مُواطنٍ صيانَةُ هَذِهِ الأنابيبِ وَ الاتِّصالِ بِالشَّرِكَةِ عِنْدَ مُشاهدَةِ الخَطَرِ.

نَحْصُلُ مِنَ النِّفْطِ على مُشتَقَّاتٍ كَثيرةٍ كَالْبِنزِينِ وَ الزُّيُوتِ؛ وَ لِلنِّفْطِ اسْتِعْمَالٌ آخَرَ فِي الصَّنَاعَةِ، فَيُصَنَعُ مِنْهُ المَطَّاطُ وَ العُطُورُ وَ الأدويةُ

وَ مُبيداتُ الحَشَرَاتِ، وَ مَوادُّ التَّجْمِيلِ وَ مَعجونُ

الأسنانِ وَ السَّمادُ الكيمياوِيُّ وَ غَيْرُها.

كَيْفَ يُنْقَلُ النِّفْطُ وَ إلى أَيْنَ؟

يُنْقَلُ النِّفْطُ مِنَ الأَبَارِ أَوْ المَوَانِي إلى

المَصافي عِبْرَ الأنابيبِ.

ثُمَّ تَنْقَلُ الناقِلاتُ مُشتَقَّاتِ النِّفْطِ مِنَ

المَصافي إلى مَحَطَّاتِ الوُقُودِ فِي البِلادِ.



آبار	چاه‌ها «مفرد: بئر»	بناء	ساختن، ساختمان	مُصَدَّرَةٌ	صادرکننده
اتصالات	مخابرات	تَحذِيرِيَّةٌ	هشدار آمیز	مَطَاطٌ	پلاستیک، کائوچو
اتصال	تماس گرفتن	سَمَادٌ	کود	مُنْحَدَرٌ	سرازیری
استعمَر	خواستار آباد کردن شد	صَدَّرَ	صادر کرد	مَوَادُّ التَّجْمِيلِ	مواد آرایشی
استغرَقَ وَقْتًا طَوِيلًا	وقتی طولانی گرفت	صُخُورٌ	صخره‌ها	مَوَانِي	بندرها «مفرد: میناء»
استهلاك	مصرف	صِيَانَةٌ	نگهداری، تعمیر	نَاقِلَاتُ النَّفْطِ	نفتکش‌ها
أَقْلُ خَطَرًا	کم خطرتر، کم خطرترین	عَبْرَ	از راه	وَقُودٌ	سوخت (مواد سوختی)
أنبوب	لوله «جمع: أنابيب»	غاز	گاز	يَجِبُ	واجب است، باید
أنجح	موفق‌تر، موفق‌ترین	مُبِيدَةٌ الْحَشْرَاتِ	حشره کش	يَضَعُونَ	قرار می‌دهند «وَضَعُ: قرار داد/ يَضَعُ: قرار می‌دهد»
إنذار	هشدار	مَحَطَّةٌ	ایستگاه	يُفْتَحُ	باز می‌شود
أنشأ	پدیدآورد، آفرید	مُدَّ حُطُوطِ الأنابيبِ	کشیدن خطوط لوله	يُعْلَقُ	بسته می‌شود
بلدان	کشورها «مفرد: بلد»	مَصَافِي	پالایشگاه‌ها «مفرد: مَصْفَى»	يُنْقَلُ	منتقل می‌شود

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



۱- لِبِلَادِنَا تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ.

۲- يَسْتَفِيدُ الْإِنْسَانُ مِنَ النَّفْطِ فِي صِنَاعَةِ مَوَادِّ التَّجْمِيلِ.

۳- عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْبَابِ، لَا تَوْجَدُ أَعْمِدَةُ اتِّصَالَاتِ.

۴- يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْبَيْرِ إِلَى مِينَاءِ التَّصْدِيرِ.

۵- نَقَلَ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبَابِ، أَكْثَرُ خَطَرًا.

اعلموا

الفعل المجهول

در زبان فارسی برای مجهول کردن فعل، از مشتقات مصدر «شدن» استفاده می‌شود؛ مثال:

زده شد / می‌زند: زده می‌شود / دید: دیده شد / می‌بیند: دیده می‌شود

در جمله دارای فعل معلوم، فاعل معلوم است؛ ولی در جمله دارای فعل مجهول، فاعل ناشناس می‌باشد؛ یعنی حذف شده است.



در جمله «نگهبان در را گشود.» می‌دانیم فاعل نگهبان است؛

ولی در جمله «در گشوده شد.» فاعل نامشخص است.

اکنون با فعل مجهول در دستور زبان عربی آشنا شویم.

(عَسَلَ: شُست ← عَسَلَ: شسته شد / خَلَقَ: آفرید ← خَلَقَ: آفریده شد)

(يَعْسَلُ: می‌شوید ← يَغْسَلُ: شسته می‌شود / يَخْلُقُ: می‌آفریند ← يَخْلُقُ: آفریده می‌شود)

در دستور زبان عربی هنگام مجهول شدن فعل، حرکت‌های آن تغییر می‌کند.

كَتَبَ: نوشت	كَتَبَ: نوشته شد	يَكْتُبُ: می‌نویسد	يُكْتَبُ: نوشته می‌شود
ضَرَبَ: زد	ضَرَبَ: زده شد	يَضْرِبُ: می‌زند	يُضْرَبُ: زده می‌شود
عَرَفَ: شناساند	عَرَفَ: شناسانده شد	يُعْرِفُ: می‌شناساند	يُعْرَفُ: شناسانده می‌شود
أَنْزَلَ: فرو فرستاد	أَنْزَلَ: فرو فرستاده شد	يُنْزِلُ: فرو می‌فرستد	يُنْزَلُ: فرو فرستاده می‌شود
اسْتَحْدَمَ: به کار گرفت	اسْتَحْدَمَ: به کار گرفته شد	يَسْتَحْدِمُ: به کار می‌گیرد	يُسْتَحْدَمُ: به کار گرفته می‌شود

تفاوت حرکت فعل معلوم و فعل مجهول را در مثال‌های بالا بیابید.



بعد از فعل مجهول «نایب فاعل^۱» می‌آید. نایب فاعل مانند فاعل، مرفوع است؛ فقط فعل‌های متعدی، مجهول می‌شوند.

﴿... سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ﴾ الزُّخْرُف: ۱۹

نایب فاعل و مرفوع

...گواهی آنها نوشته خواهد شد و [از آن] پرسیده خواهند شد.

﴿يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ﴾ الرَّحْمَن: ۵۵

نایب فاعل و مرفوع به واو

تبهکاران از چهره‌شان شناخته می‌شوند.

مَا عُمِّرَتِ الْبُلْدَانُ بِمِثْلِ الْعَدْلِ. الْإِمَامُ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

نایب فاعل و مرفوع به ضمّه

با هیچ چیز مانند عدل، شهرها آباد نشده است.

يُفْتَحُ بَابُ صَالَةِ الْإِمْتِحَانِ لِلطُّلَابِ.

نایب فاعل و مرفوع

در سالنِ امتحان برای دانش‌آموزان گشوده می‌شود.

۱- نایب فاعل همانند فاعل فقط به صورت یک اسم ظاهر در کتاب تدریس شده است.

اِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: أَكْمِلْ^۱ تَرْجَمَةَ الْعِبَارَاتِ التَّالِيَةِ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلُونَةَ.

۱- ﴿شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ﴾ الْبَقَرَةُ: ۱۸۵

ماه رمضان که در آن قرآن

۲- ﴿وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ﴾ الْأَعْرَاف: ۲۰۴

و هرگاه قرآن به آن گوش فرا دارید.

۳- مَا عُبِدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ أَدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ

خداوند به چیزی برتر از به جای آوردن حق مؤمن

۴- تُعْرَفُ الْأَشْيَاءُ بِأَضْدَادِهَا.

چیزها به کمک متضادهایشان

۵- أَغْلَقَ السَّائِقُ بَابَ حَافِلَةِ الْمَدْرَسَةِ.

راننده در اتوبوس مدرسه را

۶- طَبَخَتْ وَالِدَةٌ سَعِيدٍ طَعَامًا لَذِيذًا.

مادر سعید، خوراک خوشمزه‌ای



۱- أَكْمِلْ: کامل کن ۲- اسْتَمِعُوا: گوش فرا دهید

حوار (مَعَ مَسْؤُولِ اسْتِقبالِ الْفُنْدُقِ)

مَسْؤُولِ الْإِسْتِقبالِ	الْسَائِحِ
ما هو رَقْمُ عُرْفَتِكَ؟	رَجاءً، أَعْطِنِي مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.
تَفَضَّلْ.	مِئْتَانِ وَ عِشْرُونَ.
أَعْتَدِرُ مِنْكَ؛ أَعْطَيْتُكَ ثَلَاثِمِئَةً وَ ثَلَاثِينَ.	عَفْوًا، لَيْسَ هَذَا مِفْتَاحَ عُرْفَتِي.
مِنَ السَّادِسَةِ صَباحاً إِلَى الثَّانِيَةِ بَعْدَ الظُّهرِ؛ ثُمَّ يَأْتِي زَمِيلِي بَعْدِي.	لا بَأْسَ، يا حَبِيبِي. ما هِيَ سَاعَةُ دَوامِكَ؟ ^٢
الْفَطُورُ مِنَ السَّابِعَةِ وَ النِّصْفِ حَتَّى ^٤ الثَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعاً؛ الْعَدَاءُ مِنَ الثَّانِيَةِ عَشْرَةَ حَتَّى الثَّانِيَةِ وَ الرَّبْعِ؛ الْعِشَاءُ مِنَ السَّابِعَةِ حَتَّى الثَّاسِعَةِ إِلَّا رُبْعاً.	مَتَى مَواعِدُ ^٣ الْفَطُورِ وَ الْعَدَاءِ وَ الْعِشَاءِ؟
شايٌّ وَ خُبْزٌ وَ جُبْنَةٌ ^٥ وَ زُبْدَةٌ ^٦ وَ حَلِيبٌ وَ مَرْبَى الْمِشْمِشِ ^٧ .	وَ ما هُوَ طَعَامُ الْفَطُورِ؟
رُزٌّ مَعَ دِجَاجٍ ^٨ .	وَ ما هُوَ طَعَامُ الْعَدَاءِ؟
رُزٌّ مَعَ مَرَقٍ ^٩ بِادِنْجانٍ.	وَ ما هُوَ طَعَامُ الْعِشَاءِ؟
لا شُكْرَ عَلَيَّ الْوَأَجِبِ.	أَشْكُرُكَ.



- ١- مَسْؤُولِ الْإِسْتِقبالِ: مسئول پذیرش
٢- دَوام: ساعت کار
٣- مَواعِد: وقت‌ها
٤- حَتَّى: تا
٥- جُبْنَةٌ: پنیر
٦- زُبْدَةٌ: کره
٧- مَرْبَى الْمِشْمِشِ: مربای زردآلو
٨- دِجَاج: مرغ
٩- مَرَق: خورش

التَّمرينُ الأوَّلُ: أَيُّ كَلِمَةٍ مِنْ كَلِمَاتِ الْمُعْجَمِ، تُنَاسِبُ التَّوضِيحَاتِ التَّالِيَةَ؟

- ١- مَكَانٌ عَلَى سَاحِلِ الْبَحْرِ تُشَاهِدُ السُّفْنَ^١ إِلَى جَنْبِهِ.
.....
- ٢- حُفْرَةٌ عَمِيقَةٌ يُسْتَخْرَجُ الْمَاءُ أَوْ النَّفْطُ مِنْهَا.
.....
- ٣- مَادَّةٌ كَالْبَنْزِينِ وَ النَّفْطِ وَ الْغَازِ.
.....
- ٤- الْأَسْتِعْمَالُ وَ الْأِسْتِفَادَةُ.
.....
- ٥- الْحِفَاظُ عَلَى الْأَشْيَاءِ.
.....

التَّمرينُ الثَّانِي: صَعِّ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً مِنَ الْكَلِمَاتِ التَّالِيَةِ. «كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ»

إِسْتِهْلَاكِ / سَمَادٍ / سَائِلٍ / تَنْقُلُ / تَسْتَغْرِقُ / سُفْنٍ / الْمَحْطَّةِ

- ١- وَقَفَّتِ الْحَافِلَةُ فِي حَتَّى يَذَهَبَ الْمُسَافِرُونَ إِلَى دَوَارِ الْمِيَاهِ.
- ٢- كَم سَاعَةً السَّفْرَةُ مِنْ مَكَّةَ إِلَى الْمَدِينَةِ الْمُتَوَّرَةِ؟
- ٣- السَّيَّارَةُ أَحْشَابًا مِنَ الْغَابَةِ إِلَى مَصْنَعِ الْوَرَقِ.
- ٤- صُنِعَ جِهَازٌ^٢ لِتَقْلِيلِ الْكَهْرَبَاءِ فِي الْحَاسِبِ.
- ٥- النَّفْطُ أَسْوَدُ تُصْنَعُ أَشْيَاءٌ كَثِيرَةٌ مِنْهُ.

١- سُفْنٌ: كَشْتَى هَا «مَفْرَدٌ: سَفِينَةٌ» ٢- جِهَازٌ: دَسْتِغَاهُ

التَّمرينُ الثَّالثُ: ضَعْ فِي الْفَرَاغِ فِعْلاً مُنَاسِباً.

- ١- اللَّوْحَاتُ التَّحذِيرِيَّةُ الْمُوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ. يُحَذِّرُ تَحَذَّرُ
- ٢- صَدِيقِي صُورَةً خَلَابَةً عَلَى جِدَارِ الْمَدْرَسَةِ. يَرَسُمُ يُرَسِّمُ
- ٣- صَوْتُ قَوِيٍّ مِنْ بَعِيدٍ، فَخَافَ الْجَمِيعُ. سَمِعَ سُمِعَ
- ٤- النَّفْطُ عَبْرَ النَّاقِلَاتِ إِلَى الْمَصَافِي. يَنْقُلُ يُنْقَلُ
- ٥- الطَّبَّاحُ طَعَاماً طَيِّباً فِي الْمَطْعَمِ. يَطْبُخُ يُطْبَخُ
- ٦- حَلَوِيَّاتٌ لَذِيذَةٌ فِي مَدِينَةِ يَزِدَ. يَصْنَعُ تُصْنَعُ

التَّمرينُ الرَّابِعُ: اُكْتُبْ مُفْرَدَ الْأَسْمَاءِ التَّالِيَةِ، مُسْتَعِيناً بِمُعْجَمِ الدَّرْسِ.

.....	مَوَائِي:	آبَار:
.....	سُقُن:	صُخُور:
.....	مَوَادِّ:	مَصَافِي:
.....	دُول:	أَدْوِيَّة:
.....	أَنَابِيِب:	خُطُوط:
.....	بُلْدَان:	مَوَاعِد:

الْتَمْرِينُ الْخَامِسُ: عَيِّنِ الْكَلِمَةَ الَّتِي لَا تُنَاسِبُ الْكَلِمَاتِ الْآخَرَى فِي الْمَعْنَى
مَعَ بَيَانِ السَّبَبِ.

١- وَقُود غَاز نِفْط حَرْب

٢- نَاقِلَةٌ ثَامِنَةٌ طَائِرَةٌ حَافِلَةٌ

٣- سَمَاد مَحْطَّةٌ سَاحَةٌ مَطَار

٤- زُبْدَةٌ جُبْنَةٌ تَقَاعُدٌ حَلِيب

٥- دَجَاجَةٌ حَمَامَةٌ بَوْمَةٌ نَفَقَةٌ

٦- أَحْمَرٌ أَحْسَنٌ أَرْزَقٌ أَصْفَرٌ

٧- مَوَائِئٌ أَنْبُوبٌ بُلْدَانٌ مُدُنٌ

٨- صُخُورٌ كُهُوفٌ إِنْذَارٌ آبَارٌ



اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اَكْتُبْ آيَةً اَوْ حَدِيثًا اَوْ شِعْرًا اَوْ كَلَامًا جَمِيلاً مُرْتَبِطًا بِمَفْهُومِ الدَّرْسِ.
(لِلْاِشَارَةِ اِلَى النِّعَمِ الْاِلَهِيَّةِ)



مَنْجَمُ الْفَحْمِ ' فِي مَحَافِظَةِ كَرْمَانَ

١- مَنْجَمُ الْفَحْمِ: مَعْدَن زَغَالَسَنَگ



الدَّرْسُ الثَّامِنُ



أَنْتَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ عَظَمْتُكَ، وَفِي الْأَرْضِ
قُدْرَتُكَ، وَفِي الْبِحَارِ عَجَائِبُكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
تو کسی هستی که بزرگی‌ات در آسمان و توانمندی‌ات در زمین و
شگفتی‌هایت در دریاهاست.

يَا مَنْ فِي الْبِحَارِ عَجَائِبُهُ مِنْ دُعَاءِ الْجَوْشَنِ الْكَبِيرِ

يُشَاهِدُ أَعْضَاءَ الْأُسْرَةِ فَلِمَا رَائِعاً عَنِ الدُّلْفِينِ الَّذِي أَنْقَذَ إِنْسَاناً مِنَ الْغَرَقِ، وَ
أَوْصَلَهُ إِلَى الشَّاطِئِ.

حامدٌ: لا أَصَدِّقُ؛ هَذَا أَمْرٌ عَجِيبٌ. يُحَيِّرُنِي جِداً.

الأبُّ: يا وَلَدِي، لَيْسَ عَجِيباً، لِأَنَّ الدُّلْفِينَ صَدِيقَ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.

صَادِقٌ: تَصَدِيقُهُ صَعْبٌ! يَا أَبِي، عَرَّفْنَا عَلَى هَذَا الصَّدِيقِ.

الأبُّ: لَهُ ذَاكِرَةٌ قَوِيَّةٌ، وَ سَمْعُهُ يَفُوقُ سَمْعَ الْإِنْسَانِ عَشْرَ مَرَّاتٍ، وَ وَزْنُهُ

يَبْلُغُ ضِعْفِي وَزَنِ الْإِنْسَانِ تَقْرِيباً، وَ هُوَ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.

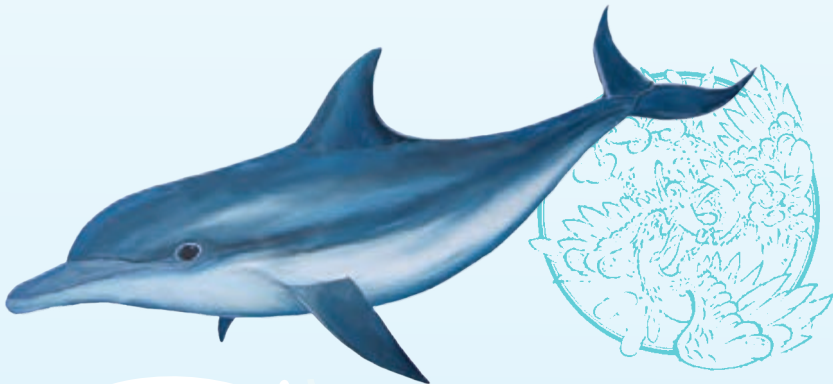
نورا: إِنَّهُ حَيَوَانٌ ذَكِيٌّ يُحِبُّ مُسَاعَدَةَ الْإِنْسَانِ! أَلَيْسَ كَذَلِكَ؟

الأبُّ: بلى؛ بِالتَّأَكِيدِ، تَسْتَطِيعُ الدَّلَّافِينُ أَنْ تُرْشِدَنَا إِلَى مَكَانِ سُقُوطِ طَائِرَةٍ

أَوْ مَكَانِ غَرَقِ سَفِينَةٍ.

الأمُّ: نُؤَدِّي الدَّلَّافِينُ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السَّلْمِ، وَ تَكْشِفُ مَا تَحْتَ

الْمَاءِ مِنْ عَجَائِبٍ وَ أَسْرَارٍ، وَ تُسَاعِدُ الْإِنْسَانَ عَلَى اِكْتِشَافِ أَمَاكِنِ تَجْمَعِ الْأَسْمَاكِ.



صَادِقٌ: رَأَيْتُ الدَّلَافِينَ تُؤَدِّي حَرَكَاتٍ جَمَاعِيَّةً؛ فَهَلْ تَتَكَلَّمُ مَعَا؟
الْأُمُّ: نَعَمْ؛ قَرَأْتُ فِي مَوْسُوعَةٍ عِلْمِيَّةٍ أَنَّ الْعُلَمَاءَ يُؤَكِّدُونَ أَنَّ الدَّلَافِينَ
تَسْتَطِيعُ أَنْ تَتَكَلَّمَ بِاسْتِخْدَامِ أَصْوَاتٍ مُعَيَّنَةٍ، وَ أَنَّهَا تُغْنِي كَالطَّيُورِ، وَ تَبْكِي
كَالْأَطْفَالِ، وَ تَصْفِرُ وَ تَضْحَكُ كَالْإِنْسَانِ.

نورا: هَلْ لِلدَّلَافِينَ أَعْدَاءٌ؟

الْأَبُّ: بِالتَّأَكِيدِ، تَحَسَّبُ الدَّلَافِينَ سَمَكَ الْقِرْشِ عَدَوًّا لَهَا، فَإِذَا وَقَعَ نَظَرُهَا
عَلَى سَمَكَةِ الْقِرْشِ، تَتَجَمَّعُ بِسُرْعَةٍ حَوْلَهَا، وَ تَضْرِبُهَا بِأَنْوْفِهَا الْحَادَّةِ وَ تَقْتُلُهَا.
نورا: وَ هَلْ يُحِبُّ الدُّلْفِينُ الْإِنْسَانَ حَقًّا؟

الْأَبُّ: نَعَمْ؛ تَعَالَى نَقْرًا هَذَا الْخَبَرَ فِي الْإِنْتَرِنْتِ: ... سَحَبَ تَيَّارُ الْمَاءِ رَجُلًا
إِلَى الْأَعْمَاقِ بِشِدَّةٍ، وَ بَعْدَ نَجَاتِهِ قَالَ الرَّجُلُ: رَفَعَنِي شَيْءٌ بَغْتَةً إِلَى الْأَعْلَى بِقُوَّةٍ،
ثُمَّ أَخَذَنِي إِلَى الشَّاطِئِ وَ لَمَّا عَزَمْتُ أَنْ أَشْكُرَ مُنْقِذِي، مَا وَجَدْتُ أَحَدًا، وَلَكِنِّي رَأَيْتُ
دُلْفِينًا كَبِيرًا يَقْفِزُ قُرْبِي فِي الْمَاءِ بِفَرَحٍ.

الْأُمُّ: إِنَّ الْبَحْرَ وَ الْأَسْمَاكَ نِعْمَةٌ عَظِيمَةٌ مِنَ اللَّهِ.

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ:

النَّظَرُ فِي ثَلَاثَةِ أَشْيَاءَ عِبَادَةٍ:

النَّظَرُ فِي الْمُصْحَفِ،

وَ النَّظَرُ فِي وَجْهِ الْوَالِدَيْنِ،

وَ النَّظَرُ فِي الْبَحْرِ.

ايفا کرد، منجر شد	بَلَى	آری	طُبُور	پرندگان «مفرد: طَير»
راهنمایی کرد	تَجَمَّعَ	جمع شد	عَرَفَ	معرفی کرد
شیر داد	جَمَاعِي	گروهی	عَزَمَ	تصمیم گرفت
بالا، بالاتر	حَادَ	تیز	عَتَى	آواز خواند
بینی‌ها «مفرد: أَنْف»	دَوَّرَ	نقش	قَفَّرَ	پرید، جهید
رسانید	ذَاكِرَة	حافظه	لَبَوْنَة	پستاندار
دریاها «مفرد: بَحْر»	سَمَكُ الْقَرَشِ	کوسه ماهی	كَذَلِكَ	همین‌طور
گریه کرد	صَفَرَ	سوت زد	مُنْقِذ	نجات‌دهنده
رسید	ضَعَفَ	برابر در مقدار «ضَعْفَيْنِ: دو برابر»	مَوْسُوعَة	دانشنامه

عَيْنِ الصَّحِيحِ وَ الْخَطَا حَسَبَ نَصِّ الدَّرْسِ.



١- الدَّلْفَيْنُ مِنَ الْحَيَوَانَاتِ اللَّبُونَةِ الَّتِي تُرَضِعُ صِغَارَهَا.

٢- يُودِّي سَمَكُ الْقَرَشِ دَوْرًا مُهِمًّا فِي الْحَرْبِ وَ السُّلْمِ.

٣- سَمِعَ الْإِنْسَانُ يَفُوقُ سَمْعَ الدَّلْفَيْنِ عَشْرَ مَرَّاتٍ.

٤- سَمَكُ الْقَرَشِ صَدِيقُ الْإِنْسَانِ فِي الْبِحَارِ.

٥- سَمَكُ الْقَرَشِ عَدُوُّ الدَّلَّافِينَ.

٦- لِلدَّلَّافِينَ أَنْوْفٌ حَادَّةٌ.

اعلموا

الْجَارُ وَالْمَجْرُورُ

به حروف « مِنْ ، فِي ، إِلَى ، عَلَى ، بِ ، لِ ، عَنْ ، ك ... » در دستور زبان عربی «حروف جر» می‌گویند. این حروف به همراه کلمه بعد از خودشان معنای جمله را کامل‌تر می‌کنند. مثال: مِنْ قَرِيْبَةٍ ، فِي الْغَابَةِ ، إِلَى الْمُسْلِمِيْنَ ، عَلَى الْوَالِدِيْنَ ، بِالْحَافِلَةِ ، لِلَّهِ ، عَنْ نَفْسِهِ ، كَجَبَلٍ

به حرف جر، «جَارٌ» و به اسم بعد از آن «مَجْرُورٌ» و به این دو «جَارٌ و مَجْرُورٌ» می‌گویند.

سَلَامَةُ الْعَيْشِ ، فِي الْمُدَارَاةِ . أَمِيرُ الْمُؤْمِنِيْنَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

مَجْرُورٌ بِحَرْفِ جَرٍ

جَارٌ وَ مَجْرُورٌ

حَرْفِ جَرٍ

أَهْمُ مَعَانِي حُرُوفِ الْجَرِّ:

مِنْ

از

﴿... حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ﴾ آل عمران: ۹۲

تا اتفاق کنید از آنچه دوست می‌دارید. (مِمَّا = مِنْ + ما)

﴿... أَسَاوِرَ مِنْ فِضَّةٍ﴾ الْإِنْسَانِ : ۲۱

دستبندهایی از جنس نقره

مِنْ هُنَا إِلَى هُنَاكَ: از اینجا تا آنجا

فِي

در

﴿هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعاً﴾ الْبَقَرَةِ : ۲۹

او کسی است که همه آنچه را در زمین است برایتان آفرید.

النَّجَاةُ فِي الصِّدْقِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ رَهَابِيٌّ فِي رَاسْتَكُوْبِيٍّ اسْت.

إِلَى (إِلَى) به ، به سوی ، تا

﴿سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى﴾ (الْإِسْرَاءُ: ١)
پاک است کسی که بنده‌اش را در شبی از مسجد الحرام به سوی مسجد الاقصی حرکت داد.
﴿قَالَ كَمْ لَبِثْتُ^١ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالَ بَلْ لَبِثْتُ مِائَةً عَامٍ فَأَنْظِرْ إِلَيَّ طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ﴾ (الْبَقَرَةُ: ٢٥٩)

گفت: «چقدر درنگ کرده‌ای؟» گفت: «یک روز یا بخشی از یک روز درنگ کرده‌ام.»
گفت: «نه، بلکه صد سال درنگ کرده‌ای؛ به خوراکت و نوشیدنی‌ات بنگر.»
كَانَ الْفَلَّاحُ يَعْمَلُ فِي الْمَزْرَعَةِ مِنَ الصَّبَاحِ إِلَى اللَّيْلِ.
کشاورز از صبح تا شب در مزرعه کار می‌کرد.

عَلَى (عَلَى) بر، روی ، به زیان

النَّاسُ عَلَى دِينِ مُلُوكِهِمْ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ مردم بر دین پادشاهانشان هستند.
عَلَيْكُمْ بِمَكَارِمِ الْأَخْلَاقِ؛ فَإِنَّ رَبِّي بَعَثَنِي بِهَا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ
به صفات برتر اخلاقی پایبند باشید؛ زیرا پروردگارم مرا به خاطر آن فرستاده است.
الدَّهْرُ يَوْمَانِ؛ يَوْمٌ لَكَ وَيَوْمٌ عَلَيْكَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ
روزگار دو روز است؛ روزی به سودت و روزی به زیانت.
الْحَقِيقَةُ عَلَى الْمِنْصَدَةِ. كيف روی میز است.

بِ- به وسیله ، در

﴿اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ﴾ (الْعَلَقُ: ٣ و ٤)
بخوان و پروردگارت گرامی‌ترین است؛ همان که به وسیله قلم یاد داد.
﴿وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرٍ﴾ (آلْ عِمْرَانُ: ١٢٣) و خدا شما را در [جنگ] بدر یاری کرد.

١- كَمْ لَبِثْتُ؟ چقدر درنگ کرده‌ای؟ منظور این است که «چه مدتی در اینجا به سر برده‌ای؟».
٢- عَلَيْكُمْ اصطلاحی است که از معنای «جار و مجرور» خارج شده و معنای فعل یافته است.

لِـ برای ، از آنِ (مالِ) ، داشتن

﴿لَهُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ﴾ النساء: ۱۷۱

آنچه در آسمان‌ها و زمین است، از آنِ اوست.

﴿لِكُلِّ ذَنْبٍ تَوْبَةٌ إِلَّا سَوْءَ الْخُلُقِ﴾. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

هر گناهی جز بداخلاقی توبه دارد.

﴿لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ﴾ الكافرون: ۶

دین شما از آنِ خودتان و دین من از آنِ خودم.

لِمَاذَا رَجَعْتَ؟ - لِأَنِّي نَسِيتُ مِفْتَاحِي.

برای چه برگشتی؟ - برای اینکه کلیدم را فراموش کردم.

عَنْ از ، درباره

﴿وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ ...﴾ الشورى: ۲۵

او کسی است که توبه را از بندگانش می‌پذیرد و از بدی‌ها در می‌گذرد ...

﴿وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ ...﴾ البقرة: ۱۸۶

و هرگاه بندگانم از تو درباره من بپرسند، قطعاً من [به آنان] نزدیکم.

كَ مانند

فَضْلُ الْعَالِمِ عَلَى غَيْرِهِ كَفَضْلِ النَّبِيِّ عَلَى أُمَّتِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

برتری دانشمند بر غیر خود، مانند برتری پیامبر بر امت خود است.

إِخْتَبِرْ نَفْسَكَ: أَعْرَبِ الْكَلِمَاتِ الْمُلَوَّنَةَ.

١- الْعِلْمُ خَيْرٌ مِنَ الْمَالِ. الْعِلْمُ يَحْرُسُكَ وَأَنْتَ تَحْرُسُ الْمَالَ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

٢- شَرَفُ الْمَرْءِ بِالْعِلْمِ وَالْأَدَبِ لَا بِالْأَصْلِ وَالنَّسَبِ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

اسم ظاهر بعد از حروف جرّ، مجرور است. علامت جر (ـِ، ـَ، ـِ) در مفرد و در جمع مؤنث، یَین در جمع مذکر و یَین در مثنی است؛ مانند: الْكَاتِبِ، كَاتِبٍ، الْكَاتِبَاتِ، كَاتِبَاتٍ، الْكَاتِبِينَ، الْكَاتِبِينَ

ضَعُ فِي الْفَرَاغِ كَلِمَةً مُنَاسِبَةً.

- ١- الْعَرَبِيَّةُ مِنَ اللُّغَاتِ الرَّسْمِيَّةِ فِي الْأُمَّمِ الْمُتَّحِدَةِ. مُنَظَّمَةٌ مُنَظَّمَةٌ
- ٢- أَحَبُّ عِبَادِ اللَّهِ إِلَى أَنْفَعَهُمْ لِعِبَادِهِ. اللَّهُ اللَّهُ
- ٣- إِنِّي رَأَيْتُ دَهْرًا مِنْ كِ الْقِيَامَةِ. هَجْرٌ هَجْرٌ
- ٤- الْعَالِمُ بِلَا عَمَلٍ كَ بِلَا ثَمَرٍ. الشَّجَرِ الشَّجَرِ
- ٥- سَعِيدٌ قَسَمَ الْمَرْعَةَ إِلَى نِصْفَيْنِ نِصْفَانِ
- ٦- حُمْسُ سُكَّانِ الْعَالَمِ مِنْ الْمُسْلِمِينَ الْمُسْلِمُونَ

نونُ الْوَقَايَةِ

در متن درس با دو فعل «يُحَيِّرُنِي» و «أَخَذَنِي» رو به رو شدید.

يُحَيِّرُ + ن + ي: مرا حیران می کند أَخَذَ + ن + ي: مرا بُرد، مرا گرفت

وقتی که فعلی به ضمیر متکلم وحده «ي» وصل شود، «نون وقایه» بین فعل و ضمیر واقع می شود؛ مثال:

يَعْرِفُنِي: مرا می شناسد. ارْفَعُنِي: مرا بالا ببر.

هنگامی که دو حرف جرّ «مِنْ» و «عَنْ» نیز به ضمیر «ي» وصل شوند، نون وقایه میانشان می آید؛ مثال:

مِنْ + ي = مَنِي / عَنْ + ي = عَنِّي



اخْتَبِرْ نَفْسَكَ: تَرْجِمْ هَذِهِ الْجُمْلَةَ.

۱- ﴿رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ﴾ إبراهيم : ٤٠

۲- إِنَّ اللَّهَ أَمَرَنِي بِمُدَارَاةِ النَّاسِ كَمَا أَمَرَنِي بِإِقَامَةِ الْفَرَائِضِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

۳- اَللّٰهُمَّ اجْعَلْنِي شَكُورًا، وَاجْعَلْنِي صَبُورًا، وَاجْعَلْنِي فِي عَيْنِي صَغِيرًا وَفِي

أَعْيُنِ النَّاسِ كَبِيرًا. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

حوار (مَعَ مُشْرِفٍ^۱ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ)

مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ	السَّائِحُ
السَّيِّدُ دِمَشْقِيٌّ مُشْرِفٌ خَدَمَاتِ غُرَفِ الْفُنْدُقِ. مَا هِيَ الْمَشْكَلَةُ؟	عَفْوًا؛ مَنْ هُوَ مَسْؤُولُ تَنْظِيفِ ^۲ الْغُرْفِ وَ الْحِفَاطِ عَلَيْهَا؟
أَعْتَذِرُ مِنْكَ؛ رَجَاءً، إِسْتَرْخُ؛ سَأَتَّصِلُ ^۳ بِالْمُشْرِفِ.	لَيْسَتْ الْغُرْفُ نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصُ.
مَسْؤُولُ الْإِسْتِقْبَالِ يَتَّصِلُ بِالْمُشْرِفِ وَ يَأْتِي الْمُشْرِفَ مَعَ مُهَنْدِسِ الصِّيَانَةِ.	
السَّائِحُ	مُشْرِفُ خَدَمَاتِ الْفُنْدُقِ
لَيْسَتْ غُرْفَتِي وَ غُرْفُ زَمَلَائِي نَظِيفَةً، وَ فِيهَا نَوَاقِصُ.	مَا هِيَ الْمَشْكَلَةُ، يَا حَبِيبِي؟!
فِي الْغُرْفَةِ الْأُولَى سَرِيرٌ ^۴ مَكْسُورٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّانِيَةِ شَرَشَفٌ ^۵ نَاقِصٌ، وَ فِي الْغُرْفَةِ الثَّلَاثَةِ الْمُكَيِّفُ لَا يَعْمَلُ.	سَيَّاتِي عُمَالُ التَّنْظِيفِ، وَ مَا الْمَشْكَلَاتُ الْأُخْرَى؟
تَسَلَّمْ عَيْنُكَ! ^۷	نَعْتَذِرُ مِنْكُمْ. سَنُصَلِّحُ ^۶ كُلَّ شَيْءٍ بِسُرْعَةٍ؛ عَلَيَّ عَيْنِي.



۴- سَرِير: تخت

۳- أَتَّصِلُ: تماس می‌گیرم

۲- تَنْظِيف: پاکیزگی

۱- مُشْرِف: مدیر داخلی

۷- تَسَلَّمْ عَيْنُكَ: چشم‌ت سلامت باد

۶- نُصَلِّحُ: تعمیر می‌کنیم

۵- شَرَشَف: ملافه

التَّمارين



التَّمرينُ الأوَّلُ: عَيِّنِ الْجُمْلَةَ الصَّحِيحَةَ وَغَيْرِ الصَّحِيحَةَ حَسَبَ الْحَقِيقَةِ وَالْوَاقِعِ.

- ١- عِنْدَمَا يَنْقَطِعُ تَيَّارُ الْكَهْرَبَاءِ فِي اللَّيْلِ، يَغْرُقُ كُلُّ مَكَانٍ فِي الظَّلَامِ.
- ٢- الطَّاوُوسُ مِنَ الطُّيُورِ الْمَائِيَّةِ يَعِيشُ فَوْقَ جِبَالٍ ثَلْجِيَّةٍ.
- ٣- الْمَوْسُوعَةُ مُعْجَمٌ صَغِيرٌ جِدًّا يَجْمَعُ قَلِيلاً مِنَ الْعُلُومِ.
- ٤- الْأَنْفُ عَضُو التَّنْفُوسِ وَ الشَّمُّ!
- ٥- الْحَفَّاشُ طَائِرٌ مِنَ اللَّبُونَاتِ.



التَّمرينُ الثَّانِي: عَيِّنِ الْكَلِمَاتِ الْمُتَرَادِفَةَ وَ الْمُتَضَادَّةَ.

سَاحِل	بَعُدَ	ضَوْء	أَقَلَّ	كِبَار	بَكَى	أَرْسَلَ	شَاطِئُ	صِغَار	بَعَثَ
سَتَرَ	اسْتَلَمَ	كَنَمَ	فَجَاءَهُ	دَفَعَ	قَرَّبَ	بَغْتَةً	أَكْثَرَ	ظِلَام	صَحِكَ

..... = =
..... = =
..... ≠ ≠
..... ≠ ≠
..... ≠ ≠

١- شَمُّ: بويابى

التَّمْرِينُ الثَّلَاثُ: تَرْجِمِ الْآيَاتِ وَالْحَدِيثَيْنِ، ثُمَّ صَعِّ خَطًّا تَحْتَ الْجَارِّ وَالْمَجْرُورِ،
وَادْكُرْ عِلَامَةَ الْجَرِّ.

١- ﴿وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِنَ الصَّالِحِينَ﴾ الأنبياء: ٨٦

٢- ﴿وَأَدْخَلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ﴾ التَّمَل: ١٩

٣- ﴿وَأَنْصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ﴾ آل عمران: ١٤٧

٤- ﴿وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ﴾ الرُّوم: ٢٠

٥- أَدَبُ الْمَرْءِ خَيْرٌ مِنْ ذَهَبِهِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٦- الْعِطْرُ مِنْ سُنَنِ الْمُرْسَلِينَ. الْإِمَامُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ



الْتَمْرِينُ الرَّابِعُ: تَرْجِمْ كَلِمَاتِ الْجَدْوَلِ الْمُتَقَاطِعِ، ثُمَّ اكْتُبْ رَمَزَهُ. (كَلِمَتَانِ زَائِدَتَانِ)

يَبْلُغَنَّ / صِغَارٍ / ذَاكِرَةٌ / عَفَا / بَكَى / مُنْقِذٌ / مَرَقٌ / أَوْصَلَ / صَفَرُوا / غَنَيْتُمْ / سَمِعَ / طُيُورٌ / حَادَّةٌ / دَوَّرَ /
لَبَوْنَةٌ / كَذَلِكُ / جَمَارِكُ / زُبُوتٌ / سَمِينَا / ظَاهِرَةٌ / أَمَطَرَ / حَمِيمٌ / ثُلُوجٌ / سَوَارٌ / رَائِحٌ

رمز ↓

<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	کوچک‌ها	۱
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	این‌طور	۲
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	تیز	۳
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پدیده	۴
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	سوت زدند	۵
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	روغن‌ها	۶
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نقش	۷
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	شنوایی	۸
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	جالب	۹
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نجات‌دهنده	۱۰
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	نامیدیم	۱۱
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	دستبند	۱۲
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گرم و صمیمی	۱۳
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	برف‌ها	۱۴
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	حافظه	۱۵
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پستاندار	۱۶
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	پرندگان	۱۷
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	رسانید	۱۸
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	باران بارید	۱۹
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	بخشید	۲۰
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	می‌رسند	۲۱
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	آواز خواندید	۲۲
<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	<input type="checkbox"/>	گریه کرد	۲۳



قال أمير المؤمنين عليؑ:

التَّمْرِينُ الْخَامِسُ: تَرْجِمِ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلَوَّنَةَ.

١- ذِكْرُ اللَّهِ شِفَاءُ الْقُلُوبِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٢- آفَةُ الْعِلْمِ النِّسيَانُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- الْجَلِيسُ الصَّالِحُ خَيْرٌ مِنَ الْوَحْدَةِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- الْوَحْدَةُ خَيْرٌ مِنْ جَلِيسِ السَّوِّءِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- لِسَانُ الْمُقْصِرِ قَصِيرٌ. أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ

التَّمْرِينُ السَّادِسُ: تَرْجِمِ الْآيَةَ وَ الْأَحَادِيثَ، ثُمَّ أَعْرِبِ الْكَلِمَاتِ الْمَلَوَّنَةَ.

١- ﴿وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَا لَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا﴾ النَّبَأُ: ٤٠

٢- مُجَالَسَةُ الْعُلَمَاءِ عِبَادَةٌ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٣- حُسْنُ السُّؤَالِ نِصْفُ الْعِلْمِ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٤- الْعَالِمُ بِلا عَمَلٍ كَالشَّجَرِ بِلا ثَمَرٍ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

٥- إِذَا مَاتَ الْإِنْسَانُ انْقَطَعَ عَمَلُهُ إِلَّا مِنْ ثَلَاثٍ:

صَدَقَةٌ جَارِيَةٌ، أَوْ عِلْمٌ يُنْتَفَعُ بِهِ، أَوْ وَلَدٌ صَالِحٌ يَدْعُو لَهُ. رَسُولُ اللَّهِ ﷺ

اَلْبَحْثُ الْعِلْمِيُّ

اِيْحَتْ عَنْ آيَاتٍ أَوْ أَحَادِيثٍ أَوْ أَمْثَالٍ لَهَا مُعَادِلٌ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ، كَالْأَمْثَلَةِ الثَّلَاثِيَّةِ.

﴿وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ﴾ (البقرة: ۱۱۰)

برگ عیشی به گور خویش فرست کس نیارد ز پس، تو پیش فرست (سعدی شیرازی)

﴿وَجَزَاءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ﴾ (الشورى: ۴۰)

بلی صامت سزای جنگ، جنگ است گلوخ انداز را پاداش سنگ است (صامت بروجردی)

﴿فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ﴾ (آل عمران: ۱۰۹)

گفت پیغمبر به آواز بلند با توکل زانوی اُشتر ببند (مولوی)



أَيُّهَا الرُّمَلَاءُ ؛
إِلَى اللِّقَاءِ ،
نَنْتَظِرُكُمْ فِي الصَّفِّ الْحَادِي عَشَرَ ؛
حَفِظَكُمُ اللَّهُ ؛
فِي أَمَانِ اللَّهِ ؛
مَعَ السَّلَامَةِ .

